

فصلنامه علمی فرهنگی اجتماعی

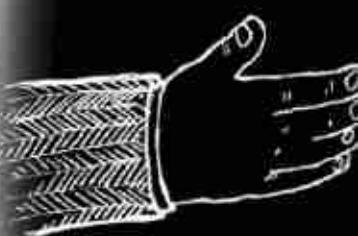
سیمای قدرت در آستانه انتخابات



فهرست نهایی نامزدهای انتخاباتی
متن قانون انتخابات
محقق
کرزک

من

حق و آزادی های اساسی مردم
بن مالکی فرهنگی
جهانی و توسعه اقتصادی
جایزه های نوین در رسانی
برندهای ارزشمند و معتبر و...



تعداد ۱۰۰ نسخه
۵ افغانی، قیمت ۸۵، ۸۷
سال اول، شماره ۲

پارس

قلیم تو تم من است.

تو تم ما است

به قلم سوگند.

به خون سیاهی که از حلقومنش می چکد سوگند.

به ضجه های دردی که از زبانش می تراود سوگند.

که تو تم مقدس را نمی فروشیم. نمی کشم. آید سوگند...

رآنمی خورم. به دست زورش تسليیم نمی کنم. به کیسه زرش

نمی بخشم. به سر انگشت تزویرش نمی سپارم. دستم را قلم

نمی کنم و قلمم را از دست نمی گذارم. چشمها یم را کور می کنم.

گوشها یم را کر می کنم. پاهایم را می شکنم. انگشتانم را

بند بند می برم. سینه ام را می شکافم. قلیم را می کشم. حتی

زبانم را می برم و لبم را می دوزم... اما قلمم را به بیگانه نمی دهم

اما قلمم را به بیگانه نمی دهم





در این شماره می خوانید

اغازین کلام / ۲

سیمای قدرت در آستانه انتخابات / ۳

فهرست نهایی نامزدهای انتخاباتی / ۶

حقوق و آزادیهای اساسی مردم / ۷

فرهنگ سیاسی / ۸

قانون انتخابات ریاست جمهوری / ۹

محاسبه / ۱۲

با فرزانگان / ۱۴

اشنایی با مکاتب ادبی / ۱۵

ضرب المثلهای جهان / ۱۷

ستون آزاد / ۱۸

کجاوه سخن / ۱۹

به بهانه ۲۸ اسد / ۲۲

به نقل از اینترنت / ۲۳

پس ماندگی فرهنگی / ۲۴

در محضر مولانا / ۱۵

فرهنگ و توسعه اقتصادی / ۲۶

چه باید کرد / ۳۲

تباور اندیشه / ۳۳

رشد اکتسابی / ۳۴

چایخانه / ۳۵

انرژیهای نهفته درونی / ۳۶

آن لاین / ۳۷

جوایز نوبل / ۴۰

نشریه علمی:
[۱] نشریه ای کاملاً مستقل و آزاد می باشد
[۲] از تعام محققین و پژوهشگران و صاحبان قلم
[۳] از همکاری می نماید و از مقالات ارسالی
[۴] دعوت به همکاری می کند.
[۵] استقبال می کند.
[۶] حق ویرایش مطالب ارسالی برای نشریه محفوظ
[۷] مطالب انتشار یافته صرفه به متوجه دیدگاه نشریه
است.
[۸] مطالب انتشار یافته صرفه به متوجه دیدگاه نشریه
نمی باشد.
[۹] مطالب ارسالی باز گردانده نمی شود.



صاحب امتیاز: انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

مدیر مسئول: سید سلیمان حسینی

Click_manager@parsimail.com

سردیبو: سید نقی موسوی

Sayyednaghi_moosavi@yahoo.com

هیئت تحریریه:

سید محمد تقی موسوی، ظفر علی علیزاده، شاهزاده حسین حیدری

رقیه قربانی، معصومه ناصری، ام البنین میرزایی، ملکه باتور، مریم

حسینی

همکاران این شماره:

سید کمال الدین موسوی، مجید محمدی، حسن نوری، ابراهیم مروج

محمد خدادادی، خانم محمدی، خانم مروج، خانم حسینی، خانم باقری،

خانم جوادی، طیبه علیزاده، مرکز فرهنگی دانش

گرافیست و صفحه آرا: سید نقی موسوی

طراحی وب سایت: سید سلیمان حسینی

آدرس وب سایت:

WWW.clickmagazin.8m.net

clickmagazin2@parsimail.com

پست الکترونیک:

آدرس مشهد: گلشهر، سیمتری یعقوبی، میلان امیرالمؤمنین ۱، ب

تماس: 2582663 (حسینی)

آدرس کابل: دشت برجی، قلعه ناظر، عبدالعالا احسانی (دانشجوی

دانشکده ساینس، پوهنتون کابل)

سازمان



به نام آنکه هستی نام از او یافت
پاک است خداوندی که دگرگون نمی کند احوال ملت را تا آن ملت خود احوال خود را
دگرگون نسازد.

دوستان و هموطنان عزیز سلام دوباره مارا پذیرا باشید، به باری و لطف حضرت حق تواستیم تا برای دومنی بار
کلیک را به طبع رسانیم، امیدواریم که این شعاره بهتر از شعاره پیشین و شعاره بعدی بهتر از این شعاره شود
اشاء الله

ملت افغانستان در آستانه تحریبه کردن اولین انتخابات ریاست جمهوری خود قرار دارد، انتخاباتی که رایخه خوش مردم سالاری و پیشرفت را به
مشامخان آشنا می کند و حس خوشنایند همبستگی، صلح، ارامش، امنیت و حاکمیت بر خود را برای اولین بار برایمان به ارمغان دارد، این احساس
که «آری، ما دیگر بسوی عقب و پس رفت در حرکت نیستیم بلکه بعد از مدتی توقف در آستانه حرکت به پیش و پیشرفت و ترقی هستیم»، خدا
کند که این حس خواب و خیال نباشد، زود گذر و دروغین نباشد بلکه واقعیت باشد، پایدار و واسطین باشد، هر چند که در ایندا کم رنگ و مانند
سواب به نظر آید و لیکن باید هر روز بر رنگتر شود و یقینان به اثبات رسد که چشممه آبی در انتظارمان هست که ما بسویش تسته ایست و با
پاها بی خسته و رنجور، نرم ترمک گام بر می داریم و به امید سراب شدن از آن چشممه از پایی تعی نشینیم.

بسیاری بر این عقیده اند که این چشممه، سراب و فربی بیش نیست و ما بسوی آزادی و دموکراسی و پیشرفت تمی رویم بلکه خیلی است بطل
می گویند انتخابات در افغانستان مانند یک بازی تشریفاتی است که نتیجه اش هیچ ثانیری در روند بازیهای دیگر ندارد و مهم نیست که چگونه
برگزار می شود فقط برگزار می شود.

ممکن است درست باشد و در حال حاضر انتخابات شرایط لازم و کافی را برای برگزاری، دارا نباشد تا ما بتوانیم ادعا کنیم که دموکراسی در حل
تحقیق یافتن است ولی باید بدانیم که نفس این انتخابات به اصطلاح تشریفاتی که نتیجه اش را خیلی ها بیناییش بقین دارند که چیست، بایی
جامعه ما یعنوان نخستین قدم سیار امیدوار کننده است، برای جامعه ای با سطح سواد و شرایط اقتصادی پایین که تازه از باطلاق جنگ و فساد
و برادرکشی بیرون آمده و هنوز بهم آن می رود که بار دیگر در این چشمین پایی نهد و هنوز زخمهاش تمام نباشه، این انتخابات می تولد مرحومی
بر دل داغ دار و تا امید مردمش باشد شاید این مرحوم بالا قابل مدواوی زخمهای عمیق نکند ولی گمان می رود که قدرت کم کردن شدت
خونریزی را داشته باشد.

از سوی دیگر ما خواهان حرکت بسوی جامعه ای مردم سالار هستیم، انتخابات یکی از معیارها و ویژگیهای این جامعه است ولی اصول مبدی و
اساسی دموکراسی، خردگرایی (در قالب سه اصل خرد ورزی، خرد پذیری، خردمندی)، قانون و عدالت می باشد. اگر جامعه ما به همین اصل
اول خود را برساند مطمئناً انتخابات آنی صد درصد متفاوت با این دوره خواهد بود و سرونشت را خود ملت افغانستان رقم خواهد زد، در غیر
اینصورت وضع از این بهتر تحواهد شد، جامعه ای که خرد و قانون حکم فرماست و مردم اش به خردمندی و قانونداری رسیده اند عدالت نیز
رعایت می شود در نتیجه آزادیها تعریف شده و مردم به آرمانهای خود خواهند رسید، بحث در مورد دموکراسی و شرایط و ویژگیهایش را می
گذاریم به عهده اهلهش و بیش از این نمی گوییم؛ ولی این را می گوییم که اگر انتخابات عادلانه نیست ولی هست، و این بودنش جای شکر کرد
اما باید تلاش کنیم که همه چیز را آهسته، آهسته و ستجیده بسوی قانونمند و عادلانه کردن بیش ببریم و نگذاریم دیگران برایمان تصحیح
یکی‌گرد و این مهم فقط با حرکت بسوی توسعه فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و ... امکان پذیر است که در این راه همکان متوجه شدند و
مشکلاتی خواهیم شد که با غزمه راسخ و همگانی به مظلوب خوبیش خواهیم رسید.

به امید سرافرازی ملت تشریف افغانستان

سرد بیرون

سیمای قدرت در آستانه انتخابات

محمد خنادادی (اطلاع‌جوی گذاروی)

اقدامات نامزدهای ریاست جمهوری روشن کند بدین منظور ابتدا گروههای موجود را به سه دسته کلی تقسیم نموده هر چند این تقسیم بندی نمی‌تواند واقعی باشد اما برای مقصود ما غالی از قایده نخواهد بود.

جزیان نخست گروهها و احزاب و شخصیتهای هستند که هویت سیاسی خودشان را مدیون مبارزه با شغالگران شوروی و حکومت طرفدار آن می‌دانند. اینان جزیات سیاست ناهمکن و پیجیده‌ای هستند که در دوران اشغال بنا به اقتضای دفع اشغال شکل گرفته‌اند وسیس بر اساس منطقه، قوم، زبان و مذهب رشد نظامی و تشکیلاتی یافته‌خود را برای کسب قدرت اماده کرده‌اند. اگر چه این گروهها در میان خود از تناقضات و اختلافات جدی متأثر هستند اما آنچه که می‌تواند آنان را در یک گروه واحد قرار دهد همانا هویت مازلتی و مجاهدت آنان برای رفع اشغال و ایجاد حکومت اسلامی است. جزیان دیگر امراض ایان و حامیان حامد کرزی می‌باشد در این جزیان نیز گروهها و احزاب مختلف و متضادی وجود دارد.

گروهها و شخصیتهای متفاوت حکومت کمونیستی ساجی- طرفداران ظاهر شاه- تحصیل کردگان و تکنولوژی‌های غربی و اکثر میانه روهای پشتونها در این طیف قرار دارند. وجه مشترک این گروهها دموکراسی خواهی و طرفداری از غرب است. در قیاس به گروههای مجاهدین جوان هستند زیرا پس از 11 سپتامبر شکل گرفته‌اند. سومین جزیان موجود در صحنه سیاسی افغانستان که نمی‌توان از تابیرات آن حرف نظر نمود نیروهای ایساخ به فرماندهی ناتو، سازمان ملل و نیروهای سیاسی- نظامی امریکا می‌باشد که به طور کلی نقش کنترل اوضاع را به عهده داشته و در جهت تحويل خواست جامعه جهانی مبنی بر استقرار صلح و دموکراسی در افغانستان فعالیت می‌کنند. پس از دسته بندی و مدل سازی نیروهای منتشر موجود اکنون می‌توان حرکت نامزدهای هر گروه را به تعبیر و تفسیر نشاند. کاندیدهای ریاست جمهوری را نیز می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود، اول کسانی که پشتونه اجتماعی و سیاسی یا خوبی مواف و قابل توجهی دارند، دوم کسانی که مستقل به میدان آمده‌اند از تسریح دسته دوم که معقدم صرفاً جوابی نام و آوازه می‌باشد.

مردم افغانستان دوران جدیدی را آغاز کرده‌اند، 11 سپتامبر و تحولات متعاقب آن فرصت‌های مساعدی را برای این کشور ایجاد کرده است. برجده شدن بساط افراط گرایی سیستم طالبان و اقول آرمانهای منجی گرایانه و بنیاد گرایانه مجاهدان دو دستاورده عمده ملت افغانستان است که پس از مبارزه با تهاجم شوروی بدان دست یافته است، به عقیده من تجربه شکست طالبانیزم و بنیادگرایی ارتجاعی مجاهدان ارزشمندتر و موثر از مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی در راستای دست یابی به توسعه اجتماعی است، زیرا اساس ساختار اجتماع افغانستان سنت و ارزش‌های متبوع از آن است که همواره در مقابل رشد و توسعه تجدیدگرایی قدیم کرده و تلاش ملت را در دست یابی به تمدن نوین پوشی با شکست مواجه ساخته است.

در دهه‌های اخیر بنیادگرایی اسلامی به عنوان آلتراستیو جدی یا دموکراسی و مردم سالاری توربوزه شده و با شکست و فروپاشی کمونیزم در پایانی ترین دهه قرن بیست مجال ظهور و بروز پیدا کرده است.

انگیزه اصلی ایشان به زعم بندۀ از شرکت در انتخابات در ابتداء عامله با گوزی بود ته رقابت با او. ایشان سعی می‌کرد تا از این طریق حضور خود در کایته اتنی او را تضمین نماید زیرا برای او معلوم شده بود که با وضعیت فعلی اش از لیست وزوای گوزی حذف خواهد شد.

خواسته‌های اصلی نسل امروز افغانستان است که باید بدقت بدان پرداخت و از آن در جهت پیشبرد عدالت اجتماعی و تامین رفاه و توسعه کشور استفاده کرد.

اما این بدان معنی نیست که ارتجاع و بنیادگرایی به طور کامل از صحنۀ خارج شده‌اند، هر چند آنان از صدر جدول به ذیل آن نقل مکانی کرده‌اند اما همچنان از اهرمهای لازم برای پارگشت به قدرت برخوردارند آنچه که بیش از همه در رسیدن به قدرت آنان را برای می‌کند همان تداوم ناامنی و استیلای منطق تقیق است. انتخابات سراسری ریاست جمهوری و شورای ملی از مهتمرين شتابه‌های حضور دموکراسی در فضای سیاسی و اجتماعی ماست که برای اولین بار حقوق اولیه مردم را بر اداره محلک فریله می‌زند و آنان را برای مشارکت در ساختار قدرت دعوت می‌کند. نوشان زیر کوشیده است و ضعیت دموکراسی موجود را از خلال کالبد شکافی

است، چند روش‌گذاری و حمایت از جهاد ملت افغانستان از ویزگهای اوست. اما اینکه او بتواند رقیب جدی برای کرزی باشد تردید وجود دارد زیرا تهضیت ملی از محبوبیت نزد تاجیکهای اطراف که از قشر سنتی قوم تاجیک هستند بخوردار نیست، بیشتر طرفداران آنها افسار با سواد ساکن در شهرها می‌باشند که در اقلیت هستند از آن گذشته سران اصلی جمعیت اسلامی به شمول استاد ربانی و جنجال فهم و داکتر علیله راهی غیر از این حزب برگزیده اند. پدرام زمانی می‌تواند خطر جدی برای کرزی باشد که بتواند تعیین‌گکی کل تاجیکها را کسب نماید که تا هنوز نشانه‌ای از آن در دست نیست. بنابر این انگیزه اصلی او از رقابت در انتخابات شاید تبلیغ حزب تهضیت ملی باشد که می‌کوشد از سیطره سنگین شورای نظار و جمعیت اسلامی خلاص شده اعتماد به نفس را به اعضا خود تزریق نماید ابهام و بیچیدگی و غیر قابل پیش بینی بودن از خواص صندوق انتخابات در افغانستان است این کشور شاهد ادغامها و ائتلافهای ناهمکون مسیار و نیز اختلال و از هم پاشیدگی آنها بوده است. اکنون نیز یک ائتلاف غیر قابل پیش بینی در شرف وقوع است، ائتلاف حامد کرزی با جبهه متحده شمال به فرماندهی زنجال فهم و ربانی.

اری حامد کرزی که احسان تربیت و مهتمرین چهره در بین کاندیدهای ریاست جمهوری است از ماهها پیش برای پیروزی خود در انتخابات دست به اقداماتی زده است که بد نیست از دلایل و عوایق آن آگاه شویم از جمله اقداماتی که کرزی بدان برداخته از میان برداشتن برقی وزارت‌ها و مقامها سعنی گرده که از شکل گیری یک ائتلاف جدی علیه خود جلوگیری به عمل آورد تازه‌مان تحریر این توشتار در انجام آن موفق بوده است.

به نظر من دو کاندید مهمن می‌توانست موافقی جدی در برای او ایجاد کنندار یکی از آنان اجلال‌فیاض ظاهرشاه است که عمدها پستونیستهای افراطی را دربری می‌کنند، این گروه می‌توانست حمایت پشتونها را از حامد کرزی برای زیرا اصلی تربیت فاکتور قدرت در صحنه سیاست افغانستان قومگراپی است که شالوده احزاب اصلی و قدرتمند افغانستان را می‌سازد و حامد کرزی در بین پشتونهای افراطی از محبوبیت کمی برخوردار است زیرا آن او را در مقابل زنجال فهم و گروههای مرتبط با او ضعیف و ناتوان به

کرزی در دفاع از بیش نویس قانون اساسی مبتنی بر نظام ریاستی اعلام کرد که باید احزاب فراگیر ملی ایجاد شود و باید جرات سیاسی داشت به محافظه کاری. ایسا اقدام او در سهیم شدن رهبران جهادی از هر مسلک و مراسم قابل توجیه است. بر همکار اشکار است که کابینه هایی که از اختلاف گروهها و افراد متفاوت ایجاد می‌شوند تاکاراً مسدود شوند و صرفاً کاربرد آن اعاده اعتماد ملی در سوابط گذار است که این اگرچه در حال حاضر لازم است اما برای این‌دست کافی نمی‌باشد انتظار عصوبی این است که ریاست جمهوری فعل الختام کابینه‌های ناکارامد و منفصل باشد اما شواهد حاکمی از تداوم این امر است

صرفنظر می‌کنم اما از دسته نخست به چند مورد که از اهمیت بیشتری برخوردارند خواهم پرداخت.

یکی از آنان حاج محمد محقق می‌باشد، انگیزه اصلی ایشان به زعم پنهان از شرکت در انتخابات در ابتدا معامله با کرزی بود نه رقابت با او، ایشان سعی می‌کرد تا از این طریق خپور خود در کابینه ای او را تضمین نماید زیرا برای او معلوم شده بود که با وضعیت فعلی اش از لیست وزیری کرزی حذف خواهد شد.

تحریک سران جهادی موجود در کابینه لیز در کاندید شدن او نقش بسزایی داشت، اما خواستی که منجر به عزل او از وزارت پلان شد به وی فهماند که کار مشکلی در پیش دارد زیرا وی دو عامل عمدۀ در موقعیت خود را از دست داد تختست اینکه اختلاف او با کریم خلیلی در داخل حزب وحدت تعیان شد زیرا در برابر عزل او از وزارت پلان حزب هیچ گونه اعتراض نکرد بلکه بالاتفاقه تعیین‌گک خود را بجای او معرفی کرد که هماهنگی بیشتری با رهبری حزب دارد، در راستای همین اختلاف نظر حزب وحدت تا کنون پشتیبانی خود را از فمزدی حاج محمد محقق اعلام نکرده، بلکه تعامل دارد از حامد کرزی حمایت به عمل آورد.

نتیجه این کار مردد شدن هزاره‌ها در رای دادن به محقق است، رای هزاره‌ها در رقابت انتخاباتی از اهمیت سرنوشت سازی برخوردار است زیرا هزاره‌های مناطق مرکزی بیشترین اقبال را در ثبت نام داشته اند و اکثر هزاره‌های ساکن در شهرهای بزرگ جنگ کابل، مزار شریف و هرات نسبت به رای دادن بسیار متفاوت هستند و از کثربت بالایی برخوردارند اهمیت این موضوع وقتی اشکار می‌شود که اکثر مردم مناطق جنوبی تعامل کمتری برای حضور در رای صندوقهای رای از خود نشان داده اند، و اما دوم اینکه سیروههای مجاهدین نیز از وی حمایت نکرند بلکه از او فقط به عنوان سپر پلای خود در مقابل تغییرات کابینه استقاده کرددند و حالaxe اینکه امروز محمد محقق می‌دانند که به هزاره‌ها کاملاً از اول حمایت می‌کنند و نه از حمایت سران جهادی برخوردار است. بنابر این با تمام تیرو به میدان انتخابات آمده تا شاید بتواند از حیثیت اجتماعی خودش دفاع کند از این روست که به تحریکات احساسات هزاره‌ها برداخته و از طرفی با تأثیرگذاری از حکومت مرکزی همچون باند اساعیل خان در آینده و روند است.

اما کاندید دیگری که باید به او پرداخت لطیف پدرام است، وی از حمایت نهضت ملی که از جمعیت اسلامی اشتفاق یافته برخوردار

ایدولوژیک آنان باشد را معرفی نکرده اند از سوی دیگر وجه بنیادگرایی آنان به مذاق جامعه جهانی نیز خوش نخواهد آمد و گرایش آنان به قدرت صرفاً از جنبه قومی و یا متابع شخصی و گروهی قابل درک است.

اما دلیل دیگر وعده هایی است که زنگال فهیم و ربانی از حامد کرزی دریافت کرده اند، خبرهای غیر رسمی حاکی از این است که زنگال فهیم همچنان در مقام خود اینجا خواهد شد و بز مدل کناره گیری ربانی از انتخابات کرزی قول داده که از ریاست وی در ولسوی جرجه حمایت کند، به نظر من سفیر امریکا نقش اصلی را در کارگردانی این ستاربوی به عهده دارد، وی به سندهای مختفی که به افسوس نقاط کشور داشته فرماندهان محلی را قانع کرده از اخلال در امر انتخابات دست گشته و از حامد کرزی حمایت کننده، هم چنین او کوشش خواهد نمود که از شدت یافتن پشتونهای افغانی جلوگیری نماید چنانکه در لویه جرجه اضطراری مانع کاندید شدن ظاهر شاه شد.

اگر تا دقیقه 90 وضع به همن متوازن بگذرد برند انتخابات از پیش مستحضر است، اما ایا کرزی با کایپنه مصلحتی و ناهمنگ خود می تواند کشور را در 5 سال آینده به سمت ثبات و دموکراسی هدایت کند؟

فراموشان نشود که کرزی در دقاع از پیش نویس قانون اساسی مبتنی بر نظام ریاستی اعلام کرد که باید احزاب فراگیر ملی ایجاد شود و باید جرات سیاسی داشت نه محافظه کاری، آیا اقدام او در سهیم شدن رهبران جهادی از هر مسلک و مراسی قابل توجیه است، بر همگان آشکار است که کایپنه هایی که از ائتلاف گروهها و افراد معتقد ایجاد می شوند ناکارآمدترین هستند و صرفاً کاربرد ان اعاده اعتماد ملی در شرایط گذار است که این اگر جه در حال حاضر لازم است اما برای آینده کافی نمی باشد انتظار عمومی این است که ریاست جمهوری فصل الخاتم کایپنه های ناکارآمد و مفضل باشد اما شواهد حاکی از تداوم این امر است، عدم توسعه طیف متوسط شهری و تکنولوگیات در جامعه افغانستان فضای بروای جولان نخبگان سیاسی فراهم کرده است و از حفاظ اجتماعی ساختار افغانستان جامعه ای توده ای است که در آن اقتدار مختلف مردم به راحتی توسعه نخبگان آنها بسیج و برانگیخته می شوند و به عبارتی بد راحتی آلت قبل رهبران خود قرار می گیرند و هیچ گونه

حساب می آورند، این گروه قادر تهدید بارها و بارها در مقابل حزب جمعیت و هوای افغانستان آن در حقه های مختلف به مبارزه برخولته اند، و از حامد کرزی به سبب ترسیش بیش از اندازه و تن داده به خواستهای جنگ سالاران انتقاد کرده اند، در لویه جرجه اضطراری خواهان عزل فهیم و در لویه جرجه قانون اساسی همین گروه سبب اتحاد و یکارچگی تعابینگان پشتون شده بر تهمیم ارهانها و سبلهای پشتونها به عنوان آرمان ملی اصرار می گردند، ظاهرا حامد کرزی با کمک خلیل زاد تا کنون از کاندید شدن چنین افرادی متعاقبت به عمل آورده است، کاندید دیگری که می توانست موافقه قدرت را به خود حاصل کرزا رقیم زند کاندیداتوری ربانی یا زنگال فهیم است، در هنگام برگزاری لویه جرجه قانون اساسی اخباری مبنی بر کاندید شدن برهان الدین ربانی به گوش می رسید اما در این اواخر حکایت چیز دیگر است، انصار افغانستان از تهاجم مقام سومی مملکت می توانند ناسی از دلایل زیر باشند، علی رغم اینکه جمعیت اسلامی از نظر نظامی قدرتمندترین حزب افغانستان به شمار می آید اما توان لازم برای تشکیل یک ائتلاف بزرگ را ندارد، زیرا اولاً از اشتقاچهای داخلی رنج می برد و در تانی جمعیت اسلامی و شورای نظار که از پیشینه متفق برخوردارند مستول هرج و مرج و جنگهای داخلی در زمان زمامداری ربانی است که کشور را به سمت سقوط و تباہی سوق داد و تحتم نفاق و می اعتمادی را در میان اقوام مختلف پاشید، از جمله پیامدهای این دوران سیاست ایجاد می اعتمادی میان اقوام اقلیت ازیک، هزاره و تاجیک است که دیگر امروزه همانند دوران جهاد تاجیکها نمی توانند بر توان از گهکها و هزاره ها حساب کنند، زد و خورد در صفحات شمال بین زنگال عطا دارد، رویکرد کریم خلیل و زنگال دوستم به حامد کرزی به همین دلیل است.

ثالثاً در دوران حاکمیت مجاهدین حکومت اسلامی افغان از محک تحریه سربلند بیرون نیامد، اینان بیش از هر کس ایمان خود را به ایدئولوژی حکومت اسلامی و نجات بخش بودن آن از دست داده اند از همین روست که کاندیدای مشخصی که سمبول ارمانها و شعارهای

از یک سو و بی تجربیگی ملت افغانستان در أمر دموکراسی به عبارت روشتر ققدان دموکراتهای آگاه و نهادهای مستقل مدنی از سوی دیگر شاید از مهمترین دلایل حامد کرزی در تداوم حضور جنگ سالاران باشد که نمی توان به سادگی از آن گفتست به لحن دیگر در شرایط کنونی که با پراکندگی و تعدد مراکز قدرت مواجه هستیم دموکراسی خود جوش به راحتی بدل به اعاده آثارشیزم خواهد شد و ممکن است دستاوردهای اجتماعی اخیر که همانا امید به آینده بهتر در بناء دموکراسی و بازگشت اعتماد ملی است را ناود کند لذا در وله اول به تظر میرسد چاره ای جز پذیرش دموکرنسی کنترل شده و راضی کردن همه جوانب قدرت نداریم، اما این نکته را نیز باید از نظر دور داشت که معمولاً دولتی در دوران گذار موفق هست که کایپنه آن مشکل از یک تیم کاملاً یکدست حرفة ای و کاری باشد و اختلافات سیاسی در داخل آن به حداقل برسد، این کار را معمولاً با انتخاب افراد تحصیل کرده و متخصص از میان افراد عیانه رو و خوشنام گروههای رقیب عملی می کنند، نگرانی از آن جاست که کرزی برای تفسمین موقفیت خود باکسانی به توافق رسیده که نه تحصیل کرده و متخصص و اهل کار اداری هستند و نه میانه رو و خوشنام بلکه تنها هنر آنان از اداره جامعه پلیدن همه امکانات و توان مندیهای مادی و معنوی آن است.

کثیری بر آمال و تصامیم رهبران خود ندارند به همین دلیل لست که ما در افغانستان با دگرگونیهای وسیع و ناگهانی مواجه می شویم می انکه خود در تشکیل و یا نایبودی آن سهم جدی و اساسی داشته باشیم، اینکه فریب سی سال مملکت در بحران نامنی و جنگ بسر

پدرآم زمانی می تواند خطوط جدی برای کرزی بانسد که بتواند تعابندگی کل تاجیکها را کسب نماید که تا هنوز نشانه ای از آن در دست نیست، بنابر این انگیزه اصلی او از رقابت در انتخابات شاید تبلیغ حزب نهضت ملی باشد که می کوشد از سیطره سنتی شورای نظار و جمعیت اسلامی خلاص شده اعتماد به نفس را به اعضای خود تزریق نماید.

می برد ویشه در همین خصوصیات جامعه ما دارد، براساس این الگو مردم از صحننه نیاست کناره می گیرند و اختیار را به رهبران خود میسپارند و هر آنچه آنان تصعیم بگیرند درست یا تادرست مورد قبول و اطاعت واقع می شود، چنین است که تصمیمات سیاسی ته در قالب برنامه و هدف مشخص و ته در ملاء عام و با شارکت مردم بلکه در محافل پنهان سیاسی و بازد و بند و معامله و نیرنگ اتخاذ و سپس برای اطاعت به مردم ایلاخ می شود خطوط نامنی در اثر طرد سران قدرتمند مجاہدان و تعدد مراکز قدرت

فهرست نهایی نامزدهای انتخاباتی

فهرست نهایی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اینده افغانستان عصر سه شنبه ۱۰ اوت، برای ریس دفتر مشترک تنظیم انتخابات اعلام شد، مطلب حاصل به نقل از سایت BBC می باشد اینواریم که عورت نوجه خواندنگان عزیز واقع شود، این فهرست ۱۸ نفره بیس از آن منتشر شد که دفتر مشترک تنظیم انتخابات نام ۲۳ نفر را به عنوان متقاضیان نامزدی انتخابات ریاست جمهوری به مردم افغانستان و مراجع قانونی اعلام کرد تا در حوزت اعتراف به کاندیداها و یا معاونان آنها، عذرخواهی خود را در این زمینه ارائه کند، دکیم شاه، ریس دفتر مشترک انتخابات در این باره گفت که ۱۱۵ مورد شکایت، اتهام و اعتراض درباره برخی نامزدها یا معاونان پیشنهادی آنها به این دفتر ارسال شد.

اقای ذکیم شاه گفت که دلگاه عالی یا ستره محکمه، این اتهامات را به دلیل اینکه هیچیک از نامزدها در یک دلگاه یا صلاحیت محکوم شده اند، وارد داشتند و بدین ترتیب کسی از طرف دفتر مشترک تنظیم انتخابات به دلیل جرائم مانند تغصن حقوقی پسر یا ارتکاب به جرائم جنایی، سیاسی، حقوقی و داشتن نیروهای مسلح رد شدند.

اقای ذکیم شاه گفت که ۵ تن از نامزدهایه دلیل عدم تکمیل شرایط نامزدی و انصراف شخصی و یا شماری از معاونان آنها به دلایلی مانند داشتن تابعیت دوگانه از شرکت در داده رقابتی انتخاباتی حذف شدند، در میان اشخاص حذف شده، از دلوطلبان مشهور انتخابات نام کسی مطرح نشده و بنابر این به نظر می رسد که ترکیب قبلی نامزدهای انتخابات در صفت بندیهای سیاسی هستیان حفظ شده است، با این حساب، حامد کرزی ریس دولت انتقالی افغانستان، ناید با رقبای مهمی همچون یوسف قانونی و محمد محقق، دو تن از وزرای کابینه اش را کنند در حالیکه چهاره ای مانند عبدالوهید دوستم، دهبر جنیش ملی شمال نیز در این مبارزات حضور دارد، لطفیق پدرام، حقیقت منصور، مسعوده جلال و محمد محفوظ ندایی نیز که در ماههای اخیر به عنوان چهره های جدی معتقد دولت مطرح بوده اند نیز از جانبی دیگر سعی خواهند کرد آراء رای دهنده کان را به خود جلب کنند.

سید اسحق گیلانی، احمد شاه احمد زی (که داعیه دار نامزدی از سوی بخشی از مجاهدین است) و تعدادی دیگر نظیر غلام فاروق نجوابی، عبدالهادی خلیل زی، وکیل منگل، عبدالهادی دبیر، عبدالحسیب اربن، همایون شاه اصلی و محمد ابراهیم رشید در مبارزات انتخاباتی حضور دارند، همچنین نام عبدالستار سیروت از چهره های بساخه سیاسی نیز به عنوان یکی از مدعیان عرصه رقابتی انتخاباتی مطرح شده است، نامزدهای انتخابات علاوه بر احراز شرایط دیگر، باید از طریق جمع اوری امضاء ثابت می کردند که از حمایت دست کم ده هزار تن از افراد کشوز بر خوردارند



ملکه باتور

حقوق و آزادیهای اساسی مردم

منتسباً سایر حقوق ادمی گردد. حق حیات را خداوند به انسان یخشیده از این رو تنها اوست که در آن حق تصرف دارد و هر گونه تصرف و سلب حیات بدون آن بروزگار و غامل آن مجازات سنگین دارد.

در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز حق در راس همه حقوق انسان قرار دارد. نباید هر کس که در جستجوی یک زندگی انسانی است و از حقوق شان دفاع می‌کند و در پی تحقیق خواسته‌های مشروع و قانونی خویش است و به تابعیت‌های اجتماعی اعتراض و به خشم و بیدادگری انتقاد می‌کند، با گلوکه صدایش را خفه کرد و هر شورشی و مخالفتی را طغیان تلقی و عدالت خواهان و مصلحان و آزادخواهان را محکوم به مرگ کند، و از طرفی نباید به بقایه دفاع از حقوق بشر دست افراد جنایتکار و هر تکبین اعمال غیر انسانی و اسلامی را باز گذاشته که هر کاری که میل دارد انجام دهد، که در این صورت تسریزه نظام اجتماعی از هم می‌پاشید.

ب: اصل کرامت انسانی:

کرامت انسانی موهبتی است که خداوند به موجب آن انسان را بر سایر موجودات برتری داده که این کرامت از ذات الہی نشات می‌گیرد و نشان دهندهٔ ارتباط ادمی با معبدش می‌باشد. براین اساس از ادبی، برایزی امنیت و دیگر حقوق انسان طوری تنظیم و تغییر شود که با کرامت انسانی سازگاری کامل داشته باشد در مقدمه اعلامیه‌ی حقوق بشر به اصل کرامت انسانی چنین اشاره شده است «شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضا خالواده بشری حقوق یکسان و انتقال تأثیر این اساس از ادبی، عدالت و حلچ را در جهان تشکیل می‌دهد» و در ماده اول چنین آمده که: « تمام افراد بشر از اند به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند».

اصل ازادی:

از ادبی واژهٔ مقدس و زیبایی است که تمام ملت‌های اقوام و افراد بشر، بطور قطعی و طبیعی خواستار آن و در پی تحقق از ادبی بوده و برای بدنست اوردن معنای واقعی آن از هیچ نوع تلاش و فدائکاری فرو گذار نکرده و برای از ادبی انسانیهای بسی شماری قربانی گزدیده است. از ادبی از دو دیدگاه قابل تفسیر است، ۱. دیدگاه فیلسوفان ۲. دیدگاه حقوق دانان.

یکی از اهداف اصلی تدوین قانون اساسی این است که حقوق و آزادیهای مردم تریک مبنای مطلق می‌تصمیم و پاس داشته شده و نهاد قدرت نتواند با اعمال حاکمیت، حقوق اساسی مردم را تحت تاثیر اقتدار خود قرار داده و مردم را از حقوق شان محروم سازند؛ این دو در اکثر اعلامیه‌های حقوق در کشورهای مختلف مثل اعلامیه‌های حقوق ۱۷۹۰ آمریکا و اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه «بویزه اعلامیه جهانی حقوق بشر» ۱۹۴۸ و سایر مبنای مطلق‌های بین‌المللی در بر گیرنده حقوق و آزادیهای اساسی انسان است.

که مقایم آن به اسکال مختلف در قوانین اساسی مدون کشورها ذیله می‌شود.

قوانين اساسی گذشته کشور ما که توسط خود حکومتها تدوین و تصویب و اجرا می‌گردید به برخی از حقوق جلت پرداخته ولی جنبه عملی پیدا نکرده و بیشتر اراده فردی و جزئی در داخل دستگاه قدرت نقش ایفا گردد و فرمانتشان قانون محسوب می‌گردید اما روی هم رفته می‌توان

گفت که قوانین اساسی گذشته تسبی از رشد و تکامل برخوردار بوده و از فرد محصوری عمور و از انحصار خالوادگی شکسته و به سوی مشارکت قدم گذاشته اگرچه به چنگال انحصار حزبی گرفتار شد.

اکنون که مرحله توین از حیات سیاسی در تاریخ کشور ما آغاز

گردیده آنچه که در این شرایط مهم است این است که کشور ما نیاز به یک قانون اساسی ایده‌آل و مطابق با واقعیت‌های موجود در این سرزمین دارد که بیش از همه جیز خواسته‌ها و آرمان‌های مردم در آن تبلور یافته و به آرزوهای دیرین ملت جامه عمل بپوشاند تا به حقوق و آزادیهای سیاسی خود تائل آید.

تاجی است که اساس و زیر بنای تعلیم حقوق انسان به شمار می‌اید.

یعنی اصل حیات، اصل کرامت ذاتی انسان، اصل ازادی و اصل برابری.

الف: اصل حق حیات:

نخستین حقی که برای انسان ثابت شده، حق حیات می‌باشد که به حکم عقل سليم طبیعی ترین و اولین حقوق است که می‌تواند



فرهنگ سیاسی

جمهوری

نوعی حکومت که در آن جانشینی رئیس کشور موروثی نیست و مدت زیست غالباً محدود است و انتخاب را رای مستقیم با غیر مستقیم مردم انجام می‌نمود. جمهوری از نظر مفهوم کلمه غالباً متفاوت در جانشینی از دموکراسی نیز هست، اما در عین حال بر ساری از دیکتاتوریهای غیر سلطنتی نز اطلاق می‌شود و در این وجه صرفاً به معنای «غیر سلطنتی» است.

در سنت سیاسی غرب، قبل از انقلاب امریکا و فرانسه، جمهوری بر هر حکومت اطلاق می‌شود که منافع و رفاه کلی مردم را در نظر نداشت و در این معنی حکومتهای سلطنتی و ارستوکراسی را نیز در بر می‌گرفت و حتی دولتها برا که در آنها از ارادی سیاسی محدود بود اما حکومت رفاه مردم را در نظر نداشت.

از زمان انقلاب امریکا و فرانسه جمهوری معنای دولت ازادگانی که در آن حقیق مدنی و ارادیهای تضمین شده فردی وجود داشته باشد گرفت و «جمهوری خواهی» مفهوم احساسی خدا استناد سلطنتی داشت. بعضی از محافظه کاران امریکایی جمهوری را به معنای حکومت مترقبه، حکومت قانون، و قانونی بودن حکومت به بکار می‌برند، در مقابل دموکراسی به معنای حکومت غوغای و پنهانه و یک درصد آراء.

جمهوری های جدید را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

(۱) جمهوریهای دموکراتیک غربی که ریشه های تاریخیان به انقلابهای فرانسه و نواده می‌رسد. (فرانسه و ایالات متحده) یا کشورهایی که این سنت را بعنای کسب کرده اند (ایالات، المان غربی).

در این کشورها جمهوری همراه با دموکراسی می‌باشد.

(۲) دولتها که رسمای جمهوری هستند اما علاوه بر زیمهای نظامی و بلیس بر آنها حکومت می‌کنند، مانند اکثر کشورهای امریکایی هرگزی و جویی.

(۳) جمهوریهای دموکراتیک نواده ای که در اروپا و آسیا شرقی حاکم هستند.

آنارشیزم:

اظریه ساسی، تئوری، یا فلسفه ای که قدرت سیاسی را به هر شکل که باشد نامطلوب می‌نماید و در واقع افرادی بین شاخه اندیوهای ایجاد نمایم است. هسته مرکزی آنارشیزم دشمنی با دولت است، ولی در عین حال هر نوع قدرت سازمان یا قوه اجتماعی و دیگر را نیز محکوم می‌کند، آنارشیزم قوین دولتها را سرجشمه تعزیز و منشاء همه شرور اجتماعی تلقی می‌کند و به این دلیل خواستار از میان رفتن همه دولتها به معنای ابروزی آنهاست و به جای آن هولار همکاری داوطلبانه است، آنارشیست برخلاف آنچه که معروف است هرج و مرچ طبل نیست و جامعه بدون نظم نمی خواهد، بلکه به نظامی می‌اندیشد که تیزیه همکاری از اراده باشد که بهترین شکل ایجاد گروههای خود مختار است، زیرا آنارشیستها انسان را اساساً دنیا اجتماعی می‌بنانند. **ایله و کلوو** من گفت: «از روی ما زیستن بدون دولت و بدون قانون است».

آنارشیستها تأکید می‌کنند که در گردش نظام اقتصادی در جامعه ازلا و خالی از اجراء بهتر خواهد شد و آنچه را که امروز دولت به زور انجام می‌دهد گروههای داوطلب متابیل به حالت ازاده احتمال به حقوق فرد است.

لتوولستوی لویسته روس از آنارشیستهای ملھی و هواوار مسلمت بود. وی وجود دولت را با اصول مسجیت متفاوت می‌دانست و معتقد بود که تنها محبت است که باید بر مردم حکومت کند.

ازادی فلسفی: ازادی به معنای فلسفی عبارت است از اختیار که در مقابل جبر قرار دارد. یعنی انسان ذات مختار است هر آنچه را اراده کند انجام دهد و هیچ عامل بیرونی در آن تاثیر ندارد که این نوع ازادی تکوین است.

ازادی حقوقی: ازادی ابعاد مختلفی دارد. شامل ازادی بیان، ازادی عقیده، ازادی رفت و آمد، ازادی مکان و استقایق، ازادی تعلیم و تربیت، ازادی اجتماعات، ازادی اقتصادی و تجاری و ازادی فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و... میشود.

بر این اساس حق ازایی یا ناصار ایجاد در همه حال برای افراد به عنوان یک حق غیر قابل سلب است. اختیارات و اقتدار دولت هرگز نمی‌تواند به عنوان وسیله ای برای سلب حقوق و ازایدهای قدری و با بصورت بهانه در چهت تضییغ آن مورد استفاده قرار گیرد. با این همه در همه قوانین اساسی به اصل ازادی و احترام و تضمین ازایدهای مردم صراحت دارد اما در هیچ دوره مردم نتوانستند که به حقوق و ازادی های خود دست پیدا کنند و همسوارة حکومتها بودند که حقوق و ازایدهای مردم را نادیده می‌گرفت.

بنابر این این وظیفه کمیسیون تدوین قانون اساسی است که ضرورت دارد قانون اساسی را طوری تنظیم و تدوین کند که بتواند با در نظر گرفتن مصالح عمومی کشور، اولاً خود اقتدار حکومت را مشخص و معین نماید، ثالثاً حقوق و ازادی های همه افراد مختلف جامعه را بدون تفاوت های فکری و اقتصادی و نزدیک تامین و تضمین کند.

د اصل برابری :

همه افراد بشر از یک مرد و زن که تاختین پدر و مادر انسانها است زاده شده. لذا در انسانیت و کرامت ذاتی یا هم برابر هستند و هیچگونه انتیار و برتزی نسبت به هم تداردند، و این تضمن نقی هر توجه امیازات است که بر مبنای اختلاف نژادی و اقتصادی و نظام طبقاتی شکل می‌گیرد برابری انسانی مستلزم آن است که افراد بشر در حقوق و تکاليف نیز برابر و هم از حقوق طبیعی بهره مند و از موهاب الهی برخوردار شوند. حق ازادی، حق تعیین سرنوشت، حق زندگی با اعزام، حق تعلیم و تربیه، حق بیان اندیشه و عقیده همه از حقوق اساسی انسان به شمار میروند که هم‌مان حق برخورداری از آن اداره دارد، و هیچگونه حق ندارد به خاطر مسائل نژادی و اعتقادی و فکری مانع تحقق حق کسی شده و خود را بر دیگران ترجیح و در استفاده از حقوق طبیعی انجصار طلب باشد.

اسلام بر اساس واقع بینی قوانین و احکام را بنون هیچگونه امیاز و تعیض اجرا می‌کند. شاه و رعیت، قیصر و ختنی، زن و مرد همه و همه در برابر قانون مساوی و در اخراج هر نوع تعیض و جانبداری ممتوح می‌باشد.

و انشاء الله که بر طبق قصل اول، ماده ششم اساسی افغانستان که بیان داشته «دولت به ایجاد بین جامعه عرفه و متفرقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشور، تحقیق دموکراسی، تأمین و حدث ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و اندکیاف متوافق در همه مناطق کشور مکلف می‌باشد» چنین باشد.



همکاری ادارات و اشخاص ذیربطری:

ماده ششم:

ادارات دولتی، سازمان های اجتماعی و اشخاص مکلف لذت بر کمیسیون مستقل انتخابات همکاری نموده و تسامی معنی را که در حیطه صلاحیت این اداره اتخاذ می شود اجرا کنند.

اداره انتخابات

کمیسیون مستقل انتخابات:

ماده هفتم:

جریان انتخابات توسط کمیسیون مستقل انتخابات اداره می شود.

فصل چهارم

تسرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوئندگان:

ماده سیزدهم :

1- تسرایط انتخاب کنندگان :

هر افغان واحد شرایط آنی می تواند در انتخابات ریاست جمهوری،

شورای ملی و شورا های ولایات و شورا های ولسوالی ها را بدهد

1- در زمان انتخابات سن 18 سالگی را تکمیل نموده باشد

2- سنهنگام ثبت نام تابعیت افغانستان را دارا باشد

3- به حکم قانون یا فیصله دادگاه با صلاحیت از حقوق سیاسی و

مدنی محروم نشده باشد

4- اسمش در قهرست ثبت نام رای دهنگان درج باشد.

2- تسرایط انتخاب شوئندگان:

1- هر افغان واحد شرایط می تواند خود را در انتخابات ریاست

جمهوری، شورای ملی و شورا های ولایتی و ولسوالی ها نامزد کند

2- فاضن القاضیان اعضای دادگاه عالی و دادستانی حین تصدی

وظیفه تمی توائند در انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی،

شورا های ولایات و شورا های ولسوالی ها خود را نامزد نمایند.

3- مسوبین قوای مسلح (وزارت های دفاع ملی و امور داخله

و ریاست عمومی امنیت ملی) حین تصدی وظیفه تمی توائند

در انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی، شورا های ولایات،

شورا های ولسوالی ها خود را نامزد نمایند مگر اینکه 75 روز قبل از

برگزاری انتخابات از ارگان های مربوط کاره گیری نمایند.

4- اعضای حکومت، قاضیان، دادستان و کارکنان ملکی که خود

را نامزد پست ریاست جمهوری، شورای ملی، شورا های ولایات

و شورا های ولسوالی ها نمایند، مکلف اند 75 روز قبل از برگزاری

انتخابات از وظیفه کناره گیری نمایند.

با عرض سلام خدمت شما خواننده گرامی،
در این بخش ما قصد داشتیم تا متن کامل
قانون انتخابات را به نظر بررسیم اما به
دلیل طولانی بودن متن کامل به گزینه ای
از آن در مورد انتخابات ریاست جمهوری
نتیجه گردید که امیدواریم مفید قایده واقع
گردد، به خاطر مختصر بودن این مطلب
کلیک عذر خواه شما هستیم.

فصل اول احکام عمومی

ماده اول:

این قانون به تأسی از احکام ماده سی و سوم و بند (۱) ماده حد و بینجاه و نیم قانون اساسی به منظور تنظیم امور انتخابات در کشور وضع شده است.

طرز انتخابات:

ماده دوم:

انتخابات از طریق رای آزاد عمومی سری و مستقیم صورت می گیرد.

اصل تساوی در انتخابات:

ماده سوم:

رأی دهنگان در انتخابات با بهره مندی از حق تساوی اشتراک می کنند.

استفاده از حق رای:

ماده چهارم:

رأی دهنده در انتخابات دارای حق یک رای بوده و تنها از جانب خود رای می دهد.

رعایت اصل آزادی اراده:

ماده پنجم:

رأی دهنگان در انتخابات با اراده آزاد اشتراک می کنند. اعمال هر نوع محدودیت مستقیم یا غیر مستقیم بر رای دهنگان و نامزدان به ارتباط زبان، مذهب، قوم، جنس، قبیله، سکونت و جایگاه اجتماعی منع است.



(4) کمیسیون مستقل انتخابات مکلف است و اجدیدن شرایط را ثبت و تائید کند.

انتخاب اب ری پیس جمهوری

ماده هفدهم:

1- ریپس جمهور طبق احکام مندرج ماده شصت و یکم قانون اساسی و احکام این قانون، با اکثریت آراء ثبت شده قانونی رای دهندگان، انتخاب می شود

2- هرگاه نامزدان بیشتر از 50 درصد آراء اجرا شده قانونی را در انتخابات حاصل کرده توانند، در مدت دوهفته بعد از اعلام نتایج انتخابات بین دو نفر از کاندیداتی که بیشترین آراء را کسب نمودهند، بارش انتخابات صورت می گیرد. نامزدی که درین دور، آراء ثبت شده قانونی بیشتری را کسب کند، منحصر شخص انتخاب شده اعلام می شود

3- نامزد انتخاب شده با اکثریت آراء طبق حکم ماده حد و شصتم قانون اساسی، سی روز بعد از اعلام نتایج انتخابات به کار آغاز می کند.

4- هرگاه یکی از نامزدان ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رای گیری و یا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات کند انتخاب مجدد مطابق احکام این قانون برگزار می شود. پخش و نشر منصافانه و بیطریقانه افکار و نظریات:

ماده پنجم و پنجم:

(1) به منظور آگاهی همگانی در جریان مبارزات انتخاباتی، رسانه های همگانی (تلوزیون، رادیو و اخبار) موافمانه ها، نظریات و اهداف نامزدان را مطابق آین نامه کمیسیون مستقل انتخابات به طور منصفانه و غیر جانبدارانه پخش و نشر کند.

(2) نامزدان باید به رسانه های همگانی در جریان مبارزات انتخاباتی، رسانه های همگانی دولتی داشته باشند. به منظور آگاهی همگانی، در جریان مبارزات انتخاباتی، رسانه های همگانی دولتی مکلف اند نظریات، اهداف و موافمانه نامزدان را با موافقت کمیسیون مستقل انتخابات، به طور منصفانه و بنی طرفانه پخش و نشر نمایند.

فصل نهم

بررسی شکایات و تخطی های انتخاباتی

شکایات انتخاباتی:

ماده پنجم و هفتم:

(1) شکایاتی که در مورد جریان رای دهنی در مرکز رای دهنی مطرح می شود، توسط کمیته تشکیل شده در مرکز رای دهنی به اتفاق آراء حل و فصل می شود در صورتیکه اتفاق آراء حاصل نشود موضوع به اکثریت دو لیل آراء حل شود

(2) شکایات در مورد شمارش آراء و نتایج انتخابات ریاست جمهوری و شواری ملی ذمای مطرح می شود که شمارش آراء حنوت گرفته

5- هرگاه نامزدان مندرج جزء 4 این بند در انتخابات موفق نشوند عاقب کناره گیری بالا ایشان آجرا نگردیده در صورت مراجعت الى 20 روز بعد از پایان انتخابات دوباره بوظیله قبلی ادame می دهند. به استثنای عهده های انتخاباتی، مدت بین پایان انتخابات و مراجعت در خلال 20 روز به رخصتی قانونی آن ها محاسبه می شود.

محل رای دهندگان

ماده چهاردهم:

1- انتخاب کنندگان مکلف اند در محلی که اسم شان در فهرست ثبت نام آن محل درج است، رای بدھند.

2- کمیسیون مستقل انتخابات می تواند برای کوچی ها، مهاجرین، بیجا شدگان داخلی، منوبین قوای مسلح و کارکنان دولتی و کمیسیون مستقل انتخابات استثناء تسهیلات را فراهم کند.

تبیینات هویت رای دهندگان:

ماده پانزدهم:

1- رای دهندگان مکلف اند قبل از دریافت ورق رای دهنی، کارت

بیت نام خود را غرض ثبت هویت ارایه نمایند.

2- کمیسیون مستقل انتخابات می تواند استثناء برای مهاجرین افغان در ایران و پاکستان تسهیلات لازم را فراهم کند.

فصل پنجم

نامزد و انتخاب ریس جمهور

شروع نامزد شدن:

ماده شانزدهم:

1- انتخاص و اجد شرایط مندرج ماده شصت و دوم قانون اساسی می توانند خود را به ریاست جمهوری نامزد نمایند. نامزد ریاست جمهوری اسم دو معافون را همزمان با نامزد شدن خود به ملت، اعلام می دارد.

2- نامزدان ریاست جمهوری باید تصویر کارت های رای دهندگان را مطابق ماده چهل و چهارم این قانون، ارایه و حق الشمول را پیردازند.

3- نامزدان نمی توانند به اعمال زیر متوجه گردند.

1- تقبی اهدافی که مخالف اساسات دین مقدس اسلام، نصوص و ارزش های مندرج قانون اساسی باشد.

2- اعمال زور، تهدید یا تبلیغات با استفاده از قوه.

3- تحریک حساسیت ها و تبعیضات قومی، زبانی، سنتی و مذهبی

4- ایجاد خطر واقعی به حقوق و آزادی های فردی یا اخلال عدی نظام و امنیت همگانی.

5- داشتن نیروهای مسلح غیر رسمی و با شمولیت دران.

6- دریافت وجوه مالی از منابع خارجی.

7- دریافت وجوه مالی از منابع غیر قانونی داخلی.



احکام متفوّق

تعویق یا تعلیق انتخابات :

ماده پنجم و نهم:

در صورتیکه شرایط امنیتی ، عالی ، تختیگی و حوادث غیر مترقبه ، برگزاری انتخابات را غیر ممکن سازد و یا اینکه ، مشروعيت پروسه انتخابات را به کلی خدمه رساند ، کمیسیون مستقل انتخابات می تواند انتخابات را در حوزه مربوطه الى رفع آن حالات بند تعویق انداده باشد یا به حالت تعلیق قرار دهد .

ترتیب لایحه ها و این نامه ها:

ماده شصتم:

(۱) احکام این قانون حرف برای اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری ، شورای علی ، شورای ولایتی و شوراهای ولسوالیها قابل اجرا می باشد .

(۲) به منظور اجرا بهتر احکام این قانون کمیسیون مستقل انتخابات مکلف است تلایحه ها ، این نامه ها و رهنمود های جداگانه را وضع و نشر کند .

فصل پانزدهم

انتخابات در دوره انتخاباتی

اداره انتخابات :

ماده شصت و یکم:

برای اماده گی ، تنظیم ، برگزاری و نظارت اولین پروسه انتخابات که نشان دهنده تکمیل دوره انتقالی می باشد ، دولت انتقالی اسلامی افغانستان از ملل متحد تقاضای معاویت نموده است که تاسیس دفتر مشترک تنظیم انتخابات یکی از معاونت ها بوده و طبق فرمان شماره ۱۱۰ مورخ ۲۹ دلو ۱۳۸۲ و با شهتم گیری متحصلین بین المللی سازمان ملل متحد صورت گرفته است .

کلیه صلاحیت هایی که حسب این قانون به کمیسیون مستقل انتخابات تفویض شده ، الى پایان دوره انتقالی توسط دفتر مشترک تنظیم انتخابات اعمال می شود .

کمیسیون مستقل انتخابات بعد از ایجاد ، جایگاه کمیسیون موقت انتخابات را در دفتر مشترک تنظیم انتخابات احرار می کند با تکمیل دوره انتقالی کمیسیون مستقل انتخابات همه صلاحیت های مندرج این قانون را کسب می کند . الى ایجاد کمیسیون مستقل انتخابات حق تصمیم گیری و رای دهی اعضا بین العلی دفتر مشترک تنظیم انتخابات حسب فرمان شماره (۱۱۰) محفوظ می باشد .

تاریخ انفاذ :

ماده شصت و دوم:

این قانون از تاریخ توشیح ، نافذ و در جریده رسمی نشر شود و با افاده آن احکام معاير این قانون ملغی شمرده می شود

و با نتایج اعلان گردیده باشد . هرگاه شکایت با اتفاق آرای مسنونین ذیربیط حل و قفل نشود ، درصورت شاکی می تواند در مدت (۴۸) ساعت بعد از پایان شمارش آراء به دفتر ولايتی انتخابات علیرض و دفتر مذکور در مدت (۳) روز بعد از وصول شکایت موضوع را حل و قفل کند . همچنان شاکی می تواند در مدت (۴۸) ساعت به کمیسیون مستقل انتخابات شکایت تموده و کمیسیون مذکور موضوع را در مدت (۷) روز بعد از وصول شکایت ، حل و قفل کند . تصمیمه کمیسیون مستقل انتخابات نهایی و قابل تعمیل می باشد .

تحطیه های انتخاباتی :

ماده پنجم و هشتم:

(۱) شخصی که در جریان میازرات انتخاباتی وبا در انتخابات مرتکب یکی از اعمال زیر نشود ، طبق احکام قانون مورد تعقیب عدی قرار می گیرد :

- ۱- تهدید یا تجویف رای دهنده و نامزد با اخلال در امر انتخابات .
- ۲- ممانعت از حضور رای دهندان ، نامزدان و یا نامایندگان نامزدان در مراکز رای دهنده بدون دلیل موجه .
- ۳- تقلب یا غریب کاری در رای دهنده یا شمارش آراء .
- ۴- رای دهنده یا کارت تقلبی یا کارت شخص دیگر .
- ۵- تغیر ، تبدیل ، سرقت و یا محو اسناد انتخاباتی .
- ۶- جمله کارت های رای دهنده .
- ۷- فریب کارت رای در کارت رای دهنده .
- ۸- استعمال کارت رای دهنده جعلی .
- ۹- مبالغت یا رای دهنده از یکبار .
- ۱۰- بیان لایک و مهر صندوق های رای دهنده بدون صلاحیت .
- ۱۱- جلو گیری از شترک رای دهنده گان یا نامزدان در پروسه انتخابات .
- ۱۲- استفاده از بولی که از راه های غیر قانونی و با منابع خارجی بدست آمده باشد .
- ۱۳- استعمال کلمات یا سخنرانی توهین آمیز .
- ۱۴- تشویق و تحریک سایر اشخاص به ارتکاب یکی از اعمال فوق .

(۲) هرگاه کمیسیون مستقل انتخابات تشخیص دهد که حزب و یا نامزد مستقل ، مرتکب تحطیه های انتخاباتی را هنگامی یا پشتیبانی نموده ، در انصورت می تواند تحریمی را برآن حزب یا نامزد وضع کند .

(۳) در صورتی که کمیسیون مستقل انتخابات تشخیص دهد که تحطیه از احکام این قانون صورت گرفته ، صورت تحطیه را با دلایل موجه به مراجع ذیربیط قانونی و یا دادستانی راجع میسازد

فصل دهم

افغانستان، وزارت معارف، مذاهب مختلف

در هر جامعه ایده آیی برای بنیادی بودن ساختار نظام تعلیمی آن جامعه می تواند نقشی سازنده در تمام ابعاد آن هم از لحاظ دین و هم از لحاظ فرهنگی داشته باشد به همین دلیل با توجه به رشد فزاینده تهاجمات فرهنگی و بحران فرهنگی موجود در افغانستان فعلی، برای چاره نلایشی در جهت ارائه یک راهکار عملی مناسب و آگاهی از موفق یا ناموفق عمل کردن وزارت معارف در راستای شناخت مشکلات فرهنگی و چاره جویی در جهت زدودن مظاهر قساد فرهنگی و ایجاد یک افغانستان اسلامی و به دور از هر گونه تهاجم فرهنگی و انسانی از سشور العملهای اجرایی این وزارت که در پیش رو دارد، گفتگویی را ترتیب دادیم با مسئولین محترم وزارت معارف در کابل که امیدواریم که مورد توجه واقع بگردد.

خشوت در آن نباشد و بی عدالتی در آن ظهر و نمود نداشته باشد. بنابراین یکی از عمدۀ تربیت فعالیت‌ها در وزارت معارف تبیین و تجدید نظر و در متون درسی قدیم می‌باشد. در بخش دوم تأسیس ریاست امور تربیتی که حدود یک سال می‌شود در راستای همین فعالیت‌ها می‌باشد. مهمترین هدف از تأسیس این بخش پیگیری مسائل تربیتی و زدودن این مشکلات هر مکاتب می‌باشد. و از جمله کارهایی که در امور تربیتی می‌شود: مدیریتی داریم تحت عنوان مدیریت معلمان راهنمای که از هر مکتب کارشناس شروع شده و از هر مکتب یک معلم راهنمای معرفی می‌شود و برای آنها کورس‌های آموزشی گذشته می‌شود و اینها با مشکلات تربیتی و مسائل غیر اسلامی که در مکاتب وجود دارد آشنا گردیده و سعی در بر طرف نمودن آنها می‌تعابند و با بر تامه های صحیح داشت آموزان مکاتب را با شیوه های زندگی اسلامی آشنا می‌سازد. تشکیل انجمن اولیا و مربیان که ما مدیریتی داریم در ریاست امور تربیتی وزارت معارف تحت عنوان مدیریت اولیا و مربیان که کار آن بررسی مشکلات داشت آموزان از طریق خانواده هایشان و در میان گذشتن این مشکلات و سعی در حل این مشکلات باهمکاری خانواده ها و مدیریت مکاتب و معلم راهنمای و نماینده معلمین می‌باشد. مدیریت و انجمن داشت آموزان که کارشن را از اساس شروع می‌نماید و سعی در پیاده سازی شاگرد محوری در تمام جنبه های آموزشی در مکاتب جهت بهتر یا گیری مسائل آموزشی توسط داشت آموزان را انجام خواهد داد.

کلیک: با توجه به نظام اسلامی بودن حکومت ما و همچنین رسمی شدن دو مذهب حنفیه و تشیع اثنی عشری در جامعه کتونی وزارت معارف نسبت به تغییر در کتاب دینیات که در نظام تعلیمی سابق فقط متون آن مبتنی بر آموزش مسائل دینی از دید مذهب حنفیه بود چه فعالیت هایی را انجام داده و با فراروی انجام دارد.

قصن عز خ سلام حضور محترمین آقای شویفی (معاونت ریاست امور تربیتی وزارت معارف دارای مدرک تحصیلی لیسانس) و آقای اخلاقی (مدیر عمومی ریاست اولیا و مربیان ریاست امور تربیتی وزارت معارف دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس) و آقای حیدری (معاونت امور تربیتی وزارت معارف دارای مدرک تحصیلی لیسانس).

اولین سوال را از محضر آقای اخلاقی مدیر عمومی انجمن اولیا و مربیان داریم که:

کلیک: با توجه به اینکه نظام حکومتی دولت افغانستان مبتنی بر یک نظام اسلامی می‌باشد در وزارت سیستم نظام تعلیمی معارف تا چه اندازه در زمینه های آموزشی نوین به این مهم توجه شده است.

۲ در این زمینه ما می‌توانیم اذعان کنیم که در دو بخش توجه جدی شده است و قرار است که مراحل جدی خود را طی کند. یکی از آن دو بخش محتوای متون درسی کتابها می‌باشد به خاطر این که شخصیت اصلی داشت آموزان در مکاتب شکل می‌گیرد و جامعه پذیری وسایر شیوه های زندگی را از همین مکاتب خود خواهند گرفت.

بدین لحاظ می‌توانیم بگوییم یکی از زمینه های شکل گیری شخصیت کودک در مکاتب الجام می‌گیرد و در مکتب هم محتوای درسی و مقاهمی که در کتب درسی اورده می‌شود باید شیوه های جدید زندگی و باسیکی اینها در زندگی را بد ناشته باشد همسوی داشته و یا جهت دهنی می‌کند. در جواب سوال شما باید بگوییم سیاستی را که وزارت معارف در پیش دارد با توجه به کهندگی مقاهمی متون درسی نظام قدیم از صنف اول تا صنف دوازده یعنی مراحل ابتدایی و ثانوی چون محتوی های این کتب خیلی کهندگی و از سابق است و وزارت معارف تضمیم گرفته شده است تا محتوی ها تغییر بیندا کند. و با مقاهمی که بیشتر رنگ اسلامی همراه با به ارمغان اوردن یک زندگی صلح امیز داشته باشد و مقاهمی که

هم متابعه داشت اموزان به علت کمبود مکاتب حدود سه ساعت ویا حتی دو ساعت در مکتب هستند. و بعد از فراغت از مکتب در محیط پیرون با انواع مسائل ماتنده فیلم های گوناگون روبرو می شوند بدین لحاظ در رابطه با تربیت این دانش اموزان و با در نظر گرفتن تهاجمات فرهنگی تربیت به دو صورت امکان پذیر است، یا در جامعه ای با محیط بسته حورت می گیرد و یا در جامعه ای با محیط باز حورت می گیرد معارف هم در این مقطع سپاسش بر این است که مطابق فضای یاری که در کشور است تربیت حورت پذیرد و بر این مبنی هم تأکید هر چه بیشتر روی این است که ما فکر و اندیشه دانش اموزان را رشد دهیم به جای اینکه ما به صورت تلقینی برآش بگوییم این خوب است و این بد است و خود این باعث می شود تا دانش اموز خود تشخیص نهد که کدام خوب و کدام بد است . و در رابطه با تغییر فضای حاکم بر جامعه این کار سختی است البته ویاست امور تربیتی فقط برای بر کردن اوقات فراغت متعلمین تأسیس کردیده تا متعلمین را مصروف نگه دارند بلکه متعلم از محیط های ناسالم دور باشند.

کلیک: آیا وزارت معارف در راستای مبارزه با تهاجمات فرهنگی می تواند زمینه هایی را فراهم سازد تا برای متعلمین الگو سازی البته از نوع سالم پیشود یا خیر؟

اقای شریفی: قطعا در رابطه با الگو سازی بلاش می شود و در متون کتاب های درسی که تدوین می گردد می باشد اصلی معارف در این است که الگو سازی صورت پذیرد و الگو های خوب برای متعلمین معزی گردد حتی در زیاست امور تربیتی یک سری طرح های داریم که برای تسانیس نجیگان سیاسی و اجتماعی و معرفی به شاگردان تا بتواند اینها الگوی مقدم و سالم برای آنها شود و متعلمین نیز به تابعیت از این الگوها از رفتارهای تا شایست خود داری نمایند و تبلیغات گسترشده پنهانی که از درون خانواده ها فرد فرد جامعه از مضرات این قصای فرهنگی جدیدی که حاکم شده اگاه شوند و این فرهنگ سازی نیز زمان را می طلبد زیرا نظام قبلی طالبان بود و نظام فعلی ازدید به تعلم معنی و بدین خاطر یکباره نمی شود فضا را تغییر داد بلکه فاصله زمانی لازم است تا مردم خود به این نظام فعلی بپرند . و زمانیکه مردم بپرند با توجه به احتیاجات فرهنگی آنها از این معارف تمام تلاش خود را انجام خواهد داد تا زمینه های فرهنگی و با توسعه تبلیغات فرهنگی بتوانیم به سوی یک

جامعه اسلامی بلوغ از هر گونه تهاجمات فرهنگی کام برداریم .

والسلام عليکم

سید سلیمان حسینی - معارف کابل

اقای جلالی :

جامعه افغانستان یک جامعه اسلامی است و خود مردم افغانستان روحیاتشان ترکیب شده است از روحیات ملی و دینی که با هم توان است . دولت افغانستان به این امر مهم توجه نشان داده و به برادران تشیع نیز در نظام و کالیسه مهم دولت سهم نداده اند بعد از مسئله بطور جرگه و تصویب قانون اساسی افغانستان مذهب رسمی که این مسئله طرح های رایه دست اجرا گرفت . که این طرح ها شامل پیاده سازی احکام دینی و فقهی هر دو مذهب

در کتب دینی نظام تعلیمی نوین تا بتوانند بدین هیچ گونه تعییس هر دو گروه از این مسائل استفاده نکنند و علاوه بر اینها درباره سایر اقلیت های مذهبی نیز تدبیری اندیشیده شده است که حقوق آنها هم رعایت گردد .

اقای شریفی :

برای اولین بار در افغانستان بنای این را دارد تا کتب دینی را مطابق فقه عصری تصویب نماید و مسائل دینی را جای نموده و در اختیار دانش اموزان قرار دهیم که امکان این را داریم که دو کتاب عرضه نماییم که یک کتاب فقط فقه جغرافی تا در مناطق شیعی نشین تدریس گردد و یک کتاب فقط فقه حنفی

که اهل سنت در آن ساکن هستند در مناطق شیعی نشین تدریس گردد و یک کتاب فقط فقه حنفی دارند روی این مسئله تحقیق و پژوهی می کنند تا نتایج حاصله را بعد از در نظر گرفتن تمام ابعاد آن بخاطر ایکه برای اولین بار است که مذهب جعفری در افغانستان به رسمیت شناخته شده و در حوزت مثبت بودن ارائه و برای اجرا در اختیار معارف قرار گفته باشد تا انشاء الله از سال تحصیل اینده دانش اموزان مکانی با توجه به منهشتان کتاب مورد نیاز خودشان در اختیارشان قرار گیرد انشاء الله

کلیک: با توجه به بحران فرهنگی که فعلا در سطح جامعه اخضا در بین دانش اموزان وجود دارد و با توجه به اینکه متعلمی که حدود یک شبیت در مکتب است حدود چهار الی چهار و نیم ساعت و متابقی ساعت یک روز را در سطح شهر یا منزل می باشد . و مظاهر فساد نیز در سطح شهر به فور دیده می شود تهاجمات فرهنگی گوناگون وزارت معارف در راستای مبارزه با این تهاجمات چه راهکارهایی را اندیشیده و یا چه دستور العمل هایی را پیش رو دارد .

اقای شریفی :

البته این یک موضوعی است در سطح ملی و مشکل خادی است و تهاجمی است فرهنگی که به هر حال ما دچارش هستیم و از حرفی

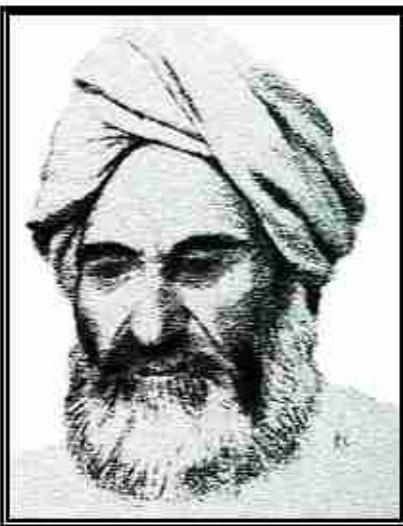
با فرزانخان

17 ربیع سال 1425 هـ مصادف با نهضد و نسود و پنجمین سالگرد رحلت دانشمند بزرگ جهان اسلام و افغانستان ابو ریحان بیرونی می باشد. و به همین مناسبت بر آن شدیدم که مختصمری در مورد زندگی وی پتویسیم.

محمد تقی موسوی

تو سط عبدالله محمد خوارزم شاه واژین رقتن سلسنه ال عراق
محمد خوارزم شاه حکومت را پدست گرفت و جون فردی دوست دار
دانش بود . عده ای از دانشمندان مهم عصر خویش را نظری ابو على
سینا ابو سهل عیسی بن مسیح گرگانی از استان مسلم در طب
و حکمت ابو الخیر حسن بن سوار معروف به این خمار ابو نصر بن
عراق و ابو ریحان بیرونی را در دربار خود گرد آورد و تا زمان
فرزندش علی خوارزم شاه هم این وضع ادامه داشت
ابوریحان در سال 407 هـ قی به بلخ هجرت نموده و در خدمت سلطان
محمد در امد نزد زمینه ای علت لشکر وی به بلخ و دربار محمود
غزنوی اختلاف نظر است. عده ای می گویند محمود وقتی دربار
علی خوارزم شاه را دید که از علمای و دانشمندان بر است نمی
خواست دربارش از دانشمندان و علماء طراز اول خالی باشد و نامه ای
تهذید امیزی به علی خوارزم شاه نوشته و او را مجبور شد که عده
ای از دانشمندان معروف که ابو ریحان نیز جزو اینها بود به دربار
محمود غزنوی پفرستد. وعده ای می گویند که در هنگام تصرف
خوارزم وی را اسیر کردند. این دانشمند بزرگ اسلامی بیشتر عمر
خود را در تحصیل، تحقیق، مطالعه و تالیف سیری می گردیده‌ترین
خصوصیت اخلاقی ای او مداومت در کار و حستگی تا بدیری از ادامه ای
تحقیقات و مطالعات و کسب اطلاعات جدید در تمام مراحل عمر تا
پایان حیات است. بو مردی از اراده بود و از لحاظ اعتماد ذات مذهبی
هیچگونه تعصی در قلم او متأله نمی شود و بر اثر همین ازادگی
در اعتقادات است که قادر شد از جیث مبانی و اصول اعتقادی ادیان
و مذاهب عالم از آنها به تحقیق پردازد و مخصوصاً بحث مقایسه ادیان
را که هنوز لا اهم ابوب تاریخ عقاید و ادیان درجه‌انست بی رویی کند
و به کاری دست زند که تقریباً هیچ یک از علمای اسلامی حتی آنان
که به تالیف کتب درباره ای ملل و تحول پرداخته اند فرق است توجه به
آنرا تیافته بودند. زیرا اقدام به چنین کار مبتکره ای اینها برای
کسانی میسر بود که هم از بند تعصبات جاهلانه از ازد بالشند. وهم
مطالعات وسیع به زیانهای مختلف به آنان قدرت کسب اطلاعات
کجناگون از مبانی اعتقادات ملل ارزانی دارد. در این مورد ابو ریحان
در کتاب (الجمهور) خویش به این نکته اشاره می کند بهاینکه
دوست دارد انگشتی به دست کند که سنگ نگین آنلوحت باشد
بر یکی عبارت احترام امیز سینا نقش بسته و دیگری نشان از
شیعیان داشته باشد. درباره ای مسائل کلامی و اعتقادی که گاه
در آثارش به پیش می آید شباهت به نام فیلسوف بی طرقی دارد که

| | |
|----------|----------------|
| ابوریحان | محمد بن احمد |
| بیرونی | نام |
| | مشهوری در |
| | تاریخ تمدن |
| | اسلامی و تمدن |
| | جهانی است |
| | اسم لو را |
| | معمولًا با لقب |
| | (استاد) همراه |



می گند و شاگردانش از او به عنوان (استاد الرئیس) و (استاذ الاعلام) یاد کرده اند در سال سیصد شصت و دو هجری قمری بدین‌آمد و در محل تولد وی اختلاف نظر می باشد عده ای گفتند : محل تولد وی جوانی خوارزم بوده ولی امام فخر رازی در تفسیر کبیر خویش اورامنسوب به هرات می داند کنیه و اسم او در متون عربی بصورت (ابوالریحان البیرونی الخوارزمی) ثبت شده است و در میان پارسیان به (ابوریحان بیرونی) یا (ابوریحان) اشتهر دارد و نزد علمای لاتینی زبان اروپا Albiron (Albiron) مشهور است .
ابوریحان همانند دانشمندان دوره‌ی خود تحصیلات شان را از تعلیم قرآن و خط شروع می گردند سپس به کسب مقداری از مقدمات ادبیات و علوم می پرداختند بعد از این مقدمات بوده است که تحصیلات دقیق علماء درسته های موردعلاقه آنان اغاز می شوده .
و سالیان دراز بطول می انجا مده است . تحصیلات خود اغزار نمود ولی توجه به تحصیل در سایر رشته ها برگذار بمانند و به همین سبب علم از کسب اطلاع در سایر رشته ها برگذار بمانند و به همین سبب است که می بینیم بسیاری از علماء و دانشمندان از زمان تا لیفات متعددی در رشته های گوناگون ادیبات دارند . ابو ریحان هم یکی از این بزرگان است . که در چند رشته از دانش مشری به عالی ترین مراحلی که در عهد اموی شناختند رسیده بود در مورد اساتید وی اطلاع زیادی دردست نیست . اما یکی از مهمترین اساتید وی (ابو نصر منصور بن علی بن عراق) از خاندان سلطنتی شاهیه معروف به آل عراق است . ابو نصر بن عراق که ابو ریحان او را به عنوان (ولی امیرالملوک) یاد کرد از بزرگترین ریاضی دانان قرن چهارم هجری و سراسر تمدن اسلامی است . با قدرت گرفتن ما مبنیان

که یکی از کتابهای مهم وی می‌باشد که ابوریحان این کتاب را در مدت تعویق خود در گرگان به شمس العمالی قابوس بن وشمگیر زیلایی تقدیم داشته است که موضوع این کتاب ذکر تواریخ و اعیاد مشهور امتهای مختلف مانند یارسان و یهود و صانین و عرب و قطبیان و یونانیان و رومیان و خوارزمیان و سعدیان است که او کیفیت اختلاف این تقویمها و اعیاد و رسوم را با تحقیق واقعی درباره مبادی و علل انتشار بعضی از رسوم و اداب مورد بحث قرار می‌دهد.

2- ماللهند من مقوله فی العقل او مر ذوله :

یکی دیگر از کتابهای مهم ابوریحان که هنوز هم از پیشین کتابهای جهان می‌باشد که از زمان ورویده دربار سلطان محمود غزنوی و سفر به هند به همراه لورای اشتالی با عقاید و افکار و اداب و رسوم و آراء هنلوان در باب مسائل فلسفه و گاه شماری و نجوم و هیات و ... همچنین شناسایی سر زمین هند تالیف شده است.

3- القانون المسعودی فی الهیات و

نجوم :

این کتاب از کتابهای مشهور وی می‌باشد که به قانون مسعودی مشهور شده است این کتاب حکم دایره المعارف بزرگی از علوم ریاضی و هیات و نجوم دارد، قانون مسعودی برای سلطان مسعود غزنوی نوشته و بنام او شده است.

4- التفہیم لا ولایل صناعه النتجمیم :

این کتاب ابوریحان یکی از مقدماتی کتب وی به زبان فارسی می‌باشد که در زمینه علم حساب و هندسه و هیات و احکام نجوم و اسطر لاب می‌باشد. این کتاب به نام ریحانه دختر حسین خوارزمی به نحوی تهیه شده است که برای مبتدیان سود مند باشد و به عنوان مدخل در علوم ریاضی به کار آید. و به همین خاطر از همان روز گار تالیف، شهرت و رواج بسیار یافت و جزء کتب درسی میان متعلمین علم هیات و نجوم متداول گردید. این کتاب دارای پنج باب می‌باشد که از قرار ذیل است:

۱- باب اول هندسه ۲- باب دوم در شمار (حساب و

جب و مقابله) ۳- باب سوم در حالتهای آسمان و زمین

۴- باب چهارم اسٹر لاب ۵- باب پنجم در نجوم

و دهها اثر دیگر این دانشمند بزرگ که حتی ذکر نام آنها چندین صفحه را بر می‌کند به لحاظ طولانی نشدن از ذکر آنها خودداری می‌نمود، سر انجام این دانشمند بزرگ جهان اسلام در هقدم رجب سال ۴۳۰ هجری قمری در شهر غزنیین یکی از شهرهای افغانستان چشم از جهان فرست. روشن شاد و بلکش در خاطره ها زنده بلا

منابع

- 1- رجال و مشاهیر تاریخ ایران
- 2- زندگی نامه بیرونی (دکتر علی الشاعی)
- 3- احوال و آثار ابوریحان بیرونی (دکتر ذیم الله حفنا)

مطالب را بازآزاد منتشر خاص مورد بحث و مطالعه قرار می‌دهد. بحث سیار عالمانه و محققانه بی که استاد در موضوع اعتقاد هندوان در باره ای موجودات عقلی و حسن پیش گرفته است. علاوه بر آنکه اودر اینگونه مطلب هم شنان می‌دهد او هنگامی که از کیفیت اعتقاد یونانیان از اباب اثواب و به قول خود (الله) سخن می‌گوید، و در اینکه نظر دسته های مختلف از حکایاتشان در این زمینه چه بوده است دنبال سخن را به وحدت وجود در نظر صفویه می‌کشاند.

و آنگاه به بحث در معنی رب (الله) در کتب دینی عربی و سیریائی و متعادل نمودن آن با معنی (...) در عربی متوجه می‌شود و سپس به بحث در باره ای ((اقانیم)) در نزد نصاری و نیز اعتقادات ما توبه در باره ای مبادی وجود و نظایر این مسائل می‌بردازد و در همه این مباحث چنان با ازدگانی وارد می‌شود که گوئی با همه همراه و هم معماست. و هیچ یک را بر دیگری روحان نعم دهد و نسبت به هیچ یک از آنها زبان بد گوئی نمی‌گشاید. اما می‌ظرفی عاقلانه و عالمانه در کارهای علمی مانع تعلق طبیعی او به زبان محلی و ادب ملی او نبود. همچنین از ادگر ابوریحان را در اعتقادات مذهبی او را نمی‌توان دلیل عدم اعتقاد دینیش شمرد و در بسیاری از موارد آثار او نشانه کمال اعتقادش به اسلام و پیامبر اسلام و خالدان او است که در رساله ای (الفهرست) (وی همین اعتقاد او را می‌توان مشاهده کرد.

پیش گشیدن اینگونه مباحث مقایسه ای نمایشگر وسعت اطلاعات ابوریحان در مسائل گوناگون مربوط به ملل و تمدنها مختلف است. یکی از فوایدی همچنین ابوریحان با دیگر دانشمندان اسلامی عصر خوبی در آن است که او برای انسانی با افکاری که در تمدنها مختلف مختار جاری بود که از خبر و نقل بواسطه خود داری می‌کرد و سعی می‌نمود که با فراگیری زبانهای مورد نیاز لغایه سیریائی، عربی، سیری و ساتسکریت و یونانی و سعدی از مأخذ اصلی و بدون واسطه استفاده کند. در مورد آثار و کتب ابوریحان بیرونی باید ذکر شود که وی به علت تنوع و وسعت اطلاعات گوناگون می‌تواند وی بر چند زبان که به او فرست و رو در موضوعات گوناگون می‌داند این قدرت آن می‌بخشید که به متابع پیشتری مراجعته نماید متعدد و مختلف و در موضوعات گوناگون باشد. این نکته را هم باید خاطر نشان کرد که در کل عیا رات ابوریحان غالباً جز برای اهل فن برای دیگران به اسنای میسر نیست زیرا او غالباً کتابهایش را برای اهل فن و محققان فن می‌لوشته نه برای تعلیم و شاید یکی از علل اینکه قسمت اعظم آثار وی از بن رفته معنی مطلب باشد و همچنین چون متناسبانه اواخر حیات ابوریحان مصادف با آغاز دوره رکورده و توقف علوم بوده، طبعاً قسمتی از آثارش از رواج افتاده است. در مورد تعداد کتابهای و رسالاتی که وی تا سن ۶۵ سالگی نوشته و با ترجمه کرد و آنها را در رساله ((الفهرست)) خوبی اورده ۱۱۳ کتاب بوده است که در پایان به چند کتاب آن اشاره می‌شود.

۱- آثار الباقیه عن القرون الخالية :

آشنایی با مکاتب ادبی

رئالیسم

شانفلوری در سال 1872 رئالیسم را جنسن تعریف می کند: «انسان امروز در تهدن جدید» و در سال 1887 موباسان صورت دیگری از این تعریف را من آوردم: «کشف و از آنچه انسان معاصر واقعاً هست» خلاصه اینکه نوع تویسندگان رئالیسم در خالیافی و افریدن نیست بلکه مشاهده و دیدن است.

بزرگترین نویسنده ای رئالیست در این دوره گوستاو فلوبر است و شاهکار او مادام بوواری *madam bovary* کتاب

قدس رئالیسم شمرده می شد. موضوع این کتاب داستانی است که واقعاً در فرانسه اتفاق افتاده و قهرمانان آن آدمهای خلیعی و عادی هستند که هیچگونه تحملی در افریدن آنها دخالت نداشت.

عصر رئالیست:

عصر رئالیست یک عصر انتقادی است در برابر برتری حساسیت ذهنی و نبروی تحملی، با سلاح آگاهی روشن بینانه به مقابله بر می خورد. رمانهای تویسندگان رئالیست بیشتر شرح و تحمل شهرها و محله های سرزمین خودشان را در بردارد (به عنوان مثال *نور عاندی* در انار فلوبیر و موباسان) و تاریخ نیز الهام بخش آثار رئالیستی متعددی است. رمان نویسان رئالیست تاریخ را هم زمینه ای برای آگاهی های دقیق تلقی می کنند نه سر جسمه ای برای خالیافی.

رنان *Renan* نویسنده را نظری قیلسوф و داشمند می داند و می گوید: «وقتی که تویسندگان بتوانند آن چه را که قطعی است قطعی بشمارد و آنچه را که محتمل است محتمل بدانند و آنچه را که ممکن است ممکن بخوانند باید وجود و جدنش راحت باشد.» با وجود این در نظام افرينش ادبی تقدم رمان تردید ناپذیر است.

یک رمان تویس و منتقد و قیلسوφ فرانسوی رمان رئالیستی را فرو نشستن یک هیجان می خواند و رئالیستی را یک نوع سر خوردگی می شمارد.

این مکتب را مانند همه ای مکتبهای دیگر نمی توان زانیده یک دوره ویژه و یک عصر روشن و شناخته داشت ولی با وجود این آخرهای قرن هیجده را باید دوران پیشرفت و رواج این مکتب شمرد.

بیرون این مکتب بر خلاف رمانیک ها به تقاضی تووده زندگی اجتماعی خود می پردازند و آن را آنچنان که هست نشان می دهند و وقتی ویژه کاریها از دیدگان تبیین آنها پوشیده نمی ماند هرمند

معنای لنوى رئالیسم حقیقت جویی، حقیقت بینی، واقع بینی، تمایاندن مناظر زندگانی ایننه دارین کم و زیاد و دخل و تصرفه تمایش حقایق طبیعی در صنایع و ادبیات است. رئالیسم یک مکتب ادبی است و در واقع بصورت کشف و بیان واقعیتی تعریف می شود که رمانیسم به آن توجهی تداشت.

جنیش رئالیسم در قرن هیجده در اروپا با گرفت و در قرن نوزده راه پیشرفت و کمال را ییمود و بزرگترین و درخشنان ترین

مکتب ادبی جهان گردید. از این رو باید جنبش رئالیسم یا حقیقت پردازی را به دوره تقسیم کرد

یکی رئالیسم قرن هیجده که پیش از اهنجان آن در انگلستان می باشد و

دیگری رئالیسم قرن نوزده که از پیشواهان آن دانیل دفو، هتری

فلیدینگ، تولستوی، دیکنر، و در فرانسه، بومارش، مرسیه و بالزاک را می

توان نام برد

رئالیسم به عنوان یک مکتب ادبی بیش از هر جای دیگری در فرانسه به میان آمد

گذازان مکتب ادبی رئالیسم از متوسطی بودند این تویسندگان عبارتند از

شانفلوری (murge Feleury) و مورزه (champ Feleury)

نام رئالیسم و قواعد مکتب آن را ایندا شانفلوری در اولین نوشته های خود به تاریخ 1843 به میان اورد.

شانفلوری همه اشکال و انواع تویسندگی را که تا آن زمان وجود داشت را انکار کرد و آنان را که رمان را به ادعای نام مبدل ساخته

بودند به باد سرzes گرفت و به تویسندگانی که به واقعیت های زندگی می اعتنایند و خود را تسلیم تخيلات بی پایان می ساختند

خطه کرد او در این میان فقط روش بالزاک را می پسندید و می گفت: «دانستن برای تویستن این است عقبه من» و همین تویسندگان در جای دیگر می گویند: «مکتبها را دوست ندارم من در هنر چیزی بجز حمیعت نمی شناسم.»

برونتن (Bruntiere) سخن سنج معروف فرانسوی معتقد است که او مردمی شجاع و عامی بود و بالزاک را حمیمانه می ستد اما آنچه از کمی انسان تویسته بود بشناسند تقليد سخره ای بیش نبود و آنچه از آنچه بالزاک به نظرش مهم جلوه می کرد وجود خرد

بوروزواها و پیر دخترها بود



ضرب المثل های جهان

- ۱) اگر خیلی نرم بانشی ترا له می کنند و اگر خیلی خستک باشی ترا می شکند (تازی)
- ۲) اگر دل بخواهد هزار راه پیدا می شود و اگر نخواهد هزار عذر و پیغامه می تراشد (برنحو)
- ۳) امروز همان فردانی است که دریور اینقدر مستظرش بودی (فارسی)
- ۴) ادب زیادی بی ادبی است (زبانی)
- ۵) اگر می خواهی در دنیا پیشرفت کنی نخست به دیگران کمک کن که پیشرفت کنند (زبانی)
- ۶) آنچه که زیبایست عزیز نیست بلکه آنچه که عزیز است زیبایست (اروپا)
- ۷) انکس که پیشرفت نمی کند عقب می افتد (ایطالیایی)
- ۸) اندوههای کوچک حرف می زنند، ولی اندوههای بزرگ خاموشند (لاتینی)
- ۹) او کلیه کوچکی دارد ولی مال خودش است (لتونی)
- ۱۰) اگر ما با هم برادر هستیم، کیف یول ما با هم خواهر نیستیم (مونتنتگروی)
- ۱۱) ابطال دهقان سرمایه اوینده، اولاد یک «اقا» پدھنی های لوشندو فرزندان اعیان دردانی بیش تیستند (اوستنی)
- ۱۲) اگر سر یک یهودی را کلاه پگذاری دستت را خواهد بوسید و اگر دست یک یهودی را ببوسی سوت را کلاه خواهد گذاشت (روسی)
- ۱۳) اگر از آسمان شیر بارد فقط اغصیا سطل در اختیار دارند که اثرا جمع کنند (روسی)
- ۱۴) اعمال ما معرفت ماست نه گفتار مان (جزایر انگلیس)
- ۱۵) از فقر، شیش و کک خود بخود پدید می آیند (دانمارکی)
- ۱۶) اگر نمی توانی زخم را درمان کنی، آنرا باز مکن (دانمارکی)
- ۱۷) آفتابه دزدها را به دار می آویزیم و به دزدان بزرگ درود می فرماییم (آلمانی)
- ۱۸) اگر هر کس جلوی خانه خود را جارو کند، شهر تعیز می شود (آلمنی)
- ۱۹) انسان هرگز نمی افتد مگر به طرفی که به سویش تکیه می کند (فرانسوی)
- ۲۰) برای ادم خواب الود بالش لازم نیست (افغانی)
- ۲۱) در شتاب هم تأملی باید (آلمنی)

رثایست همواره می کوشد زندگی را به آن شکلی که واقعاً هست تعابش دهد نه آن گونه که باید باشد.

در مقایسه‌ی رمان‌تیسم و رثایسم مانع توانیم این دو مکتب را به عنوان دو مکتب غیر واقعی و واقعی در بر این هم قرار نداشیم. رمان‌تیسم جهان محسوس را کشف کرده است و در واقع سراغزی برای رثایسم است. اما رمان‌تیسم وقتی که واقعیت را در بر می گیرد با اثبات و با ذهنیت به آن می بردارد و رثایسم طوفانی تشریح جزئیات است.

رثایسم در دیگر کشورها:

در انگلیس رثایسم همزمان با دوران فرمانروایی ملکه ویکتوریا بود رثایسم در انگلستان نوعی عرف مداوم است و بصورت معمولی آغاز شد و در سال 1835 رثایسم ستجده و مستقل در ادبیات انگلستان بخصوص در رمان نویسی به میان آمد. بازترین نماینده ادبیات انگلیس در این دوره چالز دیکنز است.

در آلمان رثایسم بصورت مکتب مستقل ظاهر نشد پر خلاف نویسنده‌گان رثایست فرانسوی که با جارو جنجال بعنوان میلارزه با رمان‌تیسم قدم به میدان نهاده بودند. دهمان Dehmel را با شعر مردمی اش و هوانتز Holz را با مدرنیسم می‌توان شاعران رثایست شمرد.

رثایسم آمریکانی در واقع ادامه‌ی طبیعی رمان‌تیسم شمرده می شود و هیچگونه قطعه رابطه‌ای بین آنها وجود ندارد. چهار نویسنده‌ی پر ازشی که نماینده‌گان بر جسته‌ی ادبیات آمریکا در این دوران شمرده می شوند عبارتند از: استفن کرین Stephen Crane، فرانک نوریس Frank Norris، جک لندن Jack London و لاندن Landon

رثایسم روسی جیزی است مطلقاً متفاوت با رثایسم فرانسه. رثایسم روسی تحلیل جرکین ترین جنبه‌های زندگی را ترجیح می دهد و حال آنکه رثایسم فرانسوی عبارت است از اراده‌ی دراکه‌ی روش بینی و آگاهی عینی و یا مقابله با قراردادها در اخلاق و هنر. از نویسنده‌گان رثایسم در روسیه می‌توان لئون تولستوی و داستیوسکی را نام برد.

هدف رثایسم :

هدف رثایسم کاوش و پی بردن و تماشاندن چگونگی واقعی هر چیز و ایستگی‌ها و پیوندهای درونی یک پدیده و دیگر پدیده‌ها است از این رو رثایسم همواره در برایر اینه آییم و رمان‌تیسم فرار می گیرد و در فرانسه بالزاک با نوشت (بابا گوریو) و در انگلستان چالز دیکنز با پدید آوردن شاهکارهای (اولیور تویست) و دیوید کاپریلید این جیش را به لوح بزرگی و فروع دساند.

این مکتب جند گاهی پیشرفت کرد و رواج یافت، ولی نتوانست پسندیده همگان به ویژه سخن پروردان و هنردوستان گردد و هترمدادان نام اوری چون الکساندر دوما و دیگران به مخالفت با آن پر خاستند و از آن سخت بد گوین نمودند.

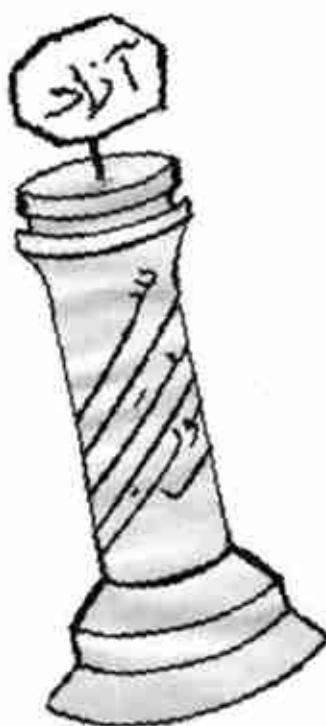


است؟ در اجتماع نیز دیو و پری وجود دارد؟ بجز روابط خانوادگی
تحمل بعضی ازمائل را جگونه توجیه می‌کنیم!
باید تحملش کنید چراکه نقطه‌های مشترکتان اجازه دیگری برای
نمی‌دهد.

بخشن سنتون آزاد هم از این شماره به نشریه ما اضافه شد، ولی
وظیفه پرکردن این بخش به عهده شما دوست‌گرامی می‌باشد.
شما بتوانید ممکن است هزاران حرف تکفته داشته باشید که مایل به
گفتگش هستید ولی تذمیری تحت چه عنوانی و به چه بهانه‌ای بیان
کنید.

در این بخش شما کاملاً آزاد هستید تا حرف دلخواه را بیان کنید لزوماً
کسی هم که دلخواه گرفته است شکایت کنید و یا شاید بخواهید از
چیزی صحبت کنید که دوست دارید تقدیم هم به آن توجه کنند
خلاصه مطلب نمی‌دانم هر چه که می‌خواهد دل تمنگشان بنویسد.

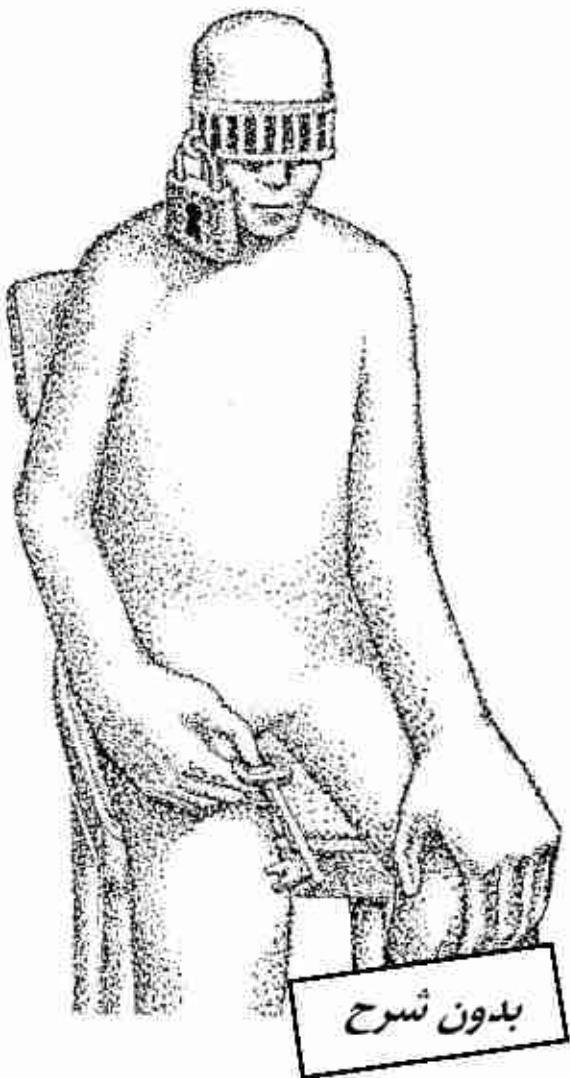
کلیک



در کوه قاف، دیو قصه‌ی بلای زمستان عاشق وشیشه‌ی پری کوه
قاف می‌شود. دیو عاشق به رسم دیوان پری کوه قاف را دریند
چهارمین می‌کشد. زیرا دیوان جز این راه راه دیگری رانمی دانند
بر جمله عالم دلستگی دیو اشکار است: حق در نزد پری.
صحیح می‌شود. دیو برای تهیه غذا می‌خواهد غار را ترک کند،
از دلستگی پریش را به چهارمین می‌کشد و در دهانه‌ی غارستگی
درشت می‌گذارد دهانه را مسدود می‌کند باز هم از سر دلستگی و
می‌رود برای پری اش تخفه‌ای می‌آورد. داستان روزهاتکار می‌
شود و غار پر می‌شود از هدایای دیو برای پری.

از پری:

دیو که می‌رود، و پری را در چهار جوب چهارمین بند می‌گذارد، بعد
پری بندها را بازکرده و سنج را از دهانه غار کشاند و غار را
تصیز می‌کند. و هدایای دیو را از غار خارج می‌کند تا برای زندگی
چالی پسند و خود نیز پرواز می‌کند تا آنسوی کوه قاف شاید هم
دورتر، هنگام غروب پری برمی‌گردد و سنج را در دهانه‌ی غار می‌
گذارد و خود را به چهارمین می‌کشد. منتظر ورود دیو می‌شود دیو
می‌اید. این بار هم هدیه‌ای برای پری دارد. پری اش را
در چهارمین می‌بند و از هیچ چیزی بوبی نمی‌برد.
گفته بودم علاقه‌ی دیو به پری را همکان می‌دانند ولی از پری
کسی چیزی نمی‌داند. شاید خود پری هم نداند ولی هم چنان
سالهای است که در کوه قاف با هم زندگی می‌کنند.
شاید چندین هزار سال! آیا می‌دانید چه آنها را پایبند هم کرده



کجا و هن

سون نزد امشب که واید اتفاقی
جند خالها گز کرد و خود نکرد خوابی
نهادت صبح دانی ز جهد روی جوست ذارم
که بدروی جوست هالد که بونکد تقابی
دل هبیتو نستک ای دوست به لب جسم سعدی
عجست ای نگو دک بگو دد اسیابی

در دیده چون جان می روی افسوس جان من
سرخ اعوان می ای روق استان من
چون می روی ای من برو ای جان من نی من
وز جنم من بیرون منو ای شعله تایان من
حالت آسمان را بر ارم وز هلت در بانگ فرم
چون دلبرانه بیکری در جان سرگودان من
منزه که ما ناک ای. گز لب بزیده باک ای
الدیسه ام املاک ای. ای آن ای ای آن من

موالیا

ساحل افداه گفت یه جه بسی زیسته
هیچ نه معلوم شده ای من جیمه
همه ای می روم یه زوم نیسته
اقبال لاهوری

چند پاشی عاشق صورت بگو
طالب معنی شسو و معنی بجو
صورت ظاهر فتا گردد بدان
عالی معنی بماند جاودان

در عشق تو کسی پای ندارد جز من
بر شوره کس تخم نکارد جز من
با دشمن و دوست بدست من گویم
ناهیچ کیست دوست ندارد جز من

شعری بلغی

مرانه سر نه سامان آفریدند
برپسانم برپسان آفریدند
برپسان حاطران وقتند در خاک
مرا از خاک ایشان آفریدند

بابا طاهر





ماداران مل عکس فشم که مراز قش آزاد گز
بر پرورد بیانی دماید که ای صد
فرم پیان نی خواه اک فرم
کفر ویران شدن
خان سیاد گنید

من بیویم که مرا فقی از آدم کنید
بیویم که قلوب را بگردانم. بده بمانی و دلم را بگردانید
فرمایی و ماید که ای صد و پانز
پانز من کارهای خود را بگردانید
کفر ویران شدن
خانه سیاد کنید

سید



ذهنی» این آرثراطیو بسیار باشکوه که تا امروز در شرق کارایی دارد نمی‌تواند نقش افرین گردد مردم نه قاتلی داشته باشد رهبروسکانداری، هر چند دشمن ذلیل و زیبون گردید، اما دست اوردهای ایثارگرانه ملت بزرگ افغانستان از منظر تعیین سرنوشت هرگز مشمر به شعر نگردید، تیانی دیگر استعمار «استبداد و مستبد دیگری را بر سرتوشت مردم حاکم نمود» به تعبیر مرحوم فرهنگ (مستبدیاً کفایت) یعنی امیرعبدالرحمان خان بر اریکه قادر تکیه‌زد و در اوج قدرت و پیروزی ملت معاہده نگین دیبورن را پذیرفت.

در جنگ سوم یا انگلیس تحرک اندیشه در جهت بسط مدنیت جدید اوجی شکفت دارد، نشریاتی چون **شمس النهار و سراج الاخبار** آئینه دار اندیشه‌های سیدجمال الدین و دیگر اندیشمندان گردید در چنین موقعیت تاریخی است که باور عمیق فرهنگی بر این مبتنی است که اگر فرهنگ مبتنی بر مبارزه با استعمار استبداد و خرافات نهادینه نگردد شور ایثارگرانه نمی‌تواند جامعه ساز شود.

در این مقطع زمانی چنین مشروطه با اهدافی چون معرفت بالای دینی - بسط مدنیت جدید - مبارزه با خرافات - مشروط ساختن حکومت - حاکمیت قانون - گسترش حقوق شهر و تندی - تقویت مهارت فرهنگ ملی و غیره تصوری را تدوین می‌نمایند که قطب نمایی کشته مبارزه با انگلیس مینگردد.

در این مقطع که با دور اندیشه کامل و نگرش عمیق سیاسی شور حماسه افرین با شعور جامعه ساز گرده می‌خورد و سبب میگردد تا در سال ۱۹۱۹ م بریتانیای کبیر باور نماید که اقتدار سلطه و سیطره اش

غروب پذیراست.

از بیامدهای عظیم و با شکوه استقلال افغانستان شکسته شدن حلقه خیم استعمار در شیه قاره هند است که همواره قدرتهای استعماری در بی چاول تروتهای سرشار آن بوده اند ازسوی دیگر زمینه ساز حرکتهای ازادی طلبانه و استقلال جوانانه در سایر سرزمینهای مشرق زمین گردید، زبان ازحی على الفلاح استقلال و ازادی افغانستان بیدار می‌شود، بلی، همین کشور زبان که امروز حرف اول تکنولوژی را می‌زند در آن مقطع از هر نظری نسبت به افغانستان در مراحل فروتنی قرار داشت، پس می‌توان گفت که ملت فهمنان و ازاده‌ها در شرایطی استعمار کهن بریتانیا را به تسليم واداشت که بسیاری از سرزمینهای مشرق زمین در خواب خاموشی قرور فته بودند.



به بیانه 28 اسد سالروز استقلال افغانستان

در 28 اسد امسال ما هشتاد و پنجمین سالروز استقلال افغانستان را به جشن نشستیم، مبارزه ای که در سال 1839 میلادی آغاز می‌گردد و در سال 1919 م به شکوفایی میرسد یعنی ملت بزرگ افغانستان با 80 سال مبارزه مستمر و پیگیر با ارتش بریتانیای کبیر، ارتشی که مدعی بود در قلمرو من آفتاب غروب نمی‌کند، ادعای غروب تا پذیری آفتاب سلطه و اقتدار بریتانیا را در هم شکستد شکسته شدن حلقه خیم استعمار در افغانستان سبب گردید تا اسایر حلقات استعماری در منطقه نیز از هم گستره گردد.

بدون تردید عامل اساسی فروپاشی سیطره بریتانیا مبارزه مستمر اجداد ماست، هشتاد سال مبارزه بیانگر عشق و ایمانی است وصف تا پذیری، یا نیم نگاهی به تاریخ این حقیقت مجزر می‌گردد که در جنگ تحسین با انگلیس یعنی از 1839 تا 1841 م مردم افغانستان در عرصه‌های مختلف حمامه افریدند.

اما تیجه آن همه حمامه افرینی عنق و ایمان هرگز منع بنه آن شد که استقلال مستمر به شعر گردد و سرتوشت سیاسی نسبت به اوضاع اجتماعی عادلانه رقم بخورد، مهمترین شخصیت اندیشه ورز در مقطع زمانی جنگ اول تا جنگ دوم با انگلیس در سالهای 1878-1880 م حضرت سیدجمال الدین افغانی است، حضرت سیدجمال الدین در آن محور اعلام تعود که «مبارزه با استعمار توان با مبارزه با استبداد و خرافات نگردد باشکست استعمار، استقلال حراست نمی‌گردد»، پیام حضرت سیدجمال الدین چنین بازتابی دارد: مبارزه بالاستبداد یعنی ایجاد عدالت، یعنی گسترش ازادی که فقط با معرفت بالای دینی و شفاف سازی دیدگاههای دینی میسر می‌شود، در فاصله جنگ اول و دوم این حرکت فرهنگی حضرت سیدجمال الدین همچنان با جدت دنبال می‌شود در پیامد جنگ دوم این حمامه فرهنگی «این توسعه

@ به نقل از اینترنت

صلب اعتماد اروپا از افغانستان

مارین ناین سپر کیم کشور هائند در کابل می سخنای در کافرانس بوسی بوده افغانستان گفت: در سورتی که افغانستان تواند اعتماد کشورهای اروپایی را با خود پاشته باشد از آنکه کمک این کشورها به افغانستان گاسته خواهد شد. وی ادامه داد برای کشورهای اروپایی مهم است که بدانند کمک های آنان در جه راهی و چگونه در افغانستان به حضور می رسد؟ وی از موارزه با مواد مخدو در افغانستان نام برده گفت: اگر دولت افغانستان نولایی مهار کشت و تولید مواد مخدو را خود نشان ندهد، جامعه جهانی نست به این کشور غیر روش داده تجدید نظر خواهد کرد. لازم به ذکر است که کافرانس دو روزه بوسی بودجه افغانستان در خیمه بزرگ لویه جرگه با گمک مالی دولت هفتاد بیکار شدند است.

باستان شناسان خارجی در افغانستان

افغانستان یکی از کشورهای باستانی همچ جهان به شمار می رود. با اشاره به اینکه در افغانستان آثار باستانی بسیار مهم و را فدمت 2000 ساله وجود دارد، مکتبی بوسی فاچاقچان بین الملل شده است. در حال حاضر باستان شناسان امریکایی، اروپایی و آسیایی در حال بحث و برسی آثار تاریخی این کشور هستند. گنجینه طلایه که در ارگ زیست جمهوری قرار نازد با فدمت 200 سال که مربوط به دوره هخامشیان و کوشانیان است توسعه کارشناسان امریکایی مورد بوسی قرار گرفته است. همچنین آثار غیر در بغلان کشف شده که شامل یکی اسپ بالدار و یک سوار، یک سر و دو مرد مسلح به شمشیر می باشد که مربوط به دوره ساسانیان است. محقق محمد نادر رسولی، رئیس باستان شناسی وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، از جوهرات غیر قانونی در کابل و حاشیه این ولایت خبر داد که وزارت فرهنگ تمام تلاش خود را برای جلوگیری از این اتفاق به کار گرفته است و همانی از سوی وزارت خاله و کارشناسان فرانسوی راهی این سطنه شده اند.

ساخت موزیم در بامیان

ساخت موزیم در بامیان روز پنجم شنبه 11 سلطان آغاز شد. در این موزیم که با خاور غلام رسول بوسفری معاون فرهنگی وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان تهذیب گناری شده، آثار باستانی و تاریخی این ولایت که یکی از ولایات باستانی در افغانستان به شمار می رود، نگهداری می شود. این ولایت از نظر میراث فرهنگی و ساحت باستانی بسی تغییر یوده و ساخت موزیم در این ولایت جای اهمیت است. این موزیم در مقابل مجسمه های بودا ساخته خواهد شد. معاون ولایت، رسیس اطلاعات و فرهنگ، رسیس پژوهشون بامیان و برخی از فرهنگ دوستان در این مراسم شرکت ناشن، از ساخت و زیرم در این روز شنبه شروع شد.

اولین ورزشگاه دخترانه در کابل

اولین ورزشگاه دخترانه با همکاری یک موسسه جایانی در کابل ساخته شده و به پدره بوداری رسید این ورزشگاه به ساخت 845 متر مربع مبلغ 645 هزار دلار هزینه برده است. در این ورزشگاه سه میدان والیبال و یک میدان سرکمال وجود دارد. گفته می شود این ورزشگاه از امکانات مدرن روز پهنه مدد بوده با استنادهای جهانی مطابقت دارد.

ملت عزیز و رزمنده ما در هر برهه از زمان از خود افتخاری عظیم را ثبت کرده است. در اوایل قرن 20 پیش از انتشار را در هم شکست و در اوخر قرن 20 ارتش سرخ را با دلت از سرزمین پاک خود بیرون راندند. ارتش تا دنده مسلح شوروی را بگونه ای در هم شکست که منجر به فروپاشی آن در سالهای بعد گردید و باز هم الکوشا برای ملتهای در بند و استثمار شده گردید.

بدون تردید ملت ما^{*} ملت بزرگی است که هر زمان اراده کنند قادر خواهد بود بزرگترین و مسلح ترین اوتشهای جهان را شکست دهد و بارها خود این مهم را اثبات کرده است.

باید دید که با وجود این همه رشادتها قابلیتها و توانمندیهای ملت بزرگ افغانستان چرا امروز به این وضعیت در دنگ گرفتار شدیم؟ در یک نگاه اجمالی و کوتاه شاید بتوان پاسخ آنرا چنین داد:

در آن برهه از زمان به دنبال اعلام استقلال، حرکت به سمت حاکمیت قانون، مشروط ساختن حاکمیت، ایجاد حکومت ملی، بسط مدتیت جدید با حدت و شدت اغاز میگردید. حاکمیت سیاسی (امان الله خان) و مردم همایوا و متحد در نهادینه ساختن این حرکت فرخنده تلاش می نمایند اما درین که خشم دشمن زخم خورده به راحتی می توانند فتنه پروری کنند. استثمار پیر با دامن زدن به جنگ تحجر و تعدد، اندیشه های عمیق و تنویرهای دقیق مستبروطه خواهان را در ذهن مردم افغانستان به زیر سوال می برد.

جناب تحجر و تاریک الدیش حاکمیت به سمتی می گراید که نتیجه این بر هم زدن نیات سیاسی می باشد و درخت استقلال هنوز به بار ازادی و عدالت ترسیده در استانه شکوفانی پرور می شود و این مفصل در دنگ با چنین نتیجه ای شست می گردد که: اگر استقلال با عدالت و ازادی توانمند گردد هرگز به بقاپش نایاب دل نست. رسالت همه مومان ازاده و روشنگران معهد است که درجهت حراست از استقلال باید درجهت نهادینه ساختن و هستی مند گردن عدالت و ازادی همت بگذرانند. عدالت به تعییر متکلمین گذشته یعنی « هر چیز به جای خودش » وابن به معنای شایسته سالاری است.

امیدکه در جامعه امروز افغانستان، از تجربیات تلح گذشته در سهای آموزونده ای برای اینده بکریم و بکوشیم با حاکمیت قانون یعنی مکانیزم باز دارنده تمرکز قدرت و حاکمیت استبداد، ساعع حضور مجدد استثمار در لباس دیگری باشیم.

امروز بیش از هر زمان ملت رفع کشیده و عزیز ما به قانون مداری و عدالت که دستاوردهای شایسته استقلال هستند تیاز دارد. انتخابات ریاست جمهوری که قراروی ماست با مشارکت همه احاد ملت می توانند برگ سبز دیگری بر انتخابات ملت غیر می بینند.

با ارزوی برقراری یک حکومت شایسته سالار در اینه تزدیک در افغانستان عزیز که در جهت تحقق خواستها و آرمانهای ملت که با خون خود او آنها پاسداری کرده اند بکوشند



پسماندگی فرهنگی

مجید محمدی (دانشجوی جامعه شناسی)

یا هر دو فرهنگ در تعاس را با شتاب تغییر دهد و به بازاری ساختار بکشاند آن گونه تغییری را که بر اثر تعاس فرهنگی پدیدار شود فرهنگ پذیری می نامیم. فرهنگ پذیری گونه ای خاص از دیگر گونه فرهنگی به شمار می رود.

فرهنگ پذیری متغیر ها و روندهای متعددی دارد که در این محل اندک به آنها نمی پردازیم و باشد برای فرهنگی دیگر، ولی آنچه که

از این بحث مورد نظر ما است این است که بر اثر تعاس و فرهنگ پذیری پدیده هایی بوجود می آید که از آن

جمله **A** پس افتادگی فرهنگی **⇒** یا **A** تاخیر

فرهنگی **⇒** است.

نافرمانه تواند که پس افتادگی فرهنگی با عقب افتادگی فرهنگی یک نیست. در عقب افتادگی

با عقب ماندگی فرهنگی بحث از کلیت فرهنگ یا جامعه است نسبت به فرهنگ حاکم روز است، اما در پس افتادگی فرهنگی بحث از

عنصر فرهنگی در یک ترکیب فرهنگی هست که به آن خواهیم پرداخت.

نظریه پس افتادگی فرهنگی نخستین بار توسط ویلیام ای

برون جامعه شناس آمریکانی عرضه شد. همانطور که می دانیم فرهنگ یک کلیت در هم تبینه است و این کلیت در هم تبینه از

ترکیب های مرتبط با هم تشکیل می شود و این ترکیب خود از واحدهای اصلی فرهنگ یعنی عناصر فرهنگی تشکیل می شوند. بر

اساس نظریه پس افتادگی فرهنگی هنگامی که از آن پدیده ها و عنصر فرهنگی به یکدیگر وابسته که در مجموع یک ترکیب

فرهنگی را تشکیل می دهند، یک یا چند عنصر از دیگر عنصرها تغییر کند باعث می شود که در اثر این تغییر یا پیشرفت ناسامانی و ناهماهنگی در مجموعه ای ترکیب فرهنگی بوجود آید. این عدم هماهنگی در تغییر عنصرهای یک

ترکیب فرهنگی **⇒** پس افتادگی فرهنگی **⇒** گویند.

اگر بردن به عنوان نمونه، پیدایش اتو مبیل و وضعیت جاده ها را به عنوان دو عنصر فرهنگی در نظر می گیرد. در اوایل قرن بیستم اتو مبیل، این پدیده جدید صنعتی، به علت سرعت کم و تعداد

اندک با وضعیت جاده های تسبتاً کم عرض ناهموار پر پیچ و خم ناسازگار و نا همانگ نبود. ولی با تحولی که در ساخت موتور و ترمز و سایر قسمت های اتو مبیل از طرفی و رقابت شرکت های تولید

تن خسته و محروم افغانستان بعد از مدتی در گیری و نابسامانی اینکه برده ای حساس و شکننده ای را تجربه می کند. حال که فرهنگی باقته است تا به تمام زمینهای عمیق و کاری خوبش بپردازد. بسیار ضروری می نماید که هوشیارانه و با احتیاط و تدقیق و منطقی آنها را بیز و درشت تعماصی لایه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این اندام از هم پاشیده را بشناسیم و مردم بگذاریم. هر کس باید کاری بکند، هیچ کس استثنای این مهم نیست.

عنصر فرهنگی از جامعه ای به جامعه دیگر است دیگر گونه فرهنگی صورت می گیرد. از اشاعه وقتی سخن می گوییم که مردمان فرهنگهای مختلف به صورت حضمانه یا دوستانه در تعاس قرار گیوند خواه این تعاس مستقیم باشد و خواه از طریق این از وسائلی که دخالت در امور دیگر را عملی سازد. اشاعه یک جریان پویا و تحول بخشن است.

هر جامعه ای بسته به اینکه عنصر جدید با کل بدنه الگوی از آنجا که فرهنگها کلیتی در هم تبینه هستند در جریان تغییر فقط عضر پذیرفته جدید باید با مجموعه کارکردهای فرهنگ پذیرنده ساز گاری داشته باشد و از این رو اغلب مشاهده می کنیم که اگر عنصر تازه وارد یکسره جایگزین در روند پذیرش در معرض دیگر گونه قرار می گیرد.

در جریان تعاس فرهنگی احتمال دارد تغییراتی سر برآورده از این رو تعاس فرهنگی فقط صرف افزودن عنصر جدید به ساختار فرهنگی موجود نیست، بلکه اهمیت آن در این است که ممکن است ساختار یکی



در محضر مولانا

فرق میان آنکه درویش است به خدا و نشنه خدا و میان آنکه درویش است از خدا و نشنه غیر است

نقش درویشن است او نی اهل نسان
نقش سرگ را تسوینه دار استخوان
فلکر لقمه دارد او نی فرق حلق
پیشنه نقش مرده ای کم نم طبق
ماهی خیاکی بسود درویشن نسان
شکل ماهی لیک از دریا رامان
مرغ خانه است او نم سیمرغ همها
اسوت نوشند او نوشند از خدا
عائمه حلق است او بی رن وال
لیست جانش عائمه حسن و جمال
گستوهم من کند او علاق ذات
ذات بسود وهم اسما و ملات
وهم مخالوق است و مولود امدست
حلق نزاید است او نیم بولند است
عائمه حبود از عائمه قان ذوال نتن
کسی بسود از عائمه اگر صادق بسود
آن مجراش ناصحه است می کند
شرح میخواهد بیان این سخن
لیک من نرسیم ز آفه ایام که
له هم های که کوته نظر
صند خیال بردارد در فک
بر سمع راست هر کس جو ریست
لهمه هر مرغی انجو ز نیست
خامنه مرغی ای ای پسی دیده ای
نقش ماهی را چه دریا و چه خیا
رنگ هن دورا چه حبابون و چه زای
نقش اگر مرغی بین نگاری بر ورق
او نداده از غمه و شادی سی
صورتش غمک بین و او فارغ از ان
صورت خشیدن او زان بی نشان
وین غم و شادی که این دل خطی است
بیش از شادی و غم جز نهش نیست
صورت خشیدن نقش از به تو سنت
تساز آن صورت شسود معنی درست
نقشهایی کالیدین گردانه هاست
از بیرون جامه کن جون جامه هاست
تبا بولیسی جامه های بیسی و بیس
جامه یرون گن درای هم نفس
زانکه بسا جامه درون سرواد نیست
بن زجان جامه ز تبن اگهه لیست

کننده، از حرف دیگر، بوجود آمد در زمانی اندک بر تعداد اتو میبل
ها و سرعت نیروی آنها به طور چشمگیری افزوده شد ولی تغییر
و تعبیت جاده های سنتی، که گنجایش تعداد و سرعت اتو میبل ها
را نداشت و الزاماً می باست تغییر باید به آسمان مقدور نبود.
کارخانه های اتومبیل سازی می تواند شتابه روزگار گسترد و بدون
وقه اتو میبل تولید کند. ولی ساختن راه و بزرگراه چه در داخل
شهر و چه بیرون شهرها به تغییر های فراوانی بستگی دارد که
نمی تواند به سرعت جوابگو باشد. این تا هماهنگی که طبعاً
بازدهی کمتری به دنیال دارد «مدت زمانی» وقت می طلبند تا
سازگاری باید همانطور که قبل اشاره شده تفاوت و اختلافی که
کشورهای معروف به A جهان سوم و غیر صنعتی، در مقایسه با
کشورهای صنعتی، از نظر فنی و تولیدی دارند، پس افتادگی فرهنگی گفته
نمی شود، این گونه تغایرها را معمولاً با اصطلاح A توسعه یافته،
در راه توسعه A، مخفف افاده شخص می نمایند.

پس افتادگی فرهنگی اصطلاحی است که در مقایسه عنصرهای فرهنگی
یک جامعه گفته می شود و به نظر اگر بین دارای شرایط چهاگانه زیر
است:

۱- در ترکیب فرهنگی مورد مطالعه، دست کم، دو متغیر (دو
عنصر) متمایز از یکدیگر در نظر گرفته می شود.

۲- هماهنگی و سازگاری این دو متغیر در گذشته شخص
شده باشد.

۳- از نظر زمانی، تغییر یکی از آن دو عنصر، با تغییر بیشتر
و سریعتر یکی از آن دو معلوم و معین باشد.

۴- در مقایسه با گذشته، این اختلاف و تغییر (پس
افتادگی) باعث کاهش مقدار هم اهنگی و سازگاری باشد.

در جوامع سنتی که در ترکیب فرهنگی آنها تکنولوژی سنتی حاکم
است پس افتادگی کمتر به چشم می خورد، سرعت تغییر فرهنگی و
بدیده های علمی و صنعتی تکنولوژی جدید است.

افغانستان که یک کشور کاملاً سنتی هست و بود هر نوع تکنولوژی جدید
و عناصر جوامع مدنی به دلیل ناهمهایی با دیگر عناصر آن ترکیب در
جامعه سنتی باعث پس افتادگی فرهنگی می شود پس افتادگی قابل
تعیین به تمام ترکیب های فرهنگی هست، در حوزه سیاست و حکومت
هم چنین وضعیتی قابل مشاهده است. حکومت دموکراسی که موضعهای
خاص خود را دارد، در جامعه ای که تمام نگرش ها، رفتارها، دیدگاه ها و
پاورها سنتی هست با ورود بعضی مولفه های دموکراسی و مهیا بودن و
همهایگان نبودن دیگر مولفه ها این پس افتادگی فرهنگی خود را بسیار
بزرگ نشان می دهد و گاهی ممکن است باعث بحران شود. پس لازم
است که بسیار حساب شده و همهایگان با لااقل بایک اهنگ و سرعت
مناسب عناصر جدید وارد و جادله شوند، ما باید همیشه فرهنگ را
 بصورت یک کلیت در هم تبینه در نظر بگیریم و نه ترکیب های جدا و
مستقل از هم.

در یک فرست دیگر بیشتر و بیزتر به این مسئله خصوصاً در حوزه
سیاست و دموکراسی خواهیم پرداخت.



سید نقی موسوی

فرهنگ توسعه اقتصادی

از این کشورها قبل از توسعه اقتصادی به تغییرات بنیادی در ابعاد دیگر توسعه نیاز دارند. کشور ما هم در شرایط کنونی که به سوی توسعه گام بر می‌لارد باید کاملاً سنجیده و با برنامه حرکت کنند و در تعامل مسیرهای توسعه مخصوصاً توسعه فرهنگی همان را توسعه اقتصادی تلاش کنند تا در هر دو مسیر به سرمنزل مقصود باشد هر چند بسیار دشوار و بعید به نظر می‌آید. به هر ترتیب مایه این مسئله خوش بین هستیم و امیدواریم که کشور ما در این راه موفق و سریاند شود. در نوشتار حاضر برآئیم تا ایندا مفهوم رشد و توسعه را بیان کنیم و به بیان معیارهای توسعه اقتصادی پیرازاریم سپس به صراغ فرهنگ خواهیم رفت و تعریفی از فرهنگ و عوامل موثر بر ساختار فرهنگی یک جامعه را بررسی خواهیم نمود و در پایان به تاثیر فرهنگ جامعه در توسعه اقتصادی و موانع فرهنگی در راه توسعه خواهیم پرداخت.

و اما مفهوم توسعه چیست و چه تفاوتی پارشد دارد؟

توسعه مستلزم تغیر است، این معنای است که اصطلاح توسعه، در آن به کار رفته است، در گذشته توسعه به معنای یک هدف یا وضع مطلوب از زمانه کار و کسب تعریف می‌گردید و بر حسب آماده‌های رشدی برگزینیده تصور می‌شد و مایه به مفهومی داریم که اهداف اقتصادی، اجتماعی و ارزشی‌ای را در برگیرد که جوامع برای آن تلاش می‌کنند. گولت (Goulet 1971) سه جزء مركب یا ارزشی‌ای اصلی در معنای وسیعتر توسعه را تشخیص می‌دهد که وی «معاش زندگی»، «عزت نفس» و «ازادی» می‌نامد:

(۱) **معاش زندگی**: هر کشوری تواند نیازمندیهای انسانی همچون مسکن، پوشش، خوراک و کمینه آموزشی را برای مردم خود فراهم اورد. نمی‌تواند توسعه باقته باشد، توسعه باقته نیست.

(۲) **عزت نفس**: درباره‌ی احساس غرور و استقلال است. کشوری که به دست دیگران استعمار شود و قدرت و نفوذی برای مددجویی روابط خود بر پایه شرایط برابر تداشتند، توسعه باقته نیست.

(۳) **ازادی**: ازادی همان‌اگر سه افراد نیاز، ندانی و بدبختی است. به گونه‌ای که مردم بیشتر قلار به تعیین سرنوشت خودشان باشند. مزیت توسعه مادی این است که درجه انتخاب انسان را بسیار دهد و به روی افراد و جوامع ازادانه باز باشد.

بنود عزت نفس و ازادی از سطوح بست و معاش بر می‌خیزند، توسعه هنگام بدبختی این که بهبود در نیازهای انسانی ایجاد گردد. مقصود از هرشد اقتصادی «صرف افزایش تولیدی می‌باشد و بتایر این یک مفهوم (کمی) است. این افزایش می‌تواند ناشی از افزایش سطح زیر گشت، تاسیس کارخانجات جدید، گسترش و وسعت بخشیدن به مرکز تولیدی فعلی... باشد و می‌تواند دلالت بر ظهور پربرده ای در کنار رشد می‌کند و آنرا می‌توان یک مفهوم (کیفی) دانست. هر گاه جامعه ای با به کارگیری روش‌های بهتر و تکنولوژی‌های سبتر ظرفیت تولیدی خوبی را

با مروری بر تاریخ ملاحظه می‌شود که لازمه بنانگذاری هر نظام و پیشرفت هر جامعه وجود نوع تمدن بوده است: تمدن مادی و فرهنگی.

تمدن مادی یعنی ایزاهه، روپیه و کاربردها و **تمدن فرهنگی** یعنی اندیشه‌ها، بینشها و دریجه‌های شناخت.

سیماز تاریخ بیانگر این نکته می‌نماید که تعلیم تقدیمها از این دو عامل مادی و فرهنگی به طور توأم بجهة گرفته اند. قرن پانزدهم میلادی یعنی فصل انگلیز حربت غرب پسیوی توسعه، با تحول در باورها و ارزشها شروع شد و به دنبال آن دکرگونی‌های در ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی رخ داد که زمینه ساز حربت جامعه پسیوی انقلاب صنعتی گردید. امروزه بدل به توسعه امری همگانی و ضروری محسوب می‌شود، این توسعه یک بدبخته تک بعدی نیست، بلکه ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دارد. توسعه بعنوان بدبخته ای چندی بعدی مستلزم تجدید جهت گیری در مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی است و آنچه که در جهان شکل گیری این بدبخته اهمیت ای باید تکامل تواسان رفتار فرهنگی و نظام سیاسی به موارز پیشرفت‌های اقتصادی است.

توسعه در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی امری تنهی و ارزشی است که به ارزش داوری و استیگی دارد و می‌تواند نیست که توسعه در ابعاد مختلف این دارای تائیری بر یکدیگر و تقاضی قاطع در تحول سرتیفیت جوامع دارد. عدالت، اگاهی و آزادی همواره از مقاصیم بوده اند که در حلول تاریخ انسان بدان توجه داشته است. این مقاصیم بر خلاف اقتصاد که ایزار توسعه می‌باشد هم می‌تواند ایزاری برای توسعه باشند و هم خود در ازای ماهیت ارزشی اند.

توسعه فرهنگی به معنی ایجاد تحول و خلق ارزشها، روابط اخلاقی و هنجارهای مناسب است که برای ارضاء نیازهای انسی زمینه‌های لازم در قالب اجتماع فراهم می‌گذرد.

توسعه اجتماعی تعیین در ساختارها و روابط حاکم در جامعه پسیوی عدالت و بهره گیری عمیق افراد جامعه به رفاخور تلاشها و نیازها است که در خود ناحدودی توسعه سیاسی را در بودارد. توسعه سیاسی را می‌توان به معنی افزایش مشارکت افراد در امور جامعه، حفظ گرامتمهای و فضیلت‌های انسانی و ثبات قدرت حکومت و دولت در عرصه و داخل بین‌الملل تعریف کرد.

در حقیقت رفتارها و باورهای مردم، ساختارهای جامعه و شیوه حکومت و جایگاه جهانی، بیان گننده فرهنگ اجتماعی و سیاست کشور بوده و توسعه اصولاً در راستای تکامل در این وجود و برمی‌تایی آنها می‌تواند مطرح شود.

هر گونه توسعه ای بدون توجه به این ابعاد متصرور نیست و حتی توسعه اقتصادی لیز بدون در نظر داشتن سایر ابعاد توسعه ناممکن است. بسیاری از تکنیکهای توسعه در کشورهای جهان سوم دقیقاً به این علت بوده که عوامل غیر اقتصادی عمداً یا سهو از تحلیل مستثنی شده است و بسیاری

(ب) برای سربرستان خانوارها، کار وجود داشته باشد اشغال و کارهای فقط تضمین کننده حداقل معیشت برای افراد می‌تواند باشد بلکه بدون داشتن کار و شغل افراد نمی‌تواند استعدادهای خود را بروز داده و آنها را شکوطا کرده و در زندگی از نظر مادی و معنوی پیشرفت کند.

(ج) افزایش دسترسی افراد به آموزش و ازدیاد نرخ باسواندی در جامعه.

(د) برخورداری عمومی افراد جامعه از امکان و فرصت مشارکت در اداره جامعه و حکومت.

(۵) استقلال ملی به این مفهوم که سایر دولتها به میزان زیادی نتوانند بر تصمیمات دولت ملی تقدیر و تأثیر به سرازارتی باشند.

همینکه در رسیدن به اهداف اقتصادی پیشرفت‌هایی به وجود آید سوء تغذیه، بیکاری و نابرابری درآمدها و نرخ بیسواندی کاهش می‌باشد و اهداف سیاسی و فرهنگی از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار خواهند بود.

(۶) میردرال (Myrdal Gunar) تاریخی‌های دیگری را برای ارزیابی توسعه که آنها را «آرمانهای توشن» (Modernisation Ideals) می‌نامند به شرح ذیر بر می‌شارند:

(الف) خردگرایی

(ب) توسعه دانش و اجرای موثر

برنامه ریزی توسعه

باید ستها و ادب فرهنگی دائم تصحیح و تعدیل گردد تا آنکه مسیر توسعه هموار گردد. هر فرهنگی تعین کننده یک سطح توسعه است و هو سطح توسعه ای نیز کیفیت فرهنگی یا جامعه را تعین می‌کند. از این زواید این تصور وجود داشته باشد که فرهنگ یک کشور لایتعزز می‌باشد. بلکه فرهنگ در بستر زمان هم عامل تغییر است و هم خود تغییر می‌کند. کیفیت یک فرهنگ و محیط اجتماعی در تحریک تشویق، حرکت، خلاقیت، شهامت، تدبیر، پستکار و تلاش یک ملت تأثیر بسزایی دارد.

(ج) افزایش پیوسته وری

(د) ارتقاء سطح زندگی

(۵) برای برای اقتصادی و اجتماعی

(و) بهبود تهادها و رفتارها و عادات و رسوم

(ز) استحکام و قوام ملی

(ح) استقلال ملی

(ط) دموکراسی بطور ریشه ای و گستردگی در سطح جامعه

(ی) انتصارات اجتماعی

و همچنین «استرین» (Streeten paul) چنین اظهار داشته است: «توسعه یعنی توگرایی و مدرن شدن و مدرن شدن یعنی تغییر زندگی انسان و تغییر خود انسان. توسعه یعنی بهبود ابعاد مرتبط بهم، سطح و میزان محصول و درآمد ملی، شرایط تولید، سطح زندگی (تغذیه، مسکن، پهادن و آموزش)، شرایط و محیط کار، نهادها و سیاست‌ها».

نظر استرین درباره توسعه امروزه معروف به نگرش به توسعه از بعد «نیازهای اساسی» (Basic needs approach) است. طبق این تعریف توسعه یک جامعه بر اساس میزان و درجه پراورد نیازهای اساسی افرادش سنجیده می‌شود. از دیگر معیارهای توسعه اقتصادی می‌توان به «معیار استفاده کار آمد» و «معیار ارتباط درونی» اشاره کرد.

معیار استفاده کار آمد: هر جامعه ای به مقدار معین و محدودی از امکانات و منابع دسترسی دارد که برای ادامه حیات خوبش تیار نموده است. هرگاه در حلول دوره مطالعه این پهره برداشی شکل بهتر و مناسب و معقولتری بخود بگیرد می‌توان اثراً نشانی بر وقوع تحول کیفی داشت.

افزایش دهد و بدین ترتیب از امکانات و منابع خوبش به طریق پیشتری استفاده نماید، می‌گوییم در **زیسته توسعه** و پیشرفت کام برداشته.

استفاده پنهان از منابع و امکانات ازوماً افزایش تولید را به دنبال دارد، ولی هر افزایش تولید را نمی‌توان توسعه دانست. یعنوان مثل «در سطح زیر کشت»، می‌توان افزایش تولید ناشی از افزایش سطح زیر کشت را داشت و افزایش تولید ناشی از بهبود روشها، بکارگیری بذر اصلاح شده و سسوم دفع آفات نباتی و تکنولوژی برتر را توسعه قلمداد کرد.

رشد را می‌توان در دوره متوازن اداره گرفت، مثلاً بگوییم تولید در سال ۸۳ نسبت به سال قبل ۴ درصد رشد داشته است، اما توسعه را نمی‌توان در یک فاصله زمانی کوتاه دوره پرسی نمود.

توسعه فرایندی است که در طول فاصله زمانی طولانی‌تری اتفاق می‌افتد و در اقع اثر آن در چنین دوره‌های کوتاهی چندان مشهود نیست. از آنجا که توسعه دلالات برتحول گیفی می‌گند نمی‌توان صرفه‌سازیکه برپاره ای شاخصهای کمی به تحلیل آن پرداخت و اگر تحت تحریطی بتاجار اقدام به چنین کاری بکنیم، باید در باب تابع بدمست آنده با رعایت اختیارات قضاوت کنیم.

هنگامیکه کشورها را به ترتیب بر حسب تولید سوانح ناخالص داخلی شان در یک ردیف قرار می‌لایم پیوسته با گرایش‌های زیر «واجه‌های توسعه در گشوهای با

درآمد بالا»: افراد کتری بر روی زمین کار می‌کنند و در آمد حاصل از

بخش کشاورزی بخش کمتری از کل تولید داخلی را تشکیل می‌دهد، جمعیت بیشتری در بخش‌های صنعتی و خدماتی کار می‌کنند، در آن بخش‌های اقتصادی در امکانی بیشتر تولید می‌کنند پیشین چیز بیشتر

افراد در شهرها زندگی می‌کنند، بیشتر ارزی مصرفی از منابع غیر جوانی همچون سوختهای فسیلی و نیتروی هیدروکربنیک تأمین می‌شود، مواد غذایی در شهرها بیشتر در دسترس افراد می‌باشد و سوای نداشتن مواد سلولای کیفیت پیشتری دارد، افراد تندرست ترند و متوسط عمر بیشتر است، افراد بیشتر به مرگ طبیعی می‌برند هر چند در گشوهای قبری تیز اقدامات پهاداشتی عمومی باعث شده است از این نظر بهبود زیادی حاصل شود مرگ و میر برخم بالا بودن متوسط سن پایین است، از اینها گذشته رقم مرگ و میر کودکان بسیار پایینتر است، میزان زاد و ولد رقمن کوچکی را نشان می‌دهد و از همین رو اتفاق افزایش طبیعی جمعیت کنتر و در بیشتر گشوهای مرغه این افزایش صفر است و وسائل و امکانات بیشتری برای مراقبت از بیماران وجود دارد.

معیارهای توسعه اقتصادی

حالا بینیم چه معیارها و تراکم‌های را برای توسعه می‌توان بر شمرد که از نظر جهانی قابل قبول همه باشند، معمولاً نویسنده‌گان مختلف شاخصهای زیر را بعنوان معیارهای از توسعه و اهداف گشوهای در حال توسعه در سطح جهان مطرح می‌کنند:

(الف) در آمد خانوارها باید به حد کافی باشند، بطوریکه بتوانند بسته معیشتی خود را که شامل حداقل غذا، سریناء، پوشش، کفش و پهادنست و درمان می‌شود را فراهم کنند.



۳- محظوظی و تغییر و یا ایجاد آن تیاز مند زمان رساندی است.
و پیامرسون زمانی حدود یکصد هزار سال را پیش بینی
میکند.

- ۴- در زمان و مکان و شرایط خاصی ایجاد نمی شود.
- ۵- در شکل گیری و زایش آن عوامل مختلف و گاهی
متضاد دخالت دارند.
- ۶- نوعی همدلی، همزنگی و الفت بین افراد یک مجموعه
ایجاد می کند.

مجموعه باورها، ستیها، ارزشها، هنجارها و استنباطهای عمومی یک جامعه که متشابه باشد فرهنگ هستند محدود به قیود زمانی و مکانی اند. چنانکه گاه متشابهی فرهنگ مختلف، باورها و ارزشهای متضاد و متارض ایجاد می کند. بنابر این، در تبیین باورهای فرهنگی باید عوامل مختلفی نظر اصول دین و مذهب، شرایط جغرافیایی و اقلیمی، شرایط سیاسی، اقتصادی، تحولات تاریخی و غیره که در ایجاد یک باور فرهنگی دخیلند و با به عبارتی متشابه باشد فرهنگ هستند مورد بررسی قرار گیرند.

عوامل موثر بر ساختار فرهنگی یک جامعه

ارزشهای هر ملت باعث همیستگی افراد در حفظ اشیاء و خصائص آن ملت می گردند، منظور از ارزشها اجتماعی فقط اعتقادات و اداب و رسوم مبتنی بر اخلاق و منطقی خاص نیست بلکه هر نوع ارزشی است که صورت اجتماعی به خود گرفته، مقبولیت و مشروعتی می باید و یکی از خصوصیات افراد را در یک کشور یا جامعه نشان می دهد بنابر این مواردی از قبیل تعصب، اعتقاد به خرافات و یا تقدیر نیز از عوامل شکل گیری ارزشها اجتماعی شمرده می شوند.

همانگونه که اشاره شد ارزشها و تغییر و تحول آنها بسیار کند و تدریجی صورت می گیرند و نمی توان یک ارزش را حلی یک دوره کوتاه به خود ارزش یا بلعکس تبدیل نمود. اما افکار وایده ها که از ارزشها اجتماعی ناشی می شوند می توانند باعث تحولات و گرگوتی های اجتماعی گردند.

اگر ایده ها و بینشها به بازیگران اجتماعی حرکت پدهند، می توانند در اجتماع موثر واقع شوند. به عبارت دیگر جامعه قبل از هر چیز حاصل کنش اجتماعی مجموعه ای از بازیگران است. انگیزه ها کنشهای اجتماعی را شکل و جهت معین می دهند بنابر این ایده ها هنگامی در تغییر اجتماعی موثر واقع می شوند که بر ارزشها بقدرت ایجاد انگیزه ای قوی تبدیل شوند و یا اینکه بعنوان یک سیاست ایدئولوژیک پیشنهادی به تمام مردم یک جامعه لازمه گردند.

البته منظور از امکانات و منابع صرفا منابع طبیعی نظیر زمین و چنگل، معدن و ... نیست، بلکه هر نوع امکاناتی را شامل می شود معیار ارتباط درونی؛ اقتصاد هر کشور متشکل از بخشهای است که تغییر اجزای مختلف چند یک موجود زنده با یکدیگر در ارتباط هستند و در عین حال کل این مجموعه تیز با جهان خارج در ارتباط است، ارتباط بین بخشها اقتصادی یک کشور توسعه یافته بسیار قوی و حساب شده است و ارتباط آنها با خارج بعنوان یک مکمل این روابط می باشد برخلاف کشورهای توسعه یافته که رابطه بخشها اقتصادی داخلی بسیار حیف و ارتباط خارجی بسیار قوی دارند. در جریان توسعه اقتصادی روابط بین بخشها قطعاً دگرگون شده و بهمود می باید و گزنه باز هم باید گفت خبری از تحول کیفی نیست، بعد از بیان تعریف و معیارهایی برای توسعه اقتصادی نوبت به بروزی نقش ارزشها و فرهنگ در توسعه اقتصادی می رسد، در اینجا ابتدا تعریفی از فرهنگ را ارائه خواهیم داد و به عوامل موثر بر ساختار فرهنگی یک جامعه اشاره های خواهیم داشت و در بیان به نقش فرهنگ در توسعه می برد ازین:

در تعریف فرهنگ دیدگاههای گوناگون وجود دارد و بنابر هدف مورد نظر، در تعریف آن اختلافاتی دیده می شود. برخی علوم، دانش و دستاوردهای بشری را فرهنگ خوانده اند و برخی دیگر ادب و رسوم یک قوم را معادل فرهنگ دانسته اند. می توان گفت که فرهنگ در مقام تعریف بیشتر امری اعتباری و فراردادی است و هر کس طبق گمان و اندیشه خود به تعریف آن می پردازد. (واژه فرهنگ در فرهنگ معین، به مجموعه علوم و معارف و نیازهای یک قوم اطلاق شده است، در فرهنگ دهخدا این واژه فرهیختن و به معنای بزرگی و سنجشگانی تعلیم و تربیت تعبیر شده است) در میان تعبیر متمدد و گوناگونی که از فرهنگ به عمل آمده آنچه که در توسعه موثر است و مدنظر ما است، مجموعه ای از عقاید، ادب و رسوم و ارزشهاست که دارای خصوصیات زیر است:

- فراگیر و موذ پذیرش عامه است
- پذیرش و قبول آن منوط به استدلال و منطق علمی نیست و عموماً مورسال قرار نمی گیرد.



جامعه هایی اصل همه چیز و یا هیچ چیز در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تجلی می پاید و انسجام و وحدت مدیریت و شارکت بر اساس قابلیتها و ظرفیتها جای خود را به نزاع بین گروهها و چنگ و تراحم برای کسب تمام قدرت مالکیت و مدیریت من دهد. بنابر این سقوط فرد از بالاترین درجه اجتماعی به نازلترین

قابل به توسعه اقتصادی با رفع برخی موانع فرهنگی و سایر عبارتی رفع توسعه نیافتنی فرهنگی، امکان پذیر خواهد بود. برخی شواهد تاریخی بیانگر آن است که باید تحولات اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد تا روند توسعه اقتصادی در یک کشور تسهیل شده، شتاب پیدا کند

سطح و از بالاترین مقام مدیریتی به پایین ترین رتبه و یا حضور از نازلترین سطح در آمد به بالاترین سطح ثروت و یا عکس آنها کاملاً طبیعی است بنابراین مدیریت پارادکس «هم این و هم آن» در بینش فکری تضمیم گیرنده‌گان و در مواجهی در باورهای عمومی مردم جایی ندارد.

جایگاه و ارتباط عوامل فرهنگی و توسعه

با پایان یافتن چنگ جهانی دوم گرایش کشورهای جهان سوم به سمت توسعه اوج گرفت، سه دلیل عمدۀ برای این گرایش وجود داشت. چنگ موازنۀ قدرت‌ها را تعییر داده استقلال ملی در کشورهای مستمرمه محمول شد و افزایش قدرت روسیه در کشورهای جهان سوم موجب شد فرضی برای کشورهای جهان سوم جهت تلاش در تبلیغ به توسعه اقتصادی در دوران چنگ سرد پدید آید. مباحث توسعه زمانی اوج گرفت که اصلی ترین عامل توسعه یعنی «انسان» مورد توجه قرار گرفت و سرمایه گذاری در تبروی انسانی شامل آموزش، بهداشت و درمان، یعنوان اصول اولیه تحول فکری و ایجاد اعتقاد به قدرت انسانی در تسلط بر طبیعت مطرح شد.

به همین جهت است که نگرش به توسعه با محوریت انسان موجد ابعاد گوناگونی می شود. همانگونه که در تعریف فرهنگ ذکر آن رفت بنا به هدفی که از فرهنگ است در تعامل با توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که انسان رکن رکن آن می باشد. در این دیدگاه فرهنگ اثاث مهارت‌ها، افکار و خدمات عمومی و البته نهادهای اجتماعی است. ارزش‌های فرهنگی با ویژگیهایی که قبلاً ذکر شده‌ی توانند در خدمت توسعه قرار گیرند و انگیزه های کار و فعالیت و نوآوری را ارتقاء دهند و یا بر عکس موجب تحریب بنیانهای انگیزشی در صحنه رقابت نمایند و نقش بازدارنده در رول توسعه ایفا کنند. بای رسانید به توسعه اقتصادی ایجاد شرایط لازم و زیر بناءای ارزشی-نهادی خروری است.

چنانکه مشهود است در جامعه شناسی امروز، نقش ایده‌ها در تغییرات اجتماعی در روایی ارزشها و ایدئولوژیها مورد توجه قرار می گیرد. لذا چهت تأثیری که این ارزشها در تحولات اجتماعی و تبع آن تحولات اقتصادی به جای می گذارند، حائز اهمیت است و از آنجا که حرکات و رفتار افراد جامعه را تحت الشاع خود قرار می دهند نیاز به بررسی دقیق دارند.

چند خاطلی که بر ساختار فرهنگی جامعه اثر گذار هستند را مختصرابیان می کنیم:

(1) **ایدئولوژی و ارزشها:** ایدئولوژی عبارت است از سیستمی از ایده‌ها و قضاوتهای روش و صریح و عموماً سازمان یافته است که موقعیت یک گروه یا جامعه را توجیه و تفسیر می کند. این سیستم با الهام و تأثیر پذیری شدید از ارزشها، چهت منحصري داردای آن گروه یا جامعه تعیین می‌کند. اثون دیون جامعه شناس کانادایی اصطلاح «سیستم» را برای ایدئولوژی به کاربرد، چرا که ایدئولوژی در درون فرهنگ یعنوان مجموعه ای کاملاً به هم بیوسته، هماهنگ و سازمان یافته از نظرات و ادراکات تحلیل بخش محسوب می گردد، ارزش‌هایی که ایدئولوژی بر مبنای آنها استوار است، در قالب افراد جامعه متجلى می شوند.

(2) **شرایط جغرافیایی و طبیعی:** شرایط جغرافیایی از دو جنبه منابع طبیعی در دسترس و مبادرات فرهنگی، اقتصادی عامل موثری در شکل گیری ساختار فرهنگی یک جامعه است و می تواند بصورت مثبت یا منفی در هویت کلی باورهای فردی و اجتماعی و تهایتاً نحوه فعالیتهای سیاسی و اقتصادی که خود پیکره یک جامعه را شکل می دهند نقش اساسی و جدی ایفا نماید. شرایط آب و هوای و منابع در دسترس در رفتار یک جامعه و ساخت کوشی یا عدم تحرک آنها نقش مهمی ایفا می کند. همچنین نقش و خصیت جغرافیایی جوامع و کشورها در تأثیر پذیری و قدرت تأثیر گذاری آنها بر کشورهای همسایه غیر قابل انکار است.

(3) **تحولات تاریخی، قدرت سیاسی و نظامی، نوع حکومتها:** تحولات تاریخی از قبیل جنگها، حوادث طبیعی و غیره در پیدایش افکار و باورهای انسانها دخیلند در جوامعی که همنواه تحت حمله متجاوزان قرار می گیرند و با از نظر حکومتی تحت سیطره حکام ظالم و دیکتاتور اداره می شوند، افراد اساساً ازادی فکر و اندیشه، استقلال فردی و اعتماد به نفس خود را از دست می دهند. در چنین جامعه ای افکار وابده ها در چهت شکل می گیرند که همه امور را به قضا و قدر و اگذار گنت و نقش خود را در سرنوشت خود و جامعه کمتر دخیل بدانند و این حادثهای متشکل فرهنگی در جوامع توسعه نیافتد است، به عبارت دیگر، اعتقاد به «حاکمیت و قایع» و نه «حاکمیت بر وقایع» بزرگترین خایه فرهنگی و باور جمعی در روند توسعه محسوب می شود. در چنین



بخشن خصوصی گرفته تا بانک مرکزی و نهادهای دولتی و ... خود
اقتصادی را تسهیل می کنند و این
مهم محقق نصی گردد مگر آنکه جو
سالم فکری و بینش توسعه گروا در
جامعه وجود داشته باشد و توجه و
تأکید بر مسائل اقتصادی تباید از
فرهنگ سبقت پیگرد و فرهنگ را
تحت الشاعع خود قرار دهد برای
انتخاب یک الگوی توسعه مطلوب
باید سنتها و آداب فرهنگی دائم
تصحیح و تبدیل گرددند تا آنکه مسیر
توسعه هموار گردد. هر فرهنگی
تعیین کننده یک سطح توسعه است و

مسائل اجتماعی و
ای به سمت توسعه
بر باورهای فرهنگی
مکرر جامعه و سه ویژه
کشور از بالاترین ترا
نه در برخورد با مسائل
سی و تخصصی الد
امور کارشناسی و

هر سطح توسعه ای نیز کیفیت فرهنگ یا جامعه را تعیین می کند از این رو نایابد این تصور وجود داشته باشد که فرهنگ یک کشور لایتیر می باشد، بلکه فرهنگ در پست زمان هم عامل تعییر است و هم خود تعییر می کند. کیفیت یک فرهنگ و محیط اجتماعی در تحریک تشویق، حرکت، خلاقیت، شهامت، تدبیر، پستکار و تلاش یک سلت تأثیر بسزایی دارد. کیفیت نیروی انسانی و کار که نقش محوری در تحقق توسعه دارد بستگی تمام به کیفیت فرهنگ و عوامل اجتماعی آن دارد.

و پژوهشیان فرهنگی لازم برای تحقق توسعه:

در تعریف فرهنگ مجموعه باورها، رفتارها و آداب و رسوم و سنتهای یک جامعه را آوردیم با این تعریف نیز می‌توان فرهنگ را پایه رفتارهای انسانی قرار داد و از آنجا که بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی بر پایه رفتارهای فرهنگی است، توسعه اقتصادی نیازمند باورهای فرهنگی مناسب و سازگار با توسعه است. به عبارت دیگر، توسعه بدون پیشنازهای فرهنگی صورت نمی‌پذیرد و حرکت جامعه به سمت توسعه زمانی میسر است که منظومه فرهنگی آن جامعه هماهنگ و بانتظام باشد. منتظر از منظومه فرهنگی مناسب با توسعه چیست؟ به عبارت دیگر چه ریشه‌های قرهنگی، فکری و بیشی از لوازم بلافضل توسعه اند و تحقق آن را میسر می‌سازند؟ بطور کلی از مجموع دیدگاههای حاصل نظری در این رشته این نکات را می‌توان استخراج کرد:

تفکر و نگرش علمی در برخورد با مسائل اجتماعی و نسائی باید ترویج شود جامعه ای به سمت توسعه حرکت میکند که نگرشاهی علمی بر باورهای فرهنگی جامعه حاکمیت یابد. به عبارت دیگر جامعه و به ویژه تعصیم گیرندگان سیاسی اقتصادی کشور از بالاترین تا پایین ترین سطوح باید پیدا نمود که در برخورد با مسائل مختلف تیاز مند دیدگاههای کارشناسی و تخصصی اند و نهادهای الام را برای انجام امور کارشناسی و تخصصی، موجود آورند.

در این قسمت ما به دنبال زمینه های فرهنگی و غیر اقتصادی هستیم، برخی توسعه فرهنگی را مقدم بر توسعه اقتصادی می دانند.

چنین مطرح می شود که نیل
به توسعه اقتصادی با رفع
برخی موانع فرهنگی و یا به
عارتی رفع توسعه نیافتنگی
فرهنگی « امکان پذیر خواهد
بود. برخی شواهد تاریخی
ییانگ آن است که باید
تحولات اجتماعی و فرهنگی
حضورت گیرد تا زندگان توسعه

اقتصادی در یک کشور تسهیل شده، شتاب پیدا کند، برای تحقق توسعه علاوه بر وجود علت حد لازم از نظر شدت اثر بخشی علت بر معلول نیز اهمیت دارد که ما آنرا حد استانه ای می گوییم و عبارت است از یک حداقل و استانه ای از انباست نیروها که تعییر وضعیت را امکان پذیر می تمايد. تحولات استانه ای شامل ایجاد شرایط لازم اقتصادی در توسعه نیست اما چه سا علی رغم ایجاد زمینه های مناسب اقتصادی، به دلیل عدم زمینه فرهنگی و همچنین نبود نهادهای جهت دهنده به عوامل اقتصادی، نه تنها رشد و ترقی حاصل نشود، بلکه منابع انسانی و مالی نیز به همراه بطور کلی باید گفت که فرهنگ می تواند هم یعنوان زمینه و هم یعنوان جزئی از فرایند توسعه تلقی شود. پس از تحلیل گران یکی از عوامل موفقیت در توسعه و رشد اقتصادی سریع کشورهای جنوب شرق آسیا را بافت فرهنگی آنها میدانند، اصول فرهنگی این کشورها بستر فرهنگی مناسبی برای توسعه اقتصادی قرار گرفته است. احترام به نظام سلسه مراثی و تقدیم اهداف ملی و گروهی بر اهداف شخصی و سخت کوشی، تعهد به انجام وظیفه، رغبت به قانون پذیری و توجه به نظم و سازماندهی، دقت در کار، مدیریت بر فعالیتهای اقتصادی و ایجاد هماهنگی میان کانونهای جامعه مجموعه ای از اصول فرهنگی را تشکیل می دهد که لازمه توسعه اقتصادی اند. نظام فرهنگی یک جامعه باید با اینزهای اجتماعی رشد و توسعه اقتصادی تجانس پیدا تمايد، البته توسعه اقتصادی در اینیاست سرمایه، فناوری سطح پس انداز و ترخ سرمایه گذاری خلاصه تعریف شود بلکه افزایش و تواناییهای نیروی انسانی در یک جامعه است که به همراه عوامل مذکور به توسعه اقتصادی من اتحاج مارد. اگر خصوصیات فرهنگی یک جامعه با اینزهای اجتماعی تجانس پیدا تمايد مسیر توسعه هموار می گردد ساختار سیاسی و فرهنگی هر جامعه ای باید تسهیل کننده و حامی توسعه اقتصادی باشد، همانگی دقیق و زنجیره ای واحدهای گواگون اقتصادی را

از این برای همه تقاضی شود و در مقابل احترام به حقیقی دیگران و رعایت حقوق شهروندی در اماکن عمومی یا خصوصی ارزشی والا پستدیده جلوه تعاون.

﴿ دولت تنها منبع فرهنگ اجتماعی نیست و نهادهای غیر دولتی در نظام اجتماعی مؤثرند. حکومتها بیش از افشار محتلف اجتماعی به قدرت می‌اند. این توجه خاص منطقی و طبیعی است. اما اگر نیروها و عوامل تعديل کننده ای در جامعه وجود داشته باشد زمینه های فکری و فرهنگی جامعه چند بعدی تواهدها شد. اگر دولت تنها منبع فرهنگ اجتماعی باشد، افشار مختلف یک جامعه به دولت متصل شده محافظه کار می‌گردد.﴾

﴿ اعتقاد و ایمان به تحولات اجتماعی و در نتیجه ایجاد تحولات و پویایی در نهادهای اجتماعی با توجه به موقعیت‌های زمانی مختلف، ثبات شرایط از قبیل ثبات در سیاستگذاریها و برنامه‌های ریزیها، ثبات در حقوق مالکیت و تخصیم قراردادها از جمله عوامل مهمی هستند که ضرورتا باید طی دوره های خاص وجود داشته باشند ولی لازم است در مقاطعی از زمان نهادهای چند متناسب با دوره مورد نظر ایجاد شوند.﴾

در این رابطه الکس اینلکس نتایج تحقیق خود را در خصوص زمینه های مساعد فرهنگی برای توسعه چنین حلقه بندی می‌کند
۱) آمادگی افراد برای پذیرش اندیشه های نو و به کارگیری و آزمون آنها.

۲) آمادگی افراد برای اظهار عقیده و پذیرش اجتماعی برای شنبیدن عقاید.

۳) احساس زمانی، که مردم را به حال و آینده بینش از گذشته علاقه مند می‌سازد.

۴) وقت شناسی و توجه بیشتر به برنامه‌ریزی، سازماندهی، کارآمدی و بهره وری.

۵) تمایل به نگریستن به جهان با تکرش محاسباتی

۶) ایمان به علوم و فناوری

۷) ایمان به عدالت برای همگان.

منابع:

۱- جامعه شناسی کشورهای جهان سوم/ جی.ای. گلد توب ترجمه جواد ظهوریان

۲- رشد و توسعه / ا.پ. تیبل وال/ ترجمه: منوچهر فرهنگ- فرشید مجاور

۳- توسعه اقتصادی و برنامه ریزی / شهرنام طاهری

۴- اقتصاد توسعه / دکتر مسعود نونزاد

۵- اقتصاد دیبرستان

۶- توسعه اقتصادی / محمود متولی

☒ بر علاوه عقلاتیت که تقریباً مرتبط با ویژگی قبلی است تأکید شود. رفتار عقلانی و تصمیم گیری عقلانی باید بطور مشخص از رفتار احساسی و هر نوع منشأ و خابله دیگر مجرزاً گردد. رفتار عقلانی قواعد و خواباط علمی را در تمام ابعاد زندگی کارساز و تعیین کننده می‌داند. در صورتیکه ارزشیهای عام در یک جامعه به سطح معنی از عقلاتیت پالایش نشده و تعالیٰ نیافتنه باشد شعارها و انگیزه های احساسی به راحتی دستاویزی برای سیاستگذاران قرار می‌گیرد و مقوله ها و استدلالهای غیر علمی را مشروعیت می‌دهند.

☒ انسجام و همسنگی ملی از ویژگیهای فرهنگی ممه م در توسعه اقتصادی است. در کشورهایی با گروهها و قابل و فرهنگهای نامتجانس که مانند کشور ما همیشه درگیر اختلافات قومی اند نبات و انسجام ملی برای ایجاد انگیزه کار و فعالیت و توسعه سرمایه گذاری های بلند مدت شکل نمی‌گیرد. در جمنی کشورهایی بجای هماهنگی در تصمیم گیریها و جهت گیری های سیاسی به منظور افزایش منابع ملی، قطبیهای قدرت (سیاسی، مذهبی، وغیره) درگیر تقسیم منافع ملی بجای افزایش و رشد آن می‌شوند.

☒ ایجاد برابری در مقابل قانون و حقوق برابر شهروندی زمان بسیار طولانی نیاز دارد تا در نهادهای قانونی جایگزند و به اجرای آید. کشورهای اروپایی از قرن چهاردهم به بعد مبارزات بسیاری را برای حاکمیت قانون تحریه کردند و پس دریج امتیازهای ویژه طبقاتی و واستگیهای فامیلی و قواعد قدرتها را در اعمال و اجرای قوانین تعديل نمودند. عدالت اقتصادی در توزیع حصول توسعه از مقوله های مهمی است که شرایط فرهنگی و مبانی ارزش یک جامعه نفسی تعیین کننده در چگونگی آن دارد.

☒ شرط اولیه استقرار دموکراسی و مشارکت مردمی در تعیین سرتوشت خود، برخورداری از حداقل سواد در سطح فراگیره، آشایی به حقوق اولیه شهروندی، وجود نهادهایی است که اراده مردمی را در تصمیم گیریهای مملکتی منعکس نموده، تضمين اجرای صحیح آن را به عهده نگیرد، ایده مشارکت مردمی با مصوبه ها و شعار های نمایندگان دولتی تحقق نمی‌پذیرد بلکه با به قدرت رسیدن افراد در سطوح مختلف صورت تحقق می‌یابد. این خود آنها هستند که باشد برای پاسخگویی به حقوقشان و حتی شناخت حقوق خود تلاش کنند. لذا مشارکت مردمی و مردم سالاری فرایندی بسیار طولانی و میازده ای بسیار سخت می‌حلبد تا اینتا در بینش عمومی جای گیرد و سپس مستولان حکومتی را مجبور به اطاعت و پذیرش آن نماید.

☒ نظام اجتماعی قبل از آنکه توسط قوانین لوشنده شده در جامعه ای به اجرا در آید می‌باشی در فرهنگ مردمی پذیرش علم یابد و هر نوع بی نظمی چه در رانندگی و چه در بارکها و مراکز تفریحی و یا محیطهای آداری و حتی در محیط خانواده نوعی خد

چه باید گردیم

سید سلیمان حسینی

نمایند به خود می پذیرد و در مقابل از خود نیز عطا می کند و بدین علت با داد و ستد خود را زنده و تاداب نگه می دارد. و به علت همن زنده بودن، و تعییر رشدش نیز اجتناب نایابی راست و این رشد و تعییر گاه احسته صورت می پذیرد و گاه به سرعت، به همین علت در هیچ جامعه سنتی و مدرن یا غیران دیده نمی شود که فرهنگ نیاکان و اجداد خویش را به جلو رکامل و دقیق از هرگونه تعییری حفظ کرده و به نسل آینده انتقال دهنده. مثال زنده آن را می توان در زمان یک ملت پاییزد و در این حالت که نقش سازنده روشنگران و عالمان دینی به عینی آشکار می گردد تا فرهنگ را که همشه دارای تعییر بوده را چشم دهنده و این جهت دهنی باید دارای ملاک های کافی برای بستان غایبی که سعادت جامعه را تضمین نمایند پاشد و ما می توانیم در جامعه اسلامی از منبع سرشار قرآن استفاده نماییم. زمانی که روشنگران و فیلسوفان غربی خود معتبرند به وجود خنا پس چگونه مامیتوالیم ماتریالیسم را از ایشان تقلید نماییم ایا وقت آن نیست تابیدارگردم و لذا ایهمه غفلت خویش افلاهار ندامت و در صدد جبران آن

براییم. زمانی که ولیام مونرد رئیس الجمن آسپانی لدن می گوید، دین محمد[اص] آسان و سختانش واضح بود اعمالی که انجام داده عقل آدم را میمیوت می کند و در تاریخ جهانی مصلحتی مانند پیغمبر اسلام وجود ندارد که در ظرف مدت کوتاهی دلها را بایدار و اخلاق عمومی را تدبیت نموده و بنای فضیلت را استوار کرده می باشد؟ یازمانی که ناپلئون بناپارت معرف است به اینکه امیدواریم طولی نکشید که خردمندان هرچهار قتمدنین دنیا را گردآورده و به کمک آنان قوانینی تنظیم نماییم که همه پردازهات اساسی قرآن بنشاند. زیرا قرآن منبع مبداء حق و حقیقت است، این کتاب به تنهایی عهدہ دارسعادت پیش می باشد و در هنگامی که غرب همراه داشتمدنان و فیلسوفان شهیروش گرایشی بسوی اسلام را در خود پیروش میدهندنایا این کمال غفلت نیست که ما مسلمانان متعایل به فرهنگ و لایه ایشان شویم آیا جامعه غربی و سرانجام خفت بار آن برای ما عترت نیست، سنتی بنیان خانواده ها، عدم حضور حجاب و حیله بی جند و باریها و شیوه ایوانجیلیهای تاعلاج همه و همه نکاتی هستند که خود گر بررسی گردند نقطعه عطفی برای بیدارگری خودمند بود. آیا فقط دم زدن از اسلام کافیست؟ ایا تا کنون اندکی تأمل کرده اید؟ و دین اسلام را به چشم نیک مسلمان بررسی نموده اید؟ آیا تا به حال از خود پرسیده اید. از اسلام

روحانیون باید باسعنی و تلاش قدم در راه احیاء پیشایی فرهنگ ناب اسلامی بگذارند و تبلیغ وسیع را اغاز نمایند و همه و همه را فقط برای خدا الدجام دهند تا خداوند نیز همیشه پیشتبیان ایشان باشد

تحولات پدید آمده توین در قرن معاصر مبحث فرهنگ و متعلقات آن را در مژتیه مهترین مسائل روز و بین المللی قرار داده است، به صورتی که اهمیت و جایگاه مؤثر فرهنگ در توسعه یا بازماندگی کشورها باعث گردیده تا استعمارگران از راه تخدیر فرهنگها و با القای فرهنگ خود را بهره های فراوانی در جهت منافع تامشروع خود به دست آورند. مخصوصاً تهاجمات فرهنگی غربیان با کشورهای جهان سوم بالخصوص با حوزه فرهنگی دینی در جوامع اسلامی که از دیر باز آغاز گردیده در شرایط کنوتی سرعت پیشتری به خود گرفته است و این را نایابد از یاد برد که شکل گیری هر فرهنگی تدریجاً در بستر جامعه صورت می پذیرد و لذکی تسامح و غفلت در شناخت حرکت در اهداف فرهنگی دشمن به او امکان نفوذ از مرزهای نامرعی را خواهد داد و دیری تحویله گذشت که شاهد حضور جدی مظاہر فرهنگ بیگانه خواهیم بود باید اعتراف نمود به اینکه رواج فرهنگ غریبها بیش از آنکه ازقوت ان حکایت داشته باشد میین خطف ما در تبیین، تبلیغ و شناخت واقعی فرهنگ دینی و برخوردار نبودن از درک حقیقی و ماهوی آن بوده که زمینه را

برای گرایش به سوی مظاہر تمدن و فرهنگ غربی در جامعه ما فراهم نموده است. در این راستا برای همه دین خواهان و فرهنگ دوستان، این فرصت آماده است تا با تلاشی بیکثیر در بازسازی و ساخت فرهنگ مستقل خود پکوشند. چرا که باستیابی به استقلال فرهنگی به معنای فرآگیر آن حفظ کیانی یک جامعه امری تضمین شده می باشد. و این مسئله تنها با تکیه بر ایمان و عمل صالح که همواره در زبان اسلام تکرار می گردد گواه بر آن است که اسلام تعییر وضع اجتماعی و فرهنگی را معلول تعییر وضع انسانی می شمارد و در تعییر وضع انسانی به آگاهی اعتقادی و عمل اتفاقی تکیه دارد «ان الله لا يغير، بقوم حتى تغيير وانا نفسيهم». و با توجه به اینکه فرهنگ خود پدیده ای بیوای و سیال است از این رو تعییر و تحول پذیری در عنابر اسلام امری طبیعی ولازم می باشد. زیرا فرهنگ به عنوان منبع پاسخگویی به تیازهای اجتماعی و فردی یک جامعه در بستر تاریخ همیشه در معرض درخواستهای جدید است و بدین سبب در تعییر مذاوم قرار دارد چه این که فرهنگ می باید با به پای تیازهای افراد جامعه پاسخ های لازم را ارائه نماید و ایستادی آن موجب مرگ و نابودیش می گردد و بدین علت است که عامل زنده بودن فرهنگ و جنبه پذیرنده ایشان بیویندگی و سیالیش می باشد بدین علت آنچه را که موجبات تقویت و بالندگیش را فراهم



تبليور انديشه

- اگر دين نداريد، لا اقل در دنيا خویش مردمي از آده باشيد.
«امام حسین»
- ازادی معیش مستولیت است و از آن جهت بضمها از آن می ترسند.
«چورچ بولارد شلو»
- ای ازادی، چه چنایتها که به نام تو مرتكب می شوند
«مادام رولاند»
- افراط در ازادی به برگی سی انجامد و شدیدترین نوع استبداد از افراطی ترین نوع ازادی پدید می آید، و وقتی ازدی افسار گشته شود، استبداد نزدیک می شود.
«سفراط»
- در مردمی که جهالت بر داشت فرماتروایی می کند، ازادی وجود ندارد.
«هاری وار دیچو»
- ازادی ما از نقطه ای آغاز می شود که ازادی دیگران خاتمه یافد
«ویکتور هوگو»
- به نیروی به ياد آوردن بلکه درست تحمله مقابل آن یعنی نیروی فراموش کردن شرط خروجی وجود ماست.
«سالوم ائس»
- دیوانگی جز داشتن امراکات غلط و استنتاج درست از آنها نیست
«ولتو»
- تنها هدف زندگانی باید شادی در لحظات زندگی و کشف و پاکت خویش در شای باشد و نه گردآوری و انباشن چیزهای ملای «لوبوسکالیا»
- قویترین نیروی که انسان میتواند از خودش ظاهر کند در دعا و نیایش پنهان است.
«الکسیس کارل»
- بهترین دوستانم کسی است که عیوبم را هدیه کند
«امام صادق(ع)»
- با عشق زمان فراموش می شود و با زمان عشق فراموش می شود.
«اخوان و صفا»
- اعتراف به نفس خفه تیست بلکه قدرت است.
«اوژن به اتان»
- تدبیر همیشه بر شمشیر غالب است.
«تاپلتوون بناپارت»
- دلستگی انسان به زندگی تیست بلکه به خوبی آن است.
«سفراط»
- شدائند و الام عقل و هوش انسان را محصول خیزتر می کند
«ناپلتوون بناپارت»
- بحث کنید و اندیشه ها را با یکدیگر بستجید تا از آن میانه راستی زاید.
«امام علی (ع)»

چه می خواهیم و چرا مسلمانیم! اسلام به ماجه گفتند و از ما به عنوان مسلمان خواهان رعایت چه مقرر است وابن مقررات موضوعه برای چیست! آیا درسادگی و بی پیرایگی و سخنان آن که قابل درک بردی هرقد عالی می باشد اندیشه کرده ایم که اکنون به آن پشت پازده ایم و باکمال وفاخت دم از غرب و تمدن غرب می زنیم و به خود می باییم که اخرين مدلباس غربی را به تن گرده و یا آخرین مدل آرایش غربی را به جان خریده ایم. باکمال ثائف این ها همه از سنتی و تداشتن هوتی محکم، حکایت دارد کسی که خود را پاییند فرهنگی عمق احیل بداند هرگز در صدد پذیرفتن فرهنگی که مردم جامعه اش دچار بدختی و فلکت گردیده اند بر نمی آید بحران هوتی هاست که جوانان و نوجوانان عزیز را به سوی پذیرایی از فرهنگ منحوض غرب سوق می دهد و در اینجاست که هشتم روشنگران دینی و عالمان به قرآن و اسلام اشکارتر می گردد و روشنگان باید باسی و تلاش قدم در راه احیاء بتیادی فرهنگ تاب اسلامی بگذرانند و تبلیغی وسیع را آغاز نمایند و همه و همه را فقط برای خدا انجام دهند تا خداوند نیز همیشه پشتیبان ایشان باشد. چرا که در این برده از عصر کنونی جوامع گوناگون دربرابر اسلام قد علم نموده اند و علیه اسلام سرعايه گذاریهای کلائی را مینمایند و تبلیغات وسیع و گسترده ای به راه لذاخته اند و می خواهند همه چیز جامعه اسلامی را از ان بگیرند. در این هنگامه بحرانی وظیفه دانشمندان دینی و حوزات علمیه چیست آیا فقط بگفته بزرگواری ان قلت گفتن . و گوشه حجره نشستن است یا خیر؟ ته بلکه مستولیتی بس خطیر تر دارد، مستولیت او ساختن بهتر و سازنده تر خویش است تا بتواند حفظ فرهنگ اسلام نماید زیرا فرهنگ هر جامعه تمام تار و پو د آن جامعه می باشد و فرهنگ و معارف یک جامعه متنstemن دین و استقلال و ازادی حتی نان و آب ایست بهترین وسیله ای است که با از هم پاشیدن آن، تسلط بیگانگان بر یک سرزمین به متنstemه ظهوری رسید بدین خاطر است که بیگانگان در جهت ازالة فرهنگ و بالیجاد دوگانگی و بحران فرهنگی بوریه از نوع فرهنگی و مذهبی سیار فعالتر هستند وابن فعالیت در صدر تمام اعمال آنها می باشد در این حال مشکلات ما به عنوان یک فقط پستگی تمام با وضع ما مسلمانان ورہبری مذهبی مان دارد رهبری خردمند همراه با دانشمندان انتقاد پذیر راه مارا بسوی کحالات انسانی و فرهنگی و ایجاد سدی محکم در برابر اجنیان هموار می سازد. اجتناب مفرط از قوم گرایی و تعلقگاری فکری به یک جناح خاص دررسیدن به این هدف باری می تمايزد و غیراین صورت شکست می پیروزی استگبار حتمی است. به امید آن روز که شاهد همبستگی تمام جوامع اسلامی باشیم.

والسلام عليكم
سید سلیمان حسینی



روشد اکتسابی افکار انسان

ابراهیم مرجان

aflkar2004@parsimail.com

از آموزش و پرورش رشد کند سپس به کارهایی نظیر گاوداری و جوباری و سبزپردازد و کودک دیگر را به شهرستان برند که دارای تمام وسائل فرهنگی آموزشی باشد و در شرایط درست تعلیم و تربیت رشد کند و هر سال به کلاس بالاتر برود هر گاه آن تو برابر در سن هیجده سالگی با هم مواجه شوند می بینیم که درجه فکر و لبر اکشن با هم تفاوت زیاد دارد ان که درس خوانده تحصیل کرده است علل و معاملی رایسترن می فهمند و حسوب و بد رایه تشخص می دهد.

بیون تردید اختلاف درجه دو برادر ناشی از رشد طبیعی آنان نیست زیرا فرض ما این بود که فکر طبیعی هر دو برادر از اینجا یکسان بوده این نتیجه فکری ناشی از رشد اکتسابی فکر است برادر که در ۵ ماهه و تحصیل لکرده در طول این چند سال فکر خود را رشد طبیعی کرده است ولی برادر تحصیل کرده علاوه بر رشد طبیعی از رشد اکتسابی نیز بهره مند شده است او اگر با فکر که از دو جهت رشد گردد فکر بهتری دارد می تواند ماند، اما تجایه و تحلیا کند.

نایافتنی نماند که رشد اکتسابی فکر جر اساسن رشد طبیعی آن استوار است
مغز کودک که مرگ مادی فکر است باید از قفل آن قادر رشد کرده باشد
که بتواند سلاطین معالب آموزشی را درک کند و در راه رشد اکتسابی
به حرکت درآید کودک که فکر کشید به قدر کافی رشد طبیعی نکرده است

هرگز نمی شود او را به طرف رشد اکتسابی سوق داد.
پدران و مادران وظیفه شناس کسان هستند که در اولین فرصت به پرورش فکر فرزند خود من برداشند و در فهیم خوب و گود کالاه این با وی سخن من گویند و نیزروی معزش را در راه قهقهه درگ مطلب به حرکت در من آیند و همزمان با راسد طلبی فکر به رشد اکتسابیش بتو افزوده من شود. به تبعه ارشد اکتسابی کودکان تدریجی است که هر متزل مقدمه منزل بالاتر است بلکه تکامل روایی جوانان پیرگسالان بیز به همین متوازن است کسی که علاقه نارد فکری به رشد اکتسابی بالاتر برسد باید از فکر کوتونی خود استفاده کند و در مسائل که با درجه فکر او مناسب است فکر تبادل از این راه فکر خوبش را تقویت کند و برای رسیدن به متزل بالاتر مجهز نماید که یعنی از مهمترین راه رسیدن به متزل بالاتر حیان آموز پرورش است. آموزش پرورش حیانی است تائمنی و تبادله تجوییات دور از چون فرد ، فرد در طی مراحل زندگی همواره بر عوامل و ایامیهای زیاد نکته ای در عین یابنده هر دریافت جذبی شخصیت تازه ای یافته ای کند و از دیدگاه دیگری تجزیه دریافت می کند و ناگیری به دریافت لکات لاره ای دیگری می باشد از این رو حیان آموزش پرورش مخصوص توسعه ای با تنظیم محدود از میشهای است که پیوسته آزمایش قرداشی تر و عمیق تر می کند او را در هنایت از میشهای این توالتز می سازد در حیان آموزش هر قدم مجرم کی قدم دیگر و ملهمه قدم بیلد تر و مهمتری است. لازم است پدران و مادران و مربیان به این نکته اساسی توجه داشته باشند که مطلعه از کسب داشت تهبا کار اینداختن نیروی حافظه و خطا بر نامه های علمی نسبت بلکه مقصود است که گویی دکان و جوانان ذهن سنبی که هستند مسائل علمی و درسی را بخوبی درک کرده اند و در فکر خود آنها تجزیه تحلیل نمایند علاوه بر این همچنان فکر شان باشد کسانی که از اینه مسائل را تجزیه و تحلیل کند که مناسب با درجه فکر شان باشد کسانی که از دوران کودکی با مسائل علمی عملی کشته اند و در جوانان به نسبت سه خود دارای فکر روسن و باز اکتسابی بروزدار گشته اند و در جوانان به نسبت سه خود دارای فکر روسن و باز

برگزی یوشیده نیست که خداوند انسان را موجودی آفریده است، امیخنه از عقل و عاطله، عشق و اندیشه که هر کدام از این دو بعد نقش اساسی در به حرکت در از زدن انسان دارد و هیچگاه نمی توان یکی از اعما د را پذیرفت و دیگری را رها کرد بنابر این مکاتبی که به یکی از این دو می تفکر استند قابل پذیرش نمی باشد جزو که هر بعد برای خود وظیفه ای دارد که از عهدده دیگری بیرون است قرآن کریم همانگونه که به رشد فکری که سیر تکاملی در مراحل اثی انسان است توجه داشته و افراد را برآن می دارد که از تقویت رشد خوبی غافل نباشند و این رشد که رسیدن به آن گویا کمال است انواع گوناگون دارند که ذیلا بیان می گردد:

انواع رشد فکری: طبیعی و اکتسابی

رشد طبیعی عبارت است از نمایی که بر اساس قانون خلقت و سنت آفرینش تدریجاً تخصیب انسان می‌گردد و رشد اکتسابی عبارت است از تکامل دست که بر اثر آموزش‌های علمی و تجربیات عملی به دست می‌باشد.

آغاز و شدیدتر شدن طبیعی فکر انسان از دوران کودکی و هنوزمان باشد طبیعی بدن به طور خودکار آغاز می شود و سالیان دراز پس از طی آخرین مرحله، رشد طبیعی نیز ادامه دارد.

به عبارت دیگر می توان گفت که رشد طبیعی فکر انسان هاست رشد طبیعی بدن از خود حد وحدو دارد و این در مورد رشد عقلانی حدقه‌هی گند رشد طبیعی فکر وقتی که به رشد نهایی خود رسیده مانند رشد بدن متوقف می شود ولی میدان رشد اکسازی برای ادامه فعالیت‌های علمی تحریم باز است و انسان می تواند در سنتین متملاً همچنان در راه تعالیٰ تکامل سیو گند .

نظر به اینکه عقول پیش در جات مختلف دارد ناجار رشد طبیعی فکر آنان نیز متفاوت خواهد بود گمانی که دارای فکر عادی هستند رشد طبیعی فکر آنان نیز عادی است آنان که دارای نیوچر ذاتی هستند فکر فوق عادی دارند رشد طبیعی فکر آنان نیز فوق عادی خواهد بود اما که گرفتار حفاظتند فکر غیر عادی دارند رشد طبیعی فکر آنان نیز کمتر از حد عادی خواهد بود همین تفاوت رشد طبیعی فکر است که معیار سنجش سل تقویمه افراد با سعی عقلی آنان متفاوت است. نکته قابل ملاحظه آن است که فکر پسر تنها با رشد طبیعی به تمام مراتب کمال لایق خود نمی رسید و با رشد طبیعی فقط همه ای قابلیت های نیزه اش فعالیت پیدا نمی کند بلکه لازم است رشد اکتسابی نیز حتمیه آن شود و لذتی از راه تحصیل علم و کسب دانش که بکار از پهلوان وسائل تکامل معنوی است شکفتگی رشد کامل فکر خواهی و افرادی کند.

اہمیت، شد اکتساری،

برای مثال: دو کودک هم شکم و به اصطلاح دیگر دو قلو را فرض می کنیم که در یک دستینان دور از همه امکانات آموزشی فرهنگی متولد شده اند و چون هر دو از یک نطفه به دنیا آمده دلایل صفات مشترک و یکسان هستند و از نظر ساختهای روانی درجه فکر طبیعی آنها با یکدیگر تغییرات ندارد اگر یکی از دو کودک در همان دهستان بجا اند و در شرایطی دور



آنهم از نوع «پرمسنولیت ترین و سخت ترین» را می گمارد، مقوله بازسازی، امنیت و رفاه و تحصیلات؛ مقوله ایست که اگر درست بپاده شود حداقل مهاجرین خارج از وطن می توانند تجربه تلغی گذشته، اعتماد به مسئولین و روسای احزاب را شاید کثیف بگذارند و به افغانستانی بودن خود کمی ایندیوار پاشند و شاید بازگشتهای داوطلبانه از حکام کشور های جهان معنی پیدا کنند! واز شاخه دموکراسی، نکته ای آزادی؛ آزادی لازم است ل قبیل آزادی ... و آزادی بیان، شاید لازمتر از آن در جامعه مدنی، آزادی فان باشد اگر چنین هدایت شود شاید مغفل فوتیالیستها بیان کمی حل شود!

این عینتاً سالروز استقلال افغانستان در میان مردم جهان مثال پیشرفت و ترقی شده اند می گویند افغانستان و چاپان در یک روز استقلال خود را کسب نموده است. حال چرا چنین شده است؟!

3. دموکراسی:

یکی از انواع بپاده کردن سیاست های دولت بر جامعه و ارتباطات دولتی می باشد در این خور چنین «آزادی» نیز بیندا می شود آزادی چیز جالبی است گرچه از نوع دهنای و بیانی و ... باشد، آزادی چیز جالبی است اگر در قید و بند چیزی محدود نباشد و آزادی چیز جالبی است و لازم؛ اگر رهای وها نباشد، آزادی در جامعه (از نوع بیان و اندیشه) باغت شکوفایی و رشد فرهنگی نیز می شود و این در صورتی مشت خواهد بود که نظارت حفاظتی و کنترلی بر روی آن هم اعمال پشود آزادی در صورتی حالت است که ترتیب تعییر آزادی در جامعه و تعییر از آزادی در جامعه درست هدایت شود ولی حالا (بوداشت شخصی) به گفته ای تعییر شده است که اگر کلمه ای آزادی مطرح شود بیشتر مخاطبین (به جز شما عزیز روشن فکر) همه ای جواب ای داکلار گذشته و آن بخش آخر ته خور چنین «عربیان بودن» به ذهنتان خطور می کند و اگر محدودیت، بیان شود همان ریشه های بلند طالبان!

4. فرهنگ و تهاجم فرهنگی:

۱- احالت فرهنگ ۲- ظاهری بودن فرهنگ ۳- چایگاه فرهنگ در بشریت «فرهنگ، سنتاسمه جامعه در بین تمام افراد کره ای زمین است» آن حرفيها را می توان در بیشتر جراید و نشریات دید ولی به قول بازاریها این ها هست پا و یک چارک است، فرهنگ ن دید گاه

گاهی می شود از دل تنگه آسمان را سیاه رنگ کرد و سیاهی آن را سادگی و وضوح دانست، که کوچکترین جوهر ای هم بتولد فریاد «من وجود دارم» را بزند در این قصل . وصل چایخانه ملت را به ستون نثارات کلیک نوبید می دهیم؛ امید همیاری و همراهی دوستان را داریم، همه نوع جای برای همه نوع ذاته سبز، سیاه، گاهی هم ... !!! (شاید هم زرد)

این چلک

1. کلیک 2- تشکیل حکومت مستقل 3- دموکراسی و آزادیها 4- فرهنگ و تهاجم فرهنگی

1. کلمک

جلسه ای که اعضا کلیک داشتند؛ بررسی و زلال کردن هدفهای کلیک بود، اهداف بسیار عالی و متعالی و ارزو ها نیز همچنان بزرگ، فریادهای نزدیک، حرقوهای شنیده شده و اصلاح اسیبهای فرهنگ کهنه، اصلاح مدوتیب و موهای دراز! و ...

و زندگی و سازندگی و بالندگی و نکامل و رشد فرهنگ جامعه، ولی توافق اینها همچنان محدود، گرچه می دانیم اینها سگی است؛ بزرگ که مقابل طلقی خرد ایستاده و راه را برایش آخر نموده است . اگر ساختن را خود یک ارمان بزرگ و بعید بدانیم، نهایت بجهه های شهرمان یا تکه زغال بر دیوارهای شکسته ای خانه یشان نقش یک شهرآباد را بکشند، ما را بس است، با اگر رفقی بود بر تصویر این مردم محزون و جنگ دیده، هلال بخند را بکشیم

2- تشکیل حکومت ایده آل

خط سیر حکومت ایده آل در دیباچه انتظارات مردم بگونه ای باید باشند که ارمنیان آن، بازسازی و امنیت و رفاه و تحصیلات و دموکراسی و ... باشد

از آنجا که همه خواستار یک ملک آباد هستند؛ همه چشم راه روند سازندگی با مساعدت اعانه های بین المللی می باشند ولی این بمنظ کم می رسد. دولت ایده الله راهکارهای اساسی و زمینه ساز در این باره، بپاده خواهد نمود و این یکی از انتظارات مردم از ریاست حکومت ایده می باشد. 25 سال خرابی، 25 سال رکود علمی و فرهنگی، 25 سال تعریضات همه بعدی : 25 سال سازندگی و فرهنگی، 25 سال رشد و شکوفایی و 25 سال حمایت از همه ارزشها؛ ملت در قالب زمانی، 4 سال بر ریاست و شاهنشاهی و حکومت ریاست ایده علامت آ می گذارند و کلمه «خدمت» و



تروتمندان منطقه گوشفتدی خذ کرده بود (اصالت فرهنگ) از او علت را پرسیدند گفت بچه‌ی خود را گفتم که از خارجه بیاید و این لاتیکی که باد گرفته‌د همین پوهنتون شار خود بر همی بچه‌های سیاه مفرغ منطقه باد بته شاید امیا هم جای برسه!

کلام آخر:

خوانندگان عزیز از چایخانه کلیک چه انتظاری دارید؟
منتقدان عزیز از چایخانه کلیک چه انتظاری دارید!
و در این هنگام که عکس (مرد از عکس علامت سوال است) در چشم انداخته بود که من با چشم‌انداز رفتن نوشتیم و نویز آنرا خواندی و حال آنکه چشم‌انداز گران سخت سر گرم چشم چوانی بودند چشم به راه بیام شما هستیم با این تحریفات مدیر مستول محترم و سردبیر گرامی راهی نیست جز اینکه باید گفت «دان ادب دارد»!!!!!!

Ateaziz420@parsimail.com

عامیان جامعه که بیشترین سازه یک جامعه را تشکیل می‌دهد روش سخن گفتن و لباس پوشیدن و زندگی کردن است و حال می‌خواهد از هر نوع شاش باشد.

اصالت فرهنگ و حفظ اصالت فرهنگ حفظ قدمت بشری و زیستی یک جامعه وان هم از نوع برویا می‌باشد. فرهنگ در میر تکامل خود شاید گرته برداری (نوع برداری) از فرهنگ‌های دیگران داشته باشد و این وقتی خوب و مفید است که این نوع برداشت‌ها برای زندگی بهتر یک جامعه لازم باشد و اگر لازم تباشد به قول مدیر مستول، نایهنجارها را در جامعه زیاد می‌کند و لازم می‌شود که برخی، برخی دیگر را تحمل می‌کند! هر مهاجرتی از گونه‌ی فردی یا جمعی راه هجوم فرهنگ‌ها را در جوکات فرهنگ‌مان باز می‌کند و اگر مهاجرتها اجرایی باشد پس وقه‌ی این تعریفات نیز اجرایی خواهد بود و تحمل کردنش لازم. خون ریخته شده رگها نیست و نمی‌توان شرح آن را در یک صفحه ده سطrix نوشت. یعنی از

نمایند چنان
که دنیا و مدنی

اندیشه‌ای نهضتی درون



جهان یک هولوگرام عظیم است: بدین معنا که تمام وقایع، انسانها وحوادت برهم اثر دارند مثل قطعات یک پازل یا بهتر بگوییم مثل یک تابلوی هولوگرام که از هر طرف و زاویه‌ای به آن نگاه کنی یک منظره خاصی می‌بینی که با تعبیر زاویه دید، این منظره قییر می‌کند و ما شاهد یک منظره دیگر خواهیم بود. درک این موضوع به ما کمک می‌کند که بسیاری از مسائل حل شده را بهتر درک و تجزیه و تحلیل کنیم واقعیت (حقیقت) همیشه آن چیزی نیست که ما با آن روپارویی مستقیم داریم، شاید اگر کمی زمان بگذرد (عامل زمان تعبیر کند) حقیقت بهتر جلوه گر شود و مفهوم حقیقت در ذهن ما تعبیر باید و ترقی کند. در حالی که اصل حقیقت، از اول یکی بوده و ثابت است فقط برداشت ما از آن تعبیر می‌کند و معمولاً بهبود می‌یابد. تعاضی وقایع و آدمها و افکار و ارزیهای جهان بر هم تأثیر می‌گذارد و جهان هر لحظه در حال پویایی و نوشن مداوم است. حتی خود ما و افکار ما بطور باور نکردنی و گاهی نا محسوس درحال تغییرهستیم و تغییر در هر یک از اجزای این هولوگرام می‌تواند باعث خلق یک منظره مقاومت و بسیع دیگری شود.

«ذهن انسان مستقیماً بر واقعیات فیزیکی تأثیرمی گذارد، خود اگاهی در ظرفیت تربین و پویانترین شکل خود، چیزی نیست جزانتری، این موضوع به ما کمک می‌کند که توضیح دهیم چرا وقایع از آنچه، تصور، تجسم، طلب و ارزو می‌کنیم یا از آن می‌ترسمی تأثیرمی پذیرد و اینکه چرا و چگونه تصویری که در ذهن نگاه داشته می‌شود می‌تواند واقعیت پیدا کند.

این کنفیات درباره ماهیت واقعیت می‌توانند برای رشد و تحول مدام ما نیزه‌ی فراهم کنند. اگر ما بدانیم و بفهمیم که بخشی از یک جهان باز و برویا هستیم و اینکه اذهان مادر پدید آیی واقعیت نقشی قاطع ایفا می‌کنند، در آن حیث می‌توانیم زندگی خلاقانه تر و تبرومندری برای خود برگزینیم. دیگر لازم نیست درگوشه‌ای با یستیم و نظاره گرآتجه بزم‌می‌گذرد باشیم چرا که با این اگاهی جدید ما دیگر خواهیم دانست که اصلاً هیچ گوشه ای وجود ندارد، همان طور که هرگز وجود نداشته است. همه چیز بر همه چیز تأثیر می‌گذارد، هر کجا می‌روم و هر کاری که انجام میدهیم و نیز افکار ما واقعیت ما را خلق می‌کنند» (جان کنوا)



«آن گونه فکر کن که گویی قرار است از برای هر فکر تو از همه آنچه در زیر آسمان می بینی نقشی از آتش حک شود، چرا که در واقعیت چنین است، هر چند یک فکر واحد دست تها، نیروی چندانی ندارد ولی می تواند از طریق تکرار و توالی، متمنکر و جهت دارشود و نیرویی چند برابر بیاید هر چقدر فکری بیشتر تکرار شود اثری و نیروی بیشتری خواهد داشت که بتواند باشد این را اثراورزی کند و با امدادگی بیشتری قادر به بروز خود می گیرد.

افکار ضعیف و پراکنده نیروهای ضعیف و پراکنده ای هستند و افکار قوی و متمنکر نیروهای قوی و متمنکر هستند. امتحان کردن این موضوع ارزش اثرا دارد که به قدرتهای ذهن و افکارمان بی ببریم و از این پس با سازماندهی افکارمان، بهتر به اهدافمان دست باییم. باید بدانیم که افکار نیروهایی در بر دارند و باورهای عمقی ما، ترسهای ما، امیدهای ما نگرانیهای ما، نگوشاهای ما، امیال و ازووهای ما و هر فکری که می کنیم همگی بر خود ما، دیگران و محیط زر می گذارند. بهر حال دنیای ما دنیای بی جان شکل گرفته از سنج و اجر نیست بلکه سازمان پوپا و سرشار از ارزی است هر فکری که شما می کنید تحت نظرات این سازمان بر خودش تأثیر می گذارد و تأثیر آن لبی بی جون و چرا است. شما چه دوست داشته باشید و چه نه همیشه واقعیت خود را از طریق آنچه فکر می کنید ایجاد می نمایید حداقل این موضوع برای ما مسلم شده که از هر چهی ترسیم همان بر سرمان خواهد آمد. مقبول خوب المثل معروف؛ مه از بونه پدش می آید دم لاته اش سبز می شود و این خودش شاهدی بر ادعای ماست که افکار ما مستقیماً بر ما و زندگیمان تأثیر دارند. اگر می ترسیم به قرارمان دیر ترسیم حتماً دیر خواهیم رسید. امادر طلب چیزی بودن به شکلی ناجور باعث بقوع پیوستن آن نخواهد شد. امیدواری صرف یا صرف کار و تلاش سخت کافی نیست و بحث این اندیشه سر جای خود باقی خواهد ماند مگر اینکه افکارمان را عوض ننمایند.

«ذهن شما واقعیات زندگی شما را ایجاد می کند» شما می توانید این را بیدیرید یا نهایدیرید، شما می توانید از آن آنکه دیدید و ذهنان را به خدمت خود در اورید یا اینکه اثرا نا دیده بگیریدو بگذارید ذهن شما به گونه ای عمل کند که مانع پیشرفت شما گردد. اگر شما علاقه مندید به شخصی برون گمرا، خود جوش و با شهامتی که سرشار از اطمینان و اعتماد است، تبدیل شوید ولی خودتان دانها بر تاثابستگی ها و خصهای خود متمنکر باشید و با یادآوری مدام مشکلات موجود، خود را فردی کم ارزش تلقی کنید، هرگز به ان شخص دلخواه تبدیل نخواهید شد.

منابع

- 1- قدرت ذهن در قرن 21 / اجان کوتاترجمه مجله پرشکی
- 2- راز شاد زیستن / اندرو ماتیوسن/ است. وحید افضلی
- 3- بسوی کامیابی /انتونی راینس

هو جقدور فکری بیشتر تکوار شود اثری و نیروی بیشتری تولید می کند و با امدادگی بیشتری قادر به بروز خود می گیرد. افکار ضعیف و پراکنده نیروهای ضعیف و پراکنده ای هستند و افکار قوی و متمنکر نیروهای قوی و متمنکر هستند.

امروزه دانشمندان بیش از پیش به اهمیت ذهن برخواست و جریفات زندگی بی بردگه اند و تحقیقات علمی این مطلب را تابت کرده که در بسیاری موارد، آنچه را ما فضا و قدر و سرنوشت می نامیم از خود ما نشات می گیرد افکارما، ذهنیات ما بردنیای فیزیکی ما از بر می گذارند و باعث خلق حوالهای می شوند که خمیر ناخودآگاه ما آنها را ایجاد و مدیریت کرده و ذهن هشیار و باشنس و اقبال نسبت میدهد. ذهن انسان به نحو عجیب بر اطراف خود اثر دارد در واقع، به هر چیز فکر کنیم به همان حواهیم رسیده دغدغه های ذهنی ما به نحو بارزی بر رویدادهای اطراف تأثیر می گذارد در واقع ما به سوی چیزهای کشیده می شویم که به آن اندیشه ایم، ذهن انسان قدرت گیریز از خود است را ندارند بلکه حسنه این برخود بگوییم: ای کاش قلان اتفاق نیفت (یعنی دغدغه های ذهنی ما گزیراز آن اتفاق باشد) باز هم این ذهنیت ما باعث رخدادن آن حادثه می شود. بنابر این اگر ما خواستار بقوع تیبوستن اتفاقی هستیم باید ذهنیت خود را در آن مورد تعییر دهیم و احتلازه ای فکر نکنیم و یا به رخداد معکوس و مورد غلایقه خود فکر کنیم و اثری ذهنی خود را بیهوده در راه گزیر او آن رخداد هدرا ندهد، ذهن انسان قدرت بسیاری دارد که حتی در مسد بالای از این خرافیها و قابلیتها کشف نشده است و را اینکه به آنها کم توجهی شده است. مثبت اندیشه تأثیر شگرفی بر ما و وقایع اطرافمان خواهد داشت. با سازمان دهی قوای دهنی بدون سک و از روایت دست زیافتی و منطقی مان خواهیم رسید فقط باید به قدرت آن ایمان داشت و با برنامه ریزی مناسب و بینیه از این نیروی عظیم پدرستی بعره برداری نمود. از یک طرف قدرت غیر قابل انکار ذهن و از طرف دیگر دنیای اطرافمان که سازمانی زنده بیویا و مرتضی از اثری است ما را در راه رسیدن به خواسته هایمان بفرمایی می کند. داشتن فکری واحد متمنکر جهت دار، مثبت و متوالی در مورد یک ارزو (هدف) باعث می شود که خمیر ناخود آگاه ما، هر چه در دنیای اطراف خود می بیند (بهر حال اینزیهای ذهن این اورزیهای بیرونی در تعامل دانمی با یکدیگرند) که او را در مسیر آن هدف قرار می دهد انتخاب کرده و بسوی آن متمنکر شده و کشیده می شود و بدین ترتیب گاهی یک ملاقات غیر منتظره با یک تلفن امید بخش یا برخورد با آدمهایی آن راه را رفته اند و تحریب اشان برای ما مفید و تصریخش است، در توالی با ما و هدفمان قرار می گیرد و باعث می شود که در ذهن ما جرقه ای زده شود که این همانست که دنالش بودم، تا آن هدف صورت تجسم و عینیت بخود گیرد.

10. پیامهای الکترونیکی از آدرس bill@microsoft.com که تاستان گذشته به هزاران نفر ارسال شد، جملی و حاوی یک ویروس رایانه ای بود. آیا می دانستید که.....

1. استیو جابز در سال 1955 در ناحیه ای که امروز به سیلیکون ولی مشهور است، متولد شد. ۲. با این که در توزادی از خانواده اصلی اش جدا و به فرزند خواندگی پذیرفته شده بود، اما بعدها توانست خواهر خود مونا سیمپسون، یک زمان نویس، را پیدا کند. ۳. او فعالیت تجاری خود را از کاراز خانه اش به کمک دوستی به نام استیو ورزیاک راه اندازی کرد. ۴. هدف او از راه اندازی این کسب و کار تولید یک رایانه شخصی قابل استفاده برای مردم عادی بود.

۵. نام شرکت او، ایل، Apple از میوه مورد علاقه اش، سیب، گرفته شده است. ۶. او در دهه ۱۹۸۰ محصور به استعفای شرکت ایل شد اما یک دهه بعد از او خواستند برای نجات آن به شرکت بازگردد. ۷. ایل در اوایل سال جاری با فروش ۱۰ میلیون نسخه آهنگ طی چهار ماه، به بزرگ ترین شرکت اینترنتی فروش موسیقی تبدیل شد.



لينوكس پایانی بر ادعاهای مايكروسافت

اگر اخبار جهان کامپیوتر را تعقب می کنید، حتماً از ماقشه دو سیستم عامل لینوکس و ویندوز مطلع هستید. سیستم عامل ویندوز که در حال حاضر در ۹۵ درصد از کامپیوترهای شخصی جهان مورد استفاده قرار می گیرد، اندک اندک باید با وقیب جدبدی هست و پنجه نرم کند که به اهستگی، ولی به شیوه‌ای کاملاً حساب شده در حال کاستن از انحصار سیستم عامل ویندوز است.

Online

ماخذ: IRITN.COM

بیل گیتس در راس بزرگترین شرکت نرم افزاری، خدماتی و فنون اینترنتی در جهان قرار دارد. در مقابل استیو جابز کسی است که انقلاب رایانه های شخصی را پیش بینی و زمینه پیدایش آن را فراهم کرد. کدام یک از آنها مقدرترین چهره در جهان رایانه هاست؟ آیا می دانستید...

۱. بیل گیتس نخستین برنامه رایانه ای خود را در سن ۱۷ سالگی فرخخت. دبیرستانی که در آن به تحصیل مشغول بود در ازای طراحی جدول زمانی رایانه ای به او ۴۲۰۰ دلار پرداخت کرد.

۲. او از دانشگاه هاروارد انصراف داد تا فعالیت های تجاری خود را دنبال کند.

۳. بیل گیتس یکی از مؤسسان شرکت مايكروسافت در سال ۱۹۷۵ بود و تا سال ۲۰۰۰ در سمت مدیر عاملی این شرکت باقی ماند.

۴. راز ثروتمند شدن مايكروسافت در این بود که نرم افزارش را به ثبت رساند و با افزایش تعداد کاربران درآمد این شرکت هم بالا رفت.

۵. او هم اکنون نسل بعدی نرم افزارهای مربوط به سکوها و خدمات اینترنتی شرکت مايكروسافت را طراحی می کند.

۶. او از طریق بنیاد بیل و ملیندا گیتس میلیاردها دلار صرف امور خیریه کرده است.

۷. یک گزارش کاذب اینترنتی، که می گفت او به ضرب گلوله کشته استه باعث شد ارزش سهام در بازار کره جنوبی ۳ میلیون دلار افت کند.

۸. سرمایه شخصی او، که در دوران رونق اینترنت در دهه ۱۹۹۰ حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد می شد، اکنون ۴۰ میلیارد دلار رقم زده می شود.

۹. حدود ۹۰ درصد رایانه های جهان با سیستم عامل ویندوز شرکت مايكروسافت کار می کنند. این وضع باعث شده است علیه مايكروسافت اتهاماتی مبنی بر توسل به ترقندهای خند رفاقتی مطرح شود.



در مورد ویندوز XP

در ویندوز XP، با نگه داشتن کلید Shift در پنجره Turn off computer به Standby تبدیل می شود Hibernation یا خواب زمستانی، وضعیت است که در آن، کامپیوتر قبل از خاموش شدن، محتویات حافظه را روی هارد دیسک ذخیره می کند و یا هنگام راه اندازی مجدد ویندوز را با همان وضعیت قبایی بالا می آورد.

اگر ویژگی Hibernate روی ویندوز شما فعال نیست، برای فعال کردن آن، قسمت Power Options را از کنترل پنل باز کرده و به زبانه Hibernate بروید اگر چنین زبانه ای وجود ندارد، دلیل آن عدم پشتیبانی سخت افزار کامپیوترا ن از این Enable ویژگی است. در زبانه Hibernate گزینه hibernation فعال کرده و دکمه OK را کلیک کنید.

با این نگه داشتن دکمه Alt و دابل کلیک کردن بر فایل پوشه مورد نظر مستقیماً وارد properties آن فایل یا پوشه می شوید.

ترفندی از رجیستری ویندوز

تنظیم سرعت ظاهر شدن منوی start (برای ویندوزهای 98, Me, 200, XP)

برای کم یا زیاد کردن سرعت ظاهر شدن منوی start با تایپ فرمان regedit وارد رجیستری ویندوز شوید سپس آدرس زیر را ذنبال کنید:

HEKY_CURRENT_USER\Controlpanel\Desktop

نام گزینه مورد نظر MenuShowDelay می باشد که از نوع stringValue است و شما می توانید مقداری بین عدد صفر(0) تا دوهزار (2000) بر حسب میلی ثانیه را وارد کنید. زمان پیش فرض ویندوز 400 میلی ثانیه است.

محبوبیت لینوکس از دید طرفداران

طرفداران لینوکس برای اثبات برتری سیستم عامل محبوب خود را ویندوز، دلایل فراوانی را ارائه می دهند. یکی از این دلایل به اینسان پایین ویندوز و خواههای بی بایان آن بازمی گردد، اما در مقابل مایکروسافت مدعی است که سیستم عامل لینوکس هم خواههای امنیتی متعددی دارد و چون کمتر کسی از آن استفاده می کند، هنوز این شخصها شناسایی و اعلام نشده است. لینوکس به ندرت هک می شود اما تایپ پژوهش جدیدی که در زمینه سلاح ایمنی سیستم عامل لینوکس انجام شده است، این ادعای مایکروسافت را زیر سوال می برد. برطبق مطالعات جدیدی که از سوی موسسه پژوهشی Evans Data انجام شده است، 90 درصد از کامپیوتراهای مجهز به سیستم عامل لینوکس هرگز به ویروس های کامپیوترا آلوود نشده اند و نزدیک به 80 درصد آنها هرگز همکنند.

گفتندی است که برای انجام این پژوهش از همکاری 500 کاربر حرفه ای سیستم عامل لینوکس بهره گرفته شده است.

عامل الوده شدن کامپیوتراهای مجهز به سیستم عامل لینوکس از دید کارشناسان

کارشناسانی که در انجام این پژوهش شرکت داشته اند به این نتیجه رسیده اند که عامل اصلی الوده شدن کامپیوتراهای مجهز به سیستم عامل لینوکس، برهم خوردن تنظیمات امنیتی آن از سوی کاربران بوده است. همچنان دو عامل دیگر ایجاد مشکل در کامپیوتراهای لینوکس، به ترتیب شخصهای متعدد در ویسروها بوده است. به عبارت دیگر، اگر مشکلی هم پیش آمده، مقصص کاربران بوده اند و نه سیستم عامل لینوکس.

راه حل هکرهای برای نفوذ به لینوکس یک نکته جالب دیگر آنکه هکرهای سیستم عامل لینوکس عموماً برای نفوذ به آن، از خواههای امنیتی موجود در دیگر برنامه های کاربردی استفاده می کنند که بر روی این سیستم عامل نصب می شود.

عامل دیگری که در کنار OpenSource بودن لینوکس مطرح شده، Patches بی بایان شرکت مایکروسافت است که به طور مزبور برای مقابله با خواههای امنیتی ویندوز عرضه می شوند و کاربران مجبور هستند هر چند وقت یک بار، آنها را از اینترنت بارگذاری و نصب کنند تعدد و گوناگونی این Patches مدتی لست که کاربران ویندوز را به سته آورده و شاید تعداد بیشتری از آن را به جایگزین سازی سیستم عامل لینوکس تشویق کند.



هنگامی که دو برادر بزرگتر افراد پالاینگاههای نفت پاکور را در روسیه دائز کردند، مسافرتی نیز به روسیه نمود و چند صباخی در آنجا به سر برد ولی بعد از دیار را ترک نمود. به سال 1863 به مناسبت خدمات بر جسته علمی نوبيل، دانشگاه بزرگ سوئن بنام آویسا^۱ به وی درجه دکترای افتخاری در رشته شیمی اعطا کرد.

روی هم رفته نوبيل 355 اختراع را در کشورهای مختلف به ثبت رسانید و در ۵ مهر دسامبر سال ۱۸۹۶ درسان جو واقع در ایتالیا در آن خوبیزی مغزی در گذشت.

نوبيل در اکتبر ۱۸۶۵ وصیتمانه خود را به قلم خویش در پاشگاه اباع سوند و فر^۲ حضور چهار نفر شاهد سوئنی تنظیم کرد که بختی از متن آن چنین است: «آنچه را که از من به ارت می ماند به بول نقد تبدیل کنند و در موسسات معتر به نسل سرمایه بسپارند. پولی که به این صورت نگهداری می شود سرمایه تابی را بوجود خواهد آورد. منافع حاصله از این سرمایه را همه ساله به عنوان جایزه به کسانی که طی سال قبل به پنهان وجه به نفع بشریت خدمت کرده اند اعطا نمایند این را به پنج قسمت مسئوی تقسیم کنید و به این کیفیت توزیع نمایید»:

یک سهم از درآمد را به کسی اعطا کنید که مهمترین اکتشافات با اختراع را در رشته فیزیک به عمل آورده باشد.
یک سهم را به کسی که مهمترین اکتشافات را در زمینه شیمی کرده باشد.

سهم دیگر را به کسی واگذارید که بزرگترین اکتشافات را در طب و فیزیولوژی تهوده باشد.
یک سهم دیگر را به کسی بدھید که از لحاظ معنوی بر جسته ترین اثر ادبی را بوجود آورده باشد.
و بالاخره یک سهم را به کسی اعطا کنید که حداقل ساعی را در استحکام و تشبیه روابط برادرانه بین ملل و امحاده با تقلیل ارتش های موجود با تشکیل و ارزیاد مجامع مبدول داشته است»

پیام تسلیت

مدیر مسنول عزیز و گرامی، جناب آقای سید سلیمان حسینی محبیت وارد را حمیمانه به شما و خانواده گرامیتان تسلیت می گوییم و از بارگاه ایزد منان برای شما درخواست صبر و شکریابی داریم.
ما را نیز در غم خود شریک بدانید

اعضاي نشریه کلیک



در نوزدهم آذر ماه هر سال (دهم دسامبر) که مصادف با روز در گذشت افراد برتراند نوبيل، شمیست و مختار دینامیت است مراسم باشکوهی به یاد بود وی در سوئن و نیز در استکلهلم و اسلو پایتحث های این دو کشور بر با می شود به این معنی که در این روز بر جسته ترین دانشمندان جهان در علوم فیزیک و شیمی و پزشکی و ادبیات (واز سال ۱۹۶۹ در اقتصاد) جوائزی را که نوبيل به موجب وصیتname خود مقرر داشته از پادشاه سوئن و قوهطن صلح دنیا جایزه خویش را از دولت نروژ دریافت می نمایند.

در حال حاضر روز دهم دسامبر به صورت یک روز بین الملل در آمده است. زیرا در این روز است که برگزیدگان ملل در علم و ادب و حلچ به جهانیان معرفی می گردند.

افراد نوبيل در بیست و یکم اکتبر ۱۸۳۳ به حالت موجود ضعیف در استکلهلم به دنیا آمد و در تمام مدت عمر خود به ویژه در پانزده سال آخر زندگی اش از ضعف و بیماری می تالید و از این که دوست حمیمن و واقعی تداشت غالبا شکوه می کرد او که صنعتگر و آزمایشگری قابل بود، در اثر فقر خانواده اش جز چند سالی در مدرسه تحصیل نکرد و هرگز نیز به دریافت درجات تحصیلی در مدارس عالیه و در دانشگاه توفیق نیافت.

نوبيل در خلال سالهای ۱۸۷۰_۱۸۷۵ دینامیت، چاشنی جوهه ای (با فندک نوبيل) و زلاتین اتفخاری و اختراع نمود و تکمیل بالستیت

با باروت بی دود که در ادوات جنگی به کار می رود یکی دیگر ابداعات او است، پس از اینکه نوبيل در ساختن مواد منفجره موفق شد و امکاناتی قراهم اورد به کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا، آلمان و ممالک متحده اطراقش سفر کرد و در این ممالک شرکتهای تأسیس و کارخانجاتی به منظور ساختن مواد تخریبی احداث کرد.

گرچه در اثر رقابت‌های تجاری و اشکال تراشی های بعضی از موسات خصوصی و دولتها چند بار گرفتار ورشکستگی شد ولی در سایه پشتکار و هوش و مهارت سر انجام از در آمد سهام خود در شرکت ها و سود کارخانجات نروتی گرد آورد، که در آخر عمرش همه آن را وقف بشریت کرد





کاش آسمان حرف کویر را می فهمید و اشک خود را تار گونه های خشک او می کرد.
کاش واژه حقیقت آنقدر بالبها صعیفی بود که برای بیان کردنش به شهامت نیاز نبود.
کاش دلها آنقدر خالص بودند که دعاها قبل از پایین آمدن دستها مستجاب می شد.
کاش ششم، حقیقت صحبت را در تقالی بآل و پر پروانه می دید و او را باور می کرد.
کاش هفتم، با کوچه های تاریخ شب آشنا بود.
کاش هشتم آنقدر بی صدا بود که حرمت سکوت را نمی شکست.
کاش بیهار آنقدر مهرجان بود که پاغ را به دست خزان نمی سپرد.
کاش در قاموس غصه ها، شکوه لبخند در معنی داغ اشک کمرنگ نمی شد.
وای کاش مسافر معنی عاطقه را می فهمید.

Click magazine



چهارمین حملہ
من و تو فاسویم
حذف کر دلان باد
حذف کر دلان باد
حذف کر دلان باد